

ماهنامه فرهنگ اجتماع جوانان ایران ۱۵۸  
شماره ۱۵۸ پیاپی ۵۰۲ / مهر ماه ۱۳۹۷ / قیمت ۲۶۰۰ تومان

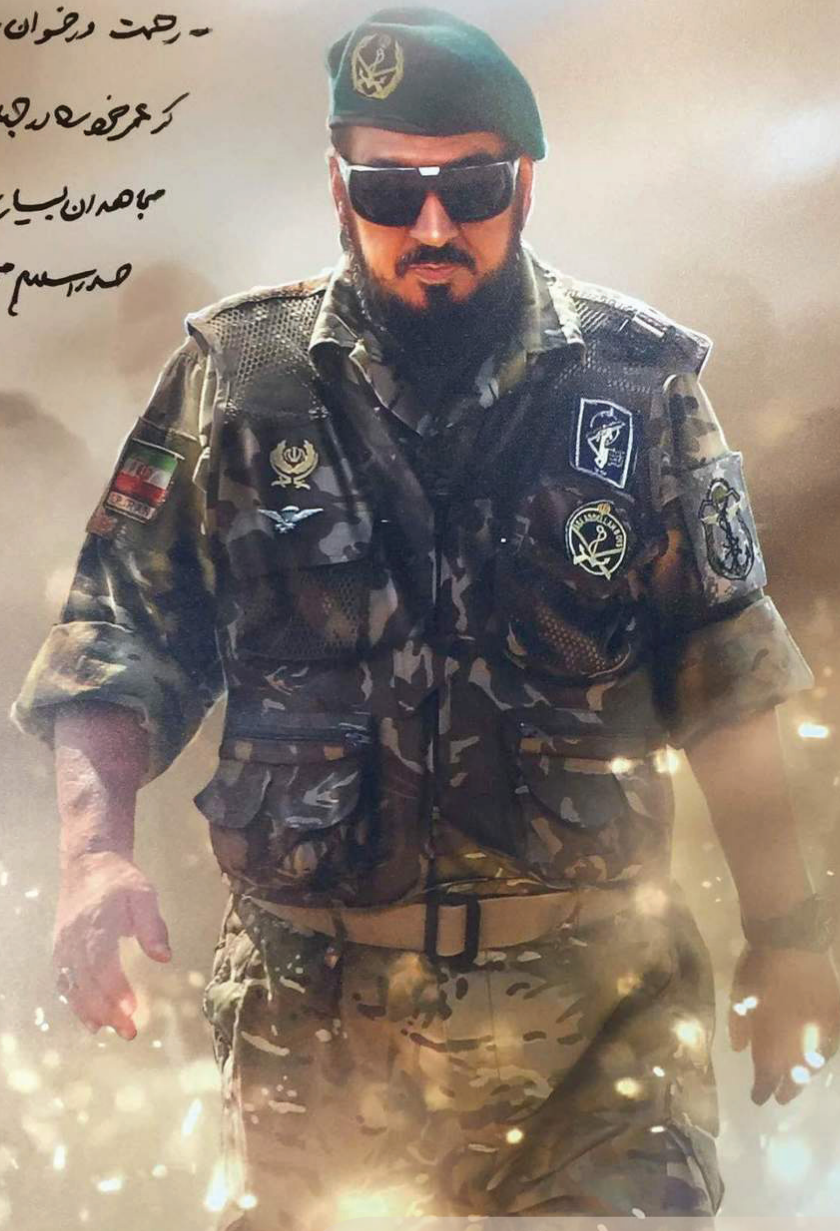
# جوانان



#فرزندت\_کجاست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رحمت و رضوان بر شهید عزیز، سردار شجاع و مؤمن  
که عمر خود را در جهاد فداکارانه گذراند و جوانان و  
مجاهدان بسیاری تربیت کرد. خداوند او را با شهدای  
صدر اسلام محشور فرماید



متن دست نوشته رهبر انقلاب اسلامی:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رحمت و رضوان بر شهید عزیز، سردار شجاع و مؤمن که  
عمر خود را در جهاد فداکارانه گذراند و جوانان و مجاهدان  
بسیاری تربیت کرد. خداوند او را با شهدای صدر اسلام  
محشور فرماید.

سید علی خامنه‌ای



## شاهد جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی  
شماره ۱۵۸ اسفندماه ۱۳۹۶

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران  
مدیر مسئول و سردبیر: محبوب شهبازی  
جانشین سردبیر: یوسف قدیانی  
مدیر اجرایی: محمدمهدی مازنی

دبیر تحریریه:  
نرگس صبوری

امور فنی: آتلیه نشرشاهد  
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی  
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶  
امور مشترکین: محمدرضا اصغری  
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴  
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد  
تهران - خیابان طالقانی - خیابان  
ملک الشعراي بهار شمالي - شماره ۵  
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸

صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

\* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال  
منتشر می شود.

\* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب  
رسیده آزاد است.

\* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود  
\* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز  
است

- حرف اول: /۴ شکست حصر  
یادداشت: /۵ فرزندت کجاست؟  
برداشت آزاد: /۶ جامعه؛ نیازمند پمپاژ امید  
دخترانه، پسرانه: /۸ هوشمندانه انتخاب کنیم هدمندانه تلاش کنیم  
مادرانه، پدرانه: /۱۰ درک حساسیت دوران نوجوانی و رسالت پدر و مادر  
اجتماع: /۱۲ رانت يك معضل اجتماعی  
حماسه آفرین: /۱۴ دست های متحدآینده ساز است  
راه و چاه: /۱۶ حقوقی که ما در جامعه داریم  
مهارت: /۱۸ قدرت اراده  
مطبخ: /۱۹ هواری پلو یک غذای بندری خوشمزه  
جدول: /۲۱  
زندگی به سبک دیگر: /۲۲ زنگ ها برای ما به صدا در آمد  
سرچشمه: /۲۴ زینب (س) چهره‌ی ماندگار عاشورا  
عافیت: /۲۶ میگرن و رابطه آن با تشعشعات وسائل الکترونیکی  
سلامت: /۲۸ راهکارهای ساده برای تعادل فشار خون  
خانه دوست: /۳۰ خانه امام خمینی در نوفل لوشاتو  
نور و نقره: /۳۲ زینب، زینب است  
موج سازان: /۳۴ درس هایی از زندگی شهید مدنی  
نقد و نظر: /۳۶ تنگه ابوقریب؛ بدون عراق و شعارزدگی  
دانش: /۳۸ چوب لای چرخ جوانگرایی  
رو به رو: /۴۰ فرهنگ دفاع مقدس؛ ضامن اقتدار ملی  
رویداد: /۴۲ مضحک‌ترین پژوهش‌های سال  
حرکت: /۴۴ راه هموار تا قهرمانی  
زمین ما: /۴۶ چگونه ماه محرم محیط زیستی داشته باشیم؟  
دریچه: /۴۸ آنچه باید از حافظ و مولانا بدانیم  
باشگاه اندیشه: /۵۰ دوباره محرم با آن حال و هوای سحرانگیزش  
روایت: /۵۲ حادثه ای تلخ پس از شکست حصر آبادان «پایان عراق»  
شعر: /۵۴  
بازار کتاب: /۵۵  
تفأل: /۵۶  
بی‌ویرایش: /۵۸ عاشورا، جزئی از فرهنگ ایرانی است

## شکست حصر

پس از این شکست ۷ نفر از فرماندهان خود را تیرباران کرد.

دو روز پس از رقم خوردن این پیروزی دل چسب و غرور انگیز در ۷ مهر سال ۱۳۶۰ جمعی از فرماندهان رده بالای ارتش و سپاه که جهت تقدیم گزارش عملیات ثامن الائمه به امام خمینی (ره) عازم تهران بودند در نزدیکی های تهران با سقوط هواپیمای سی ۱۳۰ به دلیل بروز نقصی نامعلوم در سیستم برق هواپیما و نهایتاً سقوط و انفجار مخزن سوخت آن، به شهادت می‌رسند.

در اثر این سانحه ناگوار، ۴۹ نفر از سرنشینان هواپیما از جمله؛ پنج فرمانده ارشد جنگ به نام های سرلشکر ولی الله فلاحی، جانشین ستاد مشترک ارتش، سرتیپ موسی نامجو، نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری، سرتیپ جواد فکوری، فرمانده نیروی هوایی و مشاور در ستاد مشترک ارتش، یوسف کلاهدوز، قائم مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و محمدعلی جهان آرا، فرمانده سپاه خرمشهر به فیض شهادت رسیدند. شیر مردانی که لحظه لحظه ی زندگیشان مایه افتخار و سربلندی ایران اسلامی بود و مدال شهادت برآزنده آنان، چرا که شهادت هنر مردان خداست.

پس از آغاز تلاش نیروهای عراقی برای تصرف آبادان که از سمت رودخانه بهمنشیر وارد منطقه ذوالفقاری شده بودند خطاب به نیروهای مسلح صادر گردید.

بسیج فکری و تجهیزاتی نیروهای ارتش و سپاه برای اجرای فرمان امام (ره) آغاز شد و رفته رفته همه چیز آماده شکل گیری یکی از چهار عملیات برجسته و بزرگ در تاریخ دفاع مقدس می‌شد که به عنوان یک نقطه عطف در انتقال راهبرد جنگ از آن یاد می‌شود.

سرانجام عملیات ثامن الائمه (علیه السلام) در ساعت یک بامداد پنجم مهر ماه ۱۳۶۰ با رمز نصرمن الله و فتح قریب» آغاز گردید و پس از دو روز رشادت و جان فشانی نیروهای مخلص حزب الله، بالاخره حصر آبادان شکسته شد و رزمندگان اسلام توانستند علاوه بر خارج کردن شهر آبادان از محاصره، به آزادسازی ۱۵۰ کیلومترمربع از خاک میهن اسلامی شامل ۲ جاده استراتژیک اهواز-آبادان و ماهشهر-آبادان و تحمیل نمودن شکستی سنگین به ارتش عراق دست یابند. صدام

پس از تجاوز عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و اشغال سریع بخش هایی از خاک ایران، خرمشهر مهم ترین شهر بندری ایران، پس از ۴۰ روز مقاومت دلیرانه، با خیانت آشکار لیبرال ها و منافقین، به دست دشمن افتاد. پس از سقوط خرمشهر، رژیم عراق در صدد برآمد تا جزیره آبادان را هم اشغال کند و تلاش کرد تا از طریق شرق کارون و شمال بهمنشیر وارد آبادان شود، زیرا عبور از این قسمت آسان تر از عبور از رودخانه کارون در جنوب خرمشهر بود. با چنین وضعیتی آبادان در یک محاصره ۳۳۰ درجه ای قرار می گرفت و عبور از رودخانه بهمنشیر می توانست آن را با خطر جدی روبه رو کند. دشمن می پنداشت اگر بتواند از این رودخانه بگذرد، آبادان را برای همیشه از آن خود کرده است.

چهاردهم آبان ماه ۱۳۵۹ بود که با صدور فرمان تاریخی پیر جماران (ره) مبنی بر لزوم شکستن محاصره آبادان، روح تازه ای بر پیکره نیروهای مدافع کشور دمیده شد. این پیام حضرت امام (ره) کم تر از یک هفته



سالروز شکست حصر آبادان

## فرزندت کجاست؟

... مفقودالایر یعنی یک عمر انتظار! مادر شهیدی در فکة به یکی از بازماندگان سال‌های حماسه که او هم پایش را در شلمچه جا گذاشته بود گفت: حاج آقا فرزندم هجده سال است برنگشته و کسی هم چیزی نمی‌گوید که کجاست و خبری از او ندارند!

مفقودالایر می‌دانید یعنی چه؟ یعنی هجده سال چشم به در دوختن! این انتظار آشد من القتل» به اندازه عمر بعضی از ماها که زندگی کردیم این زن انتظار کشیده! این همان است که امام می‌فرمود: مفقودان عزیز که محور دریای بیکران الهی اند و فقرای ذاتی دنیای دون در حسرت مقام آن‌ها متحیرند. چه کسی می‌تواند بفهمد مفقود یعنی چه؟ فقط عشق است که این چیزها را به وجود می‌آورد.

آید آن روز که خاک سر کوبش باشم - جرعه نوش اسرار مگویش باشم...

این روزها خیلی‌ها از مسئولین می‌پرسند فرزندت کجاست؟ خیلی‌ها می‌پرسند که چه می‌کنند؟ به چه کاری مشغولند؟ هر کدام از کسانی که در برابر این پرسش قرار گرفتند پاسخی دادند. اما پرسش اصلی این دو کلمه نیست. کوهی از علامت سوال است که پشت این دو کلمه‌ی استفهامی قرار دارد.

مردم وقتی به یاد رشادهای جوانان در دوران انقلاب می‌افتند... مردم وقتی به یاد ایستادگی و مقاومت مرزنشینان در زمان تهاجم رژیم بعثی به خاک مقدس کشورمان می‌افتند...

مردم وقتی به یاد حسین فهمیده می‌افتند... به یاد باکری، همت، زین الدین و به یاد شهید سعید طوقانی می‌افتند...

این علامت سوال‌ها جلوی چشمشان رژه می‌رود. چرا که وقتی به زندگی مسئولین می‌نگرند می‌بینند که کمتر اثری از ساده‌زیستی است. برای مردم این پرسش ایجاد شده که امام مخاطبش که بود وقتی گفت: به مردم که ولی نعمت ما هستند خدمت کنید.

وقتی به یاد تشییع پیکر عزیزانشان می‌افتند که پس از سال‌ها تنها پلاکی و استخوانی برگشته و یا هنوز بر نگشته...

این سوال در ذهن مردم رژه می‌رود که چرا این همه فاصله بین حرف و عمل وجود دارد؟ مگر نه این است که در توصیف صفات مومن گفته‌اند: مومن کسی است که حرف و عملش یکی است.

به یاد یک مطلب از خاطرات مسافران راهیان نور افتادم. فردی در وبلاگش نوشت:



محمد آوخ

## جامعه؛ نیازمند پمپاژ امید

احتمال اپیدمی خودکشی هشدار داد. او گفت: اطلاع‌رسانی و خبر، به‌ویژه در مورد رخدادهایی مانند خودکشی و اختلالات روانی کار دشواری است، زیرا از یک سو قصد دارید که اخبار را مخابره کنید و از سوی دیگر این خبر همانند شمشیری دو لبه است. از یک طرف می‌خواهید به جامعه امید دهید و از طرف دیگر نباید واقعیت‌ها را کتمان کرد که کار سختی است و نیازمند هنرمندی، علم، تجربه و خویشتنداری است.

در گفت‌وگو با دو جامعه‌شناس از آن‌ها پرسیده ایم: «وقوع خودکشی‌های پیاپی در اماکن عمومی نشانه چیست؟» و «برای پیشگیری از همه‌گیر شدن اقدام به خودکشی چه باید کرد؟» پاسخ‌های امان‌الله قرایی مقدم عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی و منیژه نویدنیا عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز را در ادامه می‌خوانید.

### نباید دلیل خودکشی را به بیماری‌های فردی تقلیل داد

امان‌الله قرایی مقدم عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی درباره دلایل گرایش به خودکشی گفت: اصولاً خودکشی زمانی رخ می‌دهد که فرد با جامعه قطع ارتباط می‌کند. فردی که با جامعه قطع ارتباط می‌کند و ناامیدی و پریشان‌فکری بر او غلبه می‌کند مستعد خودکشی است. قرایی مقدم معتقد است که اقدام به خودکشی در اماکن عمومی «حامل پیام»

دیگران برای متوقف کردن این کار داشته باشد. آسیب به خود می‌تواند فیزیکی باشد مثل بریدن بدن، یا کمتر آشکار باشد مثل قرار دادن خود در موقعیت خطرناک و برآورده نساختن نیازهای عاطفی و جسمی.

اما ماجرا زمانی تلخ‌تر می‌شود که یک فرد به دلایلی به خودکشی روی می‌آورد. اتفاق تلخی که پیامدهای ناگواری برای سلامت روان اجتماع دارد.

ماهنامه شاهد جوان به این دلیل به این موضوع پرداخته است که ضمن آگاهی بخشی به جامعه در ارتباط با این آسیب اجتماعی، خوانندگان خود را به این مسئله ترغیب کند که در عرصه‌های اجتماعی پویا تر و فعال تر حضور یابند و با کمک یکدیگر، بتوانیم گامی در جهت بهبود سلامت روان جامعه برداریم.

رییس سازمان پزشکی قانونی مدتی قبل اعلام کرد که در سال گذشته چهار هزار و ۲۰ نفر در کشور خودکشی کرده‌اند. این آمار در حالی از سوی احمد شجاعی اعلام شده است که در یک ماه اخیر وقوع خودکشی‌های پیاپی واکنش وزیر بهداشت را هم در پی داشته است. حسن قاضی‌زاده هاشمی از شیوع افسردگی در کشور به عنوان یکی از دلایل اقدام به خودکشی اظهار نگرانی کرده و درباره

چند سالی است که مراکز بهداشت روان بین‌المللی هشدارهای جدی درباره تنهایی انسانها می‌دهند. انسانی که از مذهب دور می‌شود و به سمت انزوا می‌رود. متأسفانه این مسئله در جهان تبدیل به بحران شده و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. چندی پیش ماجرای بازی عجیب نهنگ آبی همه را متوجه این مسئله کرد که افرادی در میان ما هستند که استعداد آسیب رساندن به خود را دارند. آسیب به خود (که شما با صدمه‌زدن به خود به عنوان راهی برای مواجهه با احساسات دشوار، خاطرات، شرایط طاقت فرسا یا ضربات روحی استفاده می‌کنید) معمولاً زمانی رخ می‌دهد که فرد، نگران، خشمگین، ترسیده، مضطرب، افسرده و یا دارای عزت نفس پایین باشد. در این صورت، فرد از آن به عنوان راهی برای به دست آوردن کنترل بر روی خاطرات دردناک استفاده می‌شود، و می‌تواند ترکیبی از تسکین تنش و همچنین به عنوان مجازات خود باشد.

آسیب به خود می‌تواند احساس بهتری به فرد داده یا او را قادر به مقابله در یک دوره زمانی کند، اما این امر خود باعث ایجاد احساسات دردناک شده و حال فرد را بدتر می‌کند. فرد ممکن است احساس خجالت، گناه و نگرانی در مورد قضاوت و فشار





و ممکن است دست به خودکشی بزنند. نویدنیا تصریح کرد: در چنین شرایطی باید گروه‌هایی به صورت اورژانسی وارد عمل شوند و به این افراد مشاوره دهند. وی به برنامه ریزان کشور توصیه کرد لزوم برنامه ریزی برای «اقدام‌های اورژانسی» در کوتاه مدت را جدی بگیرند.

#### باید به جامعه "امید" را تزریق کرد

امید اجتماعی یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت در جامعه به‌شمار می‌آید که فقدان آن یأس، دل‌مردگی، افسردگی و غم را به جامعه می‌آورد. بالا بودن امید اجتماعی در یک جامعه، پویایی و سرزندگی را به اجتماع هدیه می‌دهد، هنگامی که مردم جامعه‌ای نسبت به آینده امیدوار باشند و شاهد و ناظر تغییرات و تحولات مثبت در جامعه باشند، امید اجتماعی رشد خواهد کرد و به‌طور کلی یکی از موتورهای محرکه هر جامعه‌ای امید است. امید کمک می‌کند که افراد حس کنند به اهداف و آرزوهایی که پیش رو دارند برسند، و انگیزه کار، تلاش، زندگی، حرکت در فرد افزایش یابد. تعاریف مختلفی در باره این مفهوم ارائه شده است. برخی امید را به منزله باور به آن چه که در آینده اتفاق خواهد افتاد یا احتمال دارد اتفاق بیفتد قلمداد می‌کنند. برخی دیگر امید را لذت ناپایدار می‌دانند که ناشی از تصویری از یک حالت یا امر آینده‌می‌دانند که ممکن است ایجاد شود. باید موضوع امید اجتماعی را در مدارس بیان کرد و راه‌های افزایش این موضوع را با آموزه‌های دینی و فرهنگی در جامعه آموزش و گسترش داد. باید از مدارس شروع کرد و کلا در نظام آموزشی این موضوع را بیان کرد و حتی در مجامع سیاسی راجع به این موضوع صحبت کرد.

باره گفت: نبود امنیت اجتماعی یکی از دلایل شیوع خودکشی در کشور است. به هر میزان که فرد احساس کند از فضای خانواده و فضای جامعه امنیت دریافت نمی‌کند مضطرب‌تر می‌شود. به عقیده نویدنیا هرگاه شهروندان احساس کنند که در فضای اجتماعی «تنها» شده‌اند مستعد اقدام به خودکشی هستند. وی افزود: کاهش نرخ خودکشی نیازمند اتخاذ سه دسته راهکار است. راه کارهای اورژانسی، کوتاه مدت و بلند مدت. نویدنیا تصریح کرد: شیوع خودکشی در اماکن عمومی نشان دهنده این نکته است که همبستگی‌های خانوادگی و اجتماعی به شدت تضعیف شده است. نهاد خانواده روز به روز آب رفته و کوچک شده و عملاً نقش گذشته را ایفا نمی‌کند. از طرف دیگر چنین افرادی با گروه‌های موثر اجتماعی هم ارتباط ندارند یا قطع ارتباط می‌کنند به طوری که در نهایت احساس یأس و تهایی کرده



است و باید این نوع از خودکشی‌ها را جدی گرفت: «من معتقدم که خودکشی‌های اخیر یک نوع اعتراض به وضعیت موجود است. فردی که در ملاء عام دست به خودکشی می‌زند می‌خواهد به ما بگوید که از وضعیت گرانی، فساد اقتصادی، بیکاری و... خسته شده است.» از نظر این جامعه‌شناس، جامعه دچار «آنومی» شده و هنجارها و ارزش‌ها عملاً فروریخته است. قرایی مقدم با تأکید بر اینکه خودکشی یک پدیده تک‌علتی نیست و نباید آن را به یک عامل تقلیل داد؛ افزود: مسائلی مانند افزایش آمار فارغ التحصیلان بیکار، بالارفتن سن ازدواج، شکست‌های عشقی و عاطفی، افسردگی، کاهش پایبندی به معنویات و دین‌مداری در بروز این مسأله اجتماعی موثر هستند. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی درباره اپیدمی خودکشی در اماکن عمومی هم هشدار داد و گفت: درست مثل خودکشی که پدیده‌ای چند علتی است حل و فصل مسایل جامعه هم نیازمند عملکرد چندجانبه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و نباید خودکشی را صرفاً به بیماری‌های فردی مربوط دانست زیرا روان فرد در جامعه شکل می‌گیرد. وی تأکید کرد: هیچ فردی از ابتدا بیمار روانی نیست بلکه آسیب‌های محیطی موجب می‌شود فرد با عارضه‌هایی روبرو شود. پس باید برای بهبود فضای اجتماعی کشور برنامه ریزی و اقدام کرد.

#### انسان «تنها» مستعد خودکشی است

می‌تواند نویدنیا، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تهران مرکز هم در این

## هوشمندانه انتخاب کنیم هدفمندانه تلاش کنیم

زندگی همین است؛ دورو دارد. خودمان را فریب ندهیم. هم شادی دارد، هم غم. نه باید غره ی شادی و اقبال دنیا شد و نه افسوس غصه ها و درد ها را خورد. در فراز و فرود زندگی است که مطلوب، حاصل می شود. حقیقت، خودش را از پس حادثه ها، تلاش ها و نا ملامت، می نمایاند. مهم این است که روزنه ی امید را به روی خودمان همیشه باز نگاه داریم. کلید فهم حیات، امید است. امید که باشد؛ منطق هم جولان می دهد. شعور و شعف، کنار سفره ی معرفت می نشیند. ذوق و خلاقیت، متبلور می شود. امید که باشد؛ زندگی رونق دارد. انگیزه، موج می زند. حرکت و نشاط دست به دست هم می دهند. فقط باید از پاننشست، خسته نشد. کسل و کاهل نگردید. پایان یک کار، آغاز کار بعدی باشد. زندگی؛ مثل دوچرخه سواری است. برای تعادل، باید حرکت کنی. امید در زندگی، یعنی؛ اعتماد کردن به خالق هستی. اعتقاد به رحمت و واسعه ی او. انتظار صحیح و به حق و فراهم کردن اسباب و تجهیزات برای رسیدن به مطلوب و این که همیشه کسی هست که منتظر توست و او،

خداست.

به نا امیدی از این در مرو امید این جاست.. فزون تر از عدد قفل ها کلید این جاست  
این باور است که آدمی را در اوج قدرت، مست و رها نمی کند و در حضيض ذلت، تنها و بی کس نمی سازد. امید؛ رمز بازگشایی همه ی مشکل هاست. لا تقنطوا من رحمه الله [ زمر / ۵۳ ]  
"از رحمت الهی، هیچ گاه نا امید نگردید" و امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید که: « انکم ان رجوتم الله بلغتم آمالکم [ غرر الحکم / ح ۸۲۳ (۶۸) ] اگر شما به خدا امیدوار باشید به آرزوهایتان هم خواهید رسید.  
در فرهنگ معنوی؛ توصیه شده شایسته است آدمی همواره به خدا، حسن نظر داشته باشد و برای رسیدن به این درجه از شناخت، می باید به منبع هستی و قدرت لایزال او اعتماد و اطمینان داشت.  
این مفهوم و باور، بدین معنا نیست که عملکرد خطا و اشتباه خود را نیز به گردن تقدیر الهی بیاندازیم و اندیشه ی غلط و افعال نحس را به حضرت حق نسبت دهیم. با کمی تأمل و انصاف،

می شود فهمید که بسیاری از گرفتاری ها، جنجال ها و دل پریشی ها، محصول بد فهمی، کج خیالی، سوء ظن، سستی، حسد و کینه... و نا امیدی است. شروع بسیاری از کشمکش ها و آشوب های خانوادگی، اجتماعی و حتی فردی؛ منبعث از انحراف فکری و انحطاط اخلاقی است. به هر روی آدمی به جهت غفلت زدگی، گاهی دچار خطاهای کوچک و بزرگ می شود، آن چه مهم است، عدم پافشاری بر خطا و امیدواری برای علاج و درمان آن است.

خوب می دانیم که وسوسه های شیطانی، بشر را احاطه کرده است. برای مقابله با آن، باید محبت الهی را در وجود خود؛ تقویت نمود. محبت الهی؛ چون نوری است که وقتی در درون انسان، بتابد، به همه ی تاریکی پایان می بخشد. محبت الهی، چون دریای مواجی است که چون برای پلیدی و ناپاکی تلاش می کند و جاری شود، پاک و مطهر می گردد و شاه کلید این همه؛ عنصر امید است. امید، راز آرامش است. آدم های امیدوار، آدم های درگیر دیروز و سرگشته ی امروز و نگران فردا نیستند. آدم های امیدوار، به گذشته ی خود، به نگاه پند می نگرند و تجربه ی شکست را باور دارند، اما نمی شکنند. نمی ایستند، به وضعیت موجود خود، واقع گرایانه می اندیشند. خیال پردازی هم نمی کنند. بلند پروازی هایشان هم، به اندازه ی قد و قواره ی عقل و فکرت توانایی های شان است. به آینده ی خود و دنیای اطرافشان و حتی جغرافیای جهانی، خوش بین و مطمئن هستند. مردد و نگران، مضطرب و دلسرد نیستند.

آگاه باشید

تنها با یاد خدا

دلها آرامش میابد

بادیدن چهره ی آدم های امیدوار، سبک می شوی. آرامش می گیری. احساس خوشایند زندگی و حرکت پیدا می کنی. شاید به همین خاطر است که دیدن چهره ی مؤمن، عبادت محسوب می شود. زیرا آنها همواره به رحمت الهی، ایمان دارند. امام رضا علیه السلام می فرماید: احسن الظن بالله؛ فان الله عز و جل يقول: انا عند ظن عبدي المؤمن بی؛ ان خیرا فخیرا وان شرأفشرا. (میزان الحکمه / ۱۱۵۸)

به خداوند گمان نیک ببر، زیرا خدای عز و جل می فرماید: من نزد گمان بنده ی مؤمن خویشم، اگر گمان او به من نیک باشد، مطابق آن گمان با او رفتار کنم و اگر بد باشد نیز مطابق همان گمان بد با او عمل کنم. خوش باوری، حسن ظن، خوش بینی؛ این ها ساده انگاری، خود فریبی و بی خیالی نیست. این ها، نشانه ی سلامت روان و صفای نفس و روح آدمی است. چون کسی که باطنش پاک باشد، آن چه بر ذهن و اندیشه اش خطور می کند؛ پاک، نیک و خیر است.

رضایت‌مندی از زندگی، محصول همین خوش بینی ها و خوب دیدن هاست. گوارایی حیات، بسته به ذائقه ی مشخص دارد. آن چه را که امروز در حوزه روان شناسی به آن « مثبت گرایی » می گویند: همان خوب اندیشیدن و نیک دیدن است.

### روانشناسی مثبت

روانشناسی مثبت (positive psychology) به عنوان یک اقدام متهورانه ی علمی بر فهم و تبیین شادمانی و سلامت ذهنی و به طور دقیق به پیش بینی عواملی تمرکز دارد که بر حالانی چون فهم و آسان سازی سلامت ذهن، احساس های مثبت و شادی با آرامش خیال تأثیر می گذارند.

سلیگمن، در کتاب شادمانی اصیل (Authentic Happiness)، هیجان های مثبت را در سه مقوله: آنهايي که با گذشته، حال و آینده پیوند دارند، طبقه بندی می کند.

هیجان های مثبت مرتبط با آینده، خوش بینی، امید، اعتماد، ایمان و اعتقاد را شامل می شود. رضایت‌مندی، خشنودی، تحقق، غرور و آرامش خاطر هیجان های مثبت عمده ای هستند که با گذشته پیوند دارند. در ارتباط با هیجان های مثبت حال، دو طبقه ی متمایز وجود دارد؛ لذت های آنی و رضامندی های پایدارتر.

لذت ها، هم لذت های جسمانی و هم لذت های عالی تر را شامل می شوند. لذت های جسمانی، از طریق حواس حاصل می شود (دیدن، شنیدن، چشیدن و...) و لذت های عالی تر، از فعالیت های پیچیده تر به دست می آیند و احساس هایی مانند سعادت، شمع، راحتی، سرخوشی و شادمانی را شامل می شوند.

رضامندی ها که حالت های شیفتگی یا جذب را شامل می شوند، حاصل فعالیت هایی هستند که به کارگیری نیروهای یکتا و اثراتی را می طلبند که با لذت ها (ی زود گذر) فرق دارند. تدریس، سرپرستی و کمک به دیگران مصادیق چنین فعالیت هایی است.

نیرومندی های التزامی؛ آن دسته از صفات شخصیتی هستند که با فضیلت های خاصی رابطه دارند و در ارزش های علمی طبقه بندی نیرومندی ها تعریف می شوند.

### سرنوشت در گرو انتخاب خوب

آنچه را که به عنوان روانشناسی مثبت و یا حسن نظر و خوش گمانی مطرح گردید. در گرویک انتخاب مناسب و صحیح می باشد. آدمی، همواره در حال انتخاب است. ممیزه ی انسان با موجودات دیگر، در وسعت اختیار و شعاع انتخاب او معنا می گیرد.

شعاع عملیات زندگی انسان های قدرتمند، گسترده تر از انسان های در خود فرو رفته، افسرده و مایوس است. انسان های نا امید و منفی گرا، دنیای درویشان بسیار کوچک و وسعت نگاهشان، بسیار محدود و قلمرو ادراکشان،

صعب العبور و سخت و پر خس و خاشاک و آینده شان کور و مبهم است.

بر عکس انسان های امیدوار و مثبت گرا، درونی دارند، جهانی به اندازه ی خود هستی، وسعت دارند. محدوده ی آنها قلوب دیگران است. ادراک آنها، به قدرت لایزال الهی منتهی می شود.

دقیقاً مهندسی بازشناسی مناقشه های خانوادگی، در همین نقطه تلاقی می کند؛ نقطه آغاز یا همان انتخاب. انسان امیدوار! کور و نابینا نیست، به همان مقدار که ناشنوا و بی احساس نیست، هوشمند است. خودش را دوست دارد. ولی خودخواه نیست - به آینده اش، محترمانه نگاه می کند. هدفمند حرکت می کند.

انسان امیدوار، هدف های روشنی را تدوین می کند و گذرگاه های متعدد را به سمت این هدف ها باز می کند (فقط یک راه و یک مسیر ندارد) او، هدف هایش را تعقیب می کند و موانع را به عنوان چالش هایی برای غلبه بر آنها از نو چهار چوب بندی می کند.

انتخاب خوب؛ و ابسته به اهداف روشن است. منوط به نگرش صحیح به آینده و تأمین وسایل در مسیر این حرکت است. یکی از بزرگترین چالش های زندگی؛ انتخاب همسر و شیوه ی همسر داری است. اگر بگوییم که گاهی اوقات این انتخاب تعیین کننده ی بهشت و جهنم آدمی است و سرنوشت سازترین مقطع حیات، سخن به گزافه نگفته ایم.

صد البته انتخاب های بزرگ دیگری هم در مسیر زندگی انسان وجود دارد که برخی از آنها، مقدمه ی این چالش بزرگ محسوب می شوند؛ چون؛ رفاقت و دوستی، شغل، تحصیل، اسکان و سبک زندگی... بی تردید، هر انتخابی، می تواند وضعیت ما را در مسیر زندگی، معین کند و جغرافیای نگرش و تفکر ما را مشخص کند. پس هوشمندانه انتخاب کنیم و هدفمندانه تلاش کنیم و امیدوارانه دنیای خود را بسازیم.



◦ محمد جواد مازنی

## درک حساسیت دوران نوجوانی و رسالت پدر و مادر

و مربیان این دوران را به خوبی بشناسند و احساسات او را به خوبی درک کنند. جبران خلیل جبران نیز می گوید: فرزندان شما به حقیقت، فرزندان شما نیستند. آنها دختران و پسران زندگی اند در سودای خویش. این جوهر حیات است که به شوق دیدار خویش هر دم از گوشه ای سر بر می کند. آنها از کوچه وجود شما می گذرند، اما از آن شما نیستند و اگر چه با شما می آیند، به شما تعلق ندارند. عشق خود را بر آنها نثار کنید، اما اندیشه هایتان را برای خود نگه دارید.

### حساسیت عاطفی نوجوانان

گاهی پدر و مادر می گویند با گفتن جمله ای عادی و ساده، پسر یا دخترشان عصبانی می شود و یا وقتی از محیط بیرون از خانواده مثل مدرسه به خانه می آید اغلب ناراحت و کلافه است. باید گفت دوران نوجوانی بسیار حساس است. دوران برزخی است و غیر قابل پیش بینی. فرزندانمان ممکن است در یک لحظه ناراحت باشند و لحظه ای بعد خیلی شاداب و آرام به نظر می رسند.

پدر و مادر در این مواجهه از تغییرات رفتاری تعجب می کنند. وقتی سؤال ساده ای از فرزندش می پرسند، او عصبانی می شود و از کوره در می رود و به مادرش می گوید که چرا او را درک نمی کند. همه ی ما انسان ها گاهی

زمان شما آفریده شده اند. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷)

براین اساس، والدینی می توانند به نیکوترین و بهترین شکل فرزندان خویش را تربیت کنند که آینده نگر باشند و رخدادهای آینده را پیش بینی و فرزندان خود را متناسب با رخدادهای پیش بینی شده آینده، تربیت کنند. کانت می نویسد: یکی از اصول تعلیم و تربیت که همواره باید مورد توجه دست اندرکاران برنامه های تربیتی باشد، این است که کودک نباید تنها بر حسب وضع فعلی نوع بشر پرورش یابد، بلکه باید او را براساس شرایط آینده تربیت کرد. معمولاً والدین، فرزندان را تنها برای اینکه با شرایط موجود زندگی سازگار باشند، تربیت می کنند و حال آنکه می بایست به آنان تعلیم و تربیت مناسب تری داد تا بتوانند فرزندان آینده باشند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: اَكْرَمُوا اَوْلَادَكُمْ وَاَحْسِنُوا اَدَابَهُمْ يُعْفَرُ لَكُمْ؛ فرزندانان را گرامی بدارید و آدابشان را نیکو کنید تا آمرزیده شوید. این توصیه امام صادق (ع) به پدر و مادر حکایت از عمق اثرگذاری تربیت نیکو در آینده و سرنوشت همه ما دارد. پدر و مادر در دوران کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی بیشترین مواجهات را با فرزندان خود دارند.

مهمترین دوره و حساس ترین دوره، دوره ی نوجوانی است. دوره ای که علاوه بر خانواده، جامعه نیز به شدت بر فرزندان ما اثر گذار است. دوران نوجوانی برزخ دوران کودکی و جوانی است که نیاز است والدین

چرخ زمان با سرعت پیش می رود و به هر گردش خود دگرگونی فراوانی را در شئون زندگی انسان به وجود می آورد. این گردش موجب تغییر در تمام ابعاد انسان می شود و تفکرات، احساسات و اهداف انسان روز به روز نو می شود. گذشت زمان، بستر مناسبی برای شکل گیری تفاوت های گوناگون بین افکار و آرمان های فرزندان و والدین می باشد. والدینی که در دنیای آرزوهای خویش راه سعادت فرزندان خود را تصویر می کنند، ناگهان با تفکرات، توقعات و نگرش های جدیدی از سوی فرزندان خود رو به رو می شوند.

فرزندان ما از آن آینده هستند و آینده نیز شرایطی متفاوت با زمان حال دارد. بنابراین، باید فرزندان خویش را با توجه به رویدادها و شرایط حاکم بر آینده تربیت کنیم و آنها را مطابق با آینده پرورش دهیم. حضرت علی علیه السلام در حدیثی زیبا در این باره می فرماید: - لاتفسر اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ فرزندانان را برآداب خود تربیت نکنید؛ چرا که آنها برای - آینده و - زمانی غیر از





حساس و زودرنج می شویم و حال و حوصله‌ی خوبی نداریم. این مسئله کاملاً طبیعی است. ولی معمولاً این حالت در نوجوانان زیاد دیده می‌شود. نوجوانان در این سنین دچار تغییرات فیزیکی، روحی و روانی بسیاری می‌شوند و همه‌ی این تغییرات در احساسات آنها تأثیرگذار است. نوجوان به احساسات و عقاید و افکار خودش فکر می‌کند. او اکنون می‌تواند احساسات و عقاید دیگران را نیز درک کند. نوجوان احساس می‌کند که دیگران نگاه منتقدانه‌ای نسبت به او دارند؛ بنابراین نسبت به خودش حساس می‌شود. مثلاً به ظاهرش زیاد توجه می‌کند، فکر می‌کند همه به او خیره می‌شوند. گاهی او نسبت به هم سن و سالانش احساس حقارت می‌کند.

### تغییرات احساسی در نوجوان

این مسایل باعث می‌شود که نوجوان دچار تغییرات احساسی شود و یک لحظه شاد و لحظه‌ای دیگر غمگین باشد. در دوران نوجوانی، نوجوان به قدری به رشد و استقلال می‌رسد، که از والدینش فاصله می‌گیرد و نسبت به نظرات و کارهای والدینش حساس می‌شود. او تصویری از یک انسان کامل و ایده آل از خودش و پدر و مادرش در ذهنش درست می‌کند. وقتی خودش یا والدینش مطابق آن تصویر ذهنی نباشند، او ناراحت و عصبانی می‌شود.

علاوه بر این نوجوان در این دوران احساسات ابراز نشده و کتمان شده‌ی خودش را نیز ابراز می‌کند. شاید او از رفتارهای غیر منصفانه‌ی والدینش در گذشته ناراحت بوده و اکنون با خشم و عصبانیتش، نشان می‌دهد که از دست والدینش عصبانی است.

دلیل دیگری نیز برای این حالت در نوجوانان وجود دارد. در این دوران معمولاً آنها استرس و مشکلات زندگی را بیشتر درک می‌کنند. زندگی اجتماعی، فعالیت‌ها و رقابت‌های ورزشی، مشکلات خانوادگی و نگرانی‌های دیگری که آنها در خارج از خانه دارند، باعث نواساناتی در احساسات نوجوانان می‌شوند. انتظارات نابجای والدین نیز باعث این حالت‌ها در آنها می‌شود. والدین به فرزندانشان زیاد امر و نهی می‌کنند و می‌گویند که آنها چه کاری بکنند و چه کاری نکنند. این کار باعث عصبانیت نوجوانان می‌شود.

### دلایل دیگر نوسانات روحی در نوجوان

دلایل نهفته‌ی بسیار دیگری نیز برای نوسانات روحی نوجوانان وجود دارد. تقریباً هر اتفاقی

عصبانی می‌شود و کنترل احساسات خودش را از دست می‌دهد. آیا او در مدرسه، خانه و یا به خاطر رقابت در رسیدن به موفقیت تحت فشار است؟ اگر بتوانید بعضی از مشکلات او را حل کنید و اعتماد به نفس او را بالا ببرید، در خلق و خوی او نیز تغییرات مثبتی را مشاهده خواهید کرد. وقتی فرزندتان رفتار خوبی دارد و به حرف‌های شما گوش می‌کند، او را تشویق کنید و به او بگویید که بچه‌ی خوبی است. در مقابل رفتارهای مربوط به سنین نوجوانی حساسیت نشان دهید و با او شوخ طبع باشید و از او ایراد نگیرید.

شاید فرزند شما به این دلیل فقط در خانه بدخلقی می‌کند، چون احساس می‌کند خانه محیط امنی است که می‌تواند در آن احساساتش را ابراز کند. او در مدرسه و در جمع دوستان و سایر افراد باید مؤدبانه‌تر باشد و حفظ آبرو کند. بنابراین بد اخلاقی او در خانه کاملاً طبیعی است. شاید پذیرفتن این شرایط برای شما سخت و دشوار باشد ولی سعی کنید صبور باشید، او را درک کنید و حامی‌اش باشید.

امام خمینی رحمه الله علیه نیز در این باره می‌فرماید: در روایات هست که بچه‌های پتان را به غیر آن طوری که خودتان هستید و برای زمان آینده تربیت کنید؛ چرا که اینها در زمان آینده، باید دست به کار مملکت و کشور شوند. شما بچه‌ها را از سیاست، از این‌طور چیزها دور نگه‌دارید. دور نگه داشتن بچه‌ها از سیاست، موجب این می‌شود که وقتی - در آینده -، فرزند وارد اجتماع می‌شود، مثل یک آدم کوری وارد اجتماع شود. آنهایی که می‌خواهند بعداً در این کشور زندگی کنند و امور کشور در دست آنها باشد، باید از قبل آگاه باشند و باید از قبل به دست شما و به تعلیم شما به آنها گفته بشود و برای آینده آنها را تربیت کنید.

منابع:  
تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی  
پیامبر، جیران خلیل جیران، ترجمه: دکتر الهی قمشه‌ای  
تعلیم و تربیت، امونول کات، ترجمه: غلام حسین شکوهی

می‌تواند باعث بوجود آمدن چنین حالتی در آنها شود و آنها را عصبانی کند. یک نمره‌ی بد در مدرسه، مسخره کردن او، اختلافات نوجوانان با دوستان یا خانواده‌اش باعث عصبانیت او می‌شود. وقتی نوجوانی نمی‌تواند در مدرسه با دوستانش ارتباط خوبی داشته باشد، وقتی به خانه برمی‌گردد عصبانی است و یا نوجوانی که در کلاس ورزش از او انتقاد می‌شود وقتی به خانه می‌آید، سر میز غذا از والدینش انتقاد می‌کند. بسیاری از نوجوانان خودشان متوجه این تغییرات روحی و روانی نمی‌شوند، به همین دلیل بزرگترها به خاطر این رفتارشان از آنها انتقاد می‌کنند. آنها خودشان نیز نمی‌دانند چرا غمگین و افسرده هستند و از این که همیشه عصبانی هستند ناراحتند.

### سخن گفتن با نوجوان

شما می‌توانید دلایل عصبانیت فرزندتان را به او بگویید تا او احساس بهتری پیدا کند. مثلاً به او بگویید که می‌دانید او تلاشش را کرده و با این وجود نمره‌ی خوبی نگرفته است. از دوران نوجوانی خودتان برای فرزندتان تعریف کنید تا او بداند حالش را می‌فهمید.

مدام از او نپرسید حالش چطور است و یا چه مشکلی دارد، چون فرزند شما از این حرف‌های شما ناراحت شده و در مقابل شما جبهه‌گیری خواهد کرد. هرکس نیاز دارد تا احساساتش را به نحوی بیان کند، بنابراین به فرزندتان زیاد فشار نیاورید و به او سخت نگیرید. وقتی او با شما درست حرف نمی‌زند این مطلب را به او گوشزد کنید که باید احساسات خودش را کنترل کند. شاید او خودش متوجه رفتار بدش نباشد. به او بگویید که اگر باز با شما این‌گونه رفتار کند باید منتظر عواقب کار بدش باشد.

مراقب رفتار خودتان نیز باشید، اگر شما دایم عصبانی می‌شوید و نمی‌توانید عصبانیت خودتان را کنترل کنید، فرزندتان نیز از شما الگو می‌گیرد.

ببینید فرزندتان در چه شرایطی بیشتر

# رانت

## يك معضل اجتماعی

اقتصادی، بی توجهی به شایسته سالاری و... از عواملی هستند که زمینه ساز بروز و وقوع رانت خواری در سطح کشورها هستند. با این وصف ریشه های رانت خواری به سرعت درون جامعه را فرا گرفته و به تدریج این فساد تاحدی پیشرفت خواهد کرد که دستگاه های اجرایی را نیز به بیشترین آلودگی مبتلا خواهد کرد و ناتوانی و ناامیدی، به سرعت جامعه را فرا خواهد گرفت و هر چه زمان می گذرد مبارزه نیز سخت تر و در برخی موارد غیر ممکن خواهد شد.

### موضع قانونگذار در برابر رانت خواری

خوشبختانه در کشور ما موضوع جلوگیری از رانت خواری از آنچنان اهمیتی برخوردار است که در قانون اساسی بخصوص اصول ۴۹ و ۱۴۲ به ترتیب برخورد با سوءاستفاده کنندگان از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی و رسیدگی به دارایی رییس جمهوری، معاونان رییس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، در اولویت قرار گرفته تا برخلاف حق، افزایش نیافته باشد و به نوعی با در نظر گرفتن اصل تساوی افراد در برابر قانون، نظام جمهوری اسلامی قصد داشته با توجه به اهمیت موضوع، برخورد با این گونه از مجرمان را سرلوحه امور خود قرار دهد.

توجه به سایر قوانین وضع شده از قبیل قانون برگزاری مناقصات دولتی، قوانین پولی و بانکی، گمرکی، مالیاتی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۲۷ تیر ۱۳۷۲، قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و

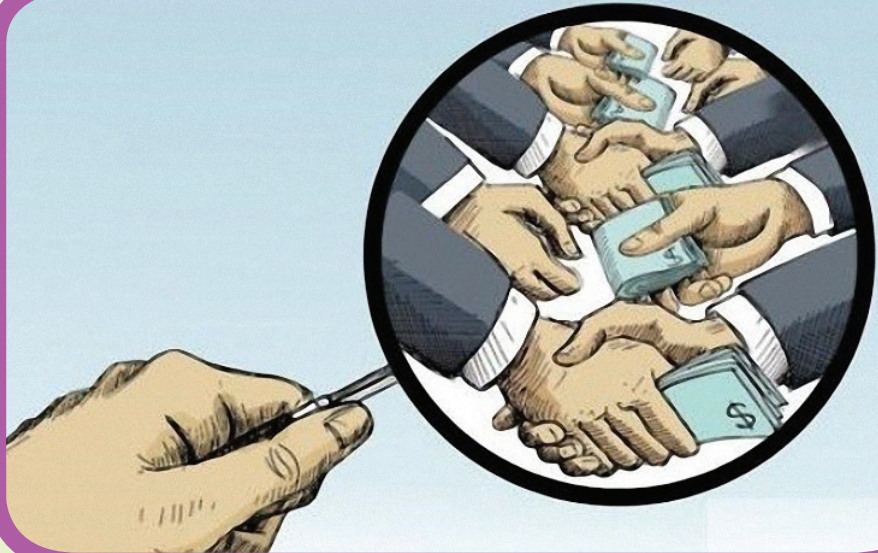
کردن خلاء های قانونی، این پدیده مجرمانه را تحت کنترل در آورده و آمار ارتکاب این نوع جرم را به پایین ترین سطح ممکن تنزل دهند. از ابتدای خلقت جهان هستی توسط پروردگار یکتا، همیشه جرم به عنوان یک ناهنجاری وجود داشته و در هیچ برهه زمانی در طول تاریخ نمی توان وضعیتی را مشاهده کرد که در آن هیچ گونه جرمی تحقق نیافته باشد. به همین دلیل واضح، موفق ترین حاکمان آنهایی بوده اند که توانسته اند دایره این بزهکاری را محدود کنند نه آنکه موفق به محو ۱۰۰ درصد آن شوند که امری محال است. علت اصلی بروز این تلاش از سوی حاکمان در تبعات سوء ناشی از گسترش پدیده رانت خواری در سطح جامعه بوده و بی اعتمادی عمومی نسبت به دولت ها از نتایج انفکاک ناپذیر این عمل مجرمانه است.

### عوامل بروز رانت خواری

در خصوص عوامل بروز و وقوع، باید گفت تمرکز اطلاعات اقتصادی در دست عده ای محدود، بی توجهی به اصلاح قوانین و مقررات برای بر طرف کردن خلاء های موجود، محدود کردن بخش خصوصی و بزرگ شدن بیش از حد دولت ها، حمایت از گروه های خاص

در علم اقتصاد، رانت درآمدی است که بی تلاش به دست می آید. رانت خوارها با استفاده از نفوذ سیاسی و اقتصادی شان یا از طریق آشنایانی که صاحب این نفوذ هستند به صورت غیرقانونی به منابع مالی دست پیدا می کنند و به کسب ثروت می پردازند. رانت خواری پدیده ای است که آسیب های اجتماعی و اقتصادی فراوانی برای کشورها به وجود می آورد. بنابراین اقتصاددانان، درآمدهایی که خارج از فعالیت های مولد اقتصادی و با بهره گیری از قدرت و نفوذ سیاسی یا اقتصادی صورت می پذیرد همیشه به عنوان آفتی برای نظام اقتصادی هر کشوری حساب شده است. مصداق بارز این کلام همان «رانت و رانت خواری» می باشد. واژه رانت خواری ابتدا در کشورهای آمریکا، فرانسه و انگلیس رایج، سپس در اثر پیشرفت جوامع از سنتی به صنعتی و بروز جرایم جدید، این معضل گریبان بسیاری از کشورها را گرفت تا جایی که در اکثر کشورها این واژه در مورد فعالیت های اقتصادی ناصحیح با هدف کسب سود بیشتر در مقابل فقدان ارزش افزوده یا به عبارتی درآمدی که متکی بر تلاش و کار نیست، متداول شد. متقابلاً دولت ها نیز سعی کردند با وضع قوانین متعدد و برطرف





شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها مصوب ۱۹ اسفند ۱۳۷۷، لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۲۲ دی ۱۳۳۷، قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۹ خرداد ۱۳۴۸، قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۲۹ آذر ۱۳۱۵، در مجموع با در نظر گرفتن مجازات هایی از قبیل جزای نقدی، انفصال، حبس و تعلیق، این چنین برمی آید که از گذشته تا کنون مقررات لازم وجود داشته، ولی شاید کم توجهی به اصلاح و تکمیل این گونه مقررات برای مسدود کردن خلاء های موجود باعث شده تا شاهد برخی رانت خواری ها باشیم.

### پیشگیری از رانت و رانت خواری

شدت مجازات در کنار بسترسازی لازم برای فعالیت های اقتصادی می تواند عامل مهمی در کنترل این گونه جرایم باشد. شدت مجازات در برخی جرایم مانند قتل که در برابر آن مجازات اعدام قرار گرفته است باعث شده است تا آمار قاتلان نسبت سایر مجرمان در سطح بسیار پائینی قرار داشته باشد. البته حکومت در برخورد با مفسدان اقتصادی بزرگ نیز قوانین بازدارنده خوبی را پیش بینی کرده است بطوری که در قانون مجازات اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۹ آذر ۱۳۶۹، برای اخلاکگران در نظام اقتصادی کشور که بخشی از آن ناشی از پدیده مجرمانه رانت خواری است، مجازات های شدیدی پیش بینی شده است. بنابراین همین امر باعث شده است تا پرونده های بزرگ اقتصادی، معدود و پر سر و صدا باشند و انعکاس وسیعی در رسانه ها داشته باشند.

البته در سایر قوانین از جمله قانون نحوه توزیع قند و شکر تولیدی کارخانه ها مصوب ۲۹ فروردین ۱۳۵۳، لایحه قانونی راجع به ماموران سازمان قند و شکر که مامور کشف و تعقیب جرایم مربوط به اخلاک کنندگان در عرضه و با توزیع قند و شکر می شوند مصوب ۲۱ تیر ۱۳۵۹، قانون منع خرید و فروش کالا برگ های کالاهای اساسی مصوب ۲۴ فروردین ۱۳۶۷، قانون مجازات اخلاک کنندگان در عرضه دام و گوشت کشور مصوب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۳، قانون مجازات اخلاک کنندگان در عرضه توزیع گندم و آرد و قند و شکر و برنج و روغن مصوب ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ شورا و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۴ سنا و قانون تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه، مجازات هایی پیش بینی شده که متناسب با

جرم ارتكابی هستند.

### نظارت بر فعالیت های اقتصادی

از دیگر راهکارهای مبارزه با رانت خواری، لزوم نظارت مستمر و جدی بر روند فعالیت های اقتصادی دستگاه های دولتی است. این مهم بر عهده دستگاه های نظارتی و در راس آنها سازمان بازرسی کل کشور است، بطوری که اعمال این نظارت صحیح جلوگیری از انحراف از قانون و ایجاد فضای لازم برای فعالیت های اقتصادی سالم را به دنبال خواهد داشت.

واضح است که جرم، زاییده یک عامل نیست و عوامل متعدد در نهایت جرمی را متولد می کند که نقش هر سبب متفاوت است، دقیقاً به همین دلیل است که برخورد با بسیاری از جرایم، نیازمند همکاری و هماهنگی نهادهای مختلف حکومتی است. در کنار موارد اشاره شده، جنگ روانی، فشارهای سیاسی، جناح های مخالف و متهم کردن یک دیگر به رانت خواری که نتیجه ای جز القای این تفکر که نظام در برخورد با این پدیده مجرمانه ناتوان است در پی ندارد، ضرری به مراتب بیشتر از رانت خواری به جامعه وارد می کند.

### اتهام رانت خواری و اثرات اجتماعی آن

با توجه به موارد مورد اشاره شاید نظام جمهوری اسلامی بیشتر از آنکه با گسترش بی رویه رانت خواری روبه رو باشد با مشکل جو روانی ناسالم روبه روست. بدیهی است هرگونه اظهارنظر صریح در این خصوص نیازمند اطلاعات صحیح و واقعی از جرایم وقوع یافته است. پس در نتیجه می توان عنوان داشت با کمی جدیت در امور نظارتی و رسیدگی بدون اغماض به پرونده های مرتبط با این جرم، مشکل تا حدود قابل قبولی مرتفع خواهد شد. هماهنگی مصوبات هیئت وزیران با قوانین مجلس و جلوگیری از صدور بخشنامه ها و دستوالعمل های ابهام برانگیز و زمینه ساز برای وقوع جرم رانت خواری توسط سازمان ها

و وزارت خانه ها را نیز به عنوان راهکار دیگر می توان مورد توجه قرار داد و متأسفانه در وضعیت فعلی نمی توان اذعان داشت یا بطور قاطع عنوان داشت که آمار جرم رانت خواری و سایر جرایم مرتبط با آن در کشور در حالت معمولی قابل قبول قرار دارد یا خیر. زیرا برخی عوامل درگیر این اظهار نظر را با مشکل جدی مواجه می کند.

یکی از راه های مبارزه با جو متشنجی که در این زمینه توسط افراد و گروه های مختلف بوجود می آید، برخورد منطقی و علمی با این پدیده است. بطوری که می توان با در نظر گرفتن این اصل پذیرفته شده که "جرم تحت هیچ شرایطی محو صددرصد نخواهد شد"، با جمع بندی پرونده های منجر به صدور حکم و میزان رانت خواری وقوع یافته در هر کشور و مقایسه آن با سایر کشورها و آمار قابل قبول وقوع هر جرمی در کشورها افکار عمومی را متقاعد سازند که بیشتر از آنکه جرمی متحقق یافته باشد جو تبلیغاتی منفی وجود داشته است. نکته مهمی که متأسفانه در اغلب موارد به بوته فراموشی سپرده شده این است که بهتر آن است که لااقل در کنار جلسات دادرسی رسیدگی علنی در رسانه های ارتباط جمعی، گزارش آماری تحلیلی و علمی نیز از آنچه تاکنون در کشور از وقوع این جرم به ثبت رسیده نیز به اطلاع عموم مردم رسانده شود.

### اعلام منطقی وقوع جرم قبل از وقوع شایعه ها

باید افکار عمومی را متقاعد کرد آنچه که اتفاق افتاده است اجتناب ناپذیر و در حالت طبیعی در تمام جوامع ممکن است اتفاق بیفتد زیرا جرم در هیچ زمانی از بین نخواهد رفت و فقط می توان آن را کنترل کرد تا از حد طبیعی فراتر نرود. در کنار سوءاستفاده از رانت که يك معضل اجتماعی است و مبارزه با آن از اهمیت فراوانی برخوردار است، باید با اتهام زنی های بی اساس در مورد رانت خواری نیز به مبارزه برخاست.

○ زینب ناصرالملکی

## دست های متحد آینده ساز است

با الگوبرداری از امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) بود

### روز واقعه

مدتها بود که هر لحظه انتظار بازداشت شدن را داشتیم. روزی مدیر مجموعه مرا احضار کرد وقتی از درب اتاق کارم خارج شدم فرد غریبه قوی هیكلی را دیدم که کت خود را روی دستش انداخته بود و داشت تابلوی اعلانات را نگاه می کرد. توجه چندانی نکردم و به طرف اتاق مدیر رفتم به محض اینکه خواستم وارد اتاق شوم دیدم سه نفر دیگر هم داخل اتاق هستند و مدیر که کنار در ایستاده بود سریع گفت: آقایان با تو کار دارند و از اتاق خارج شد و همزمان فردی که در راهرو دیده بودم پشت سر من وارد اتاق شد اسلحه یوزی را به پشت من فشار داد و مرا به داخل اتاق هل داد و یکی از آن سه نفر هم دست مرا پیچاند و بعد از بازرسی بدنی در حالی که کاملاً مراقب من بودند مرا به سمت ماشین بردند و داخل آن هل دادند با بیسیم داخل ماشین شروع به گزارش نتیجه عملیات خود به مرکز نمودند و مرا مستقیماً به کمیته مشترک ضد خرابکاری که امروز موزه عبرت تاریخ شده است، منتقل نمودند

### خاطرات اولین روز اسارت

در اولین روز اسارت، منوچهری که یکی از سنگدلترین باز جوها بود نگاهی به من کرد و پرسید شماره پایت چند است؟ یک لحظه به فکرم رسید که شاید می خواهد دمپایی برام بیاورد سریع گفتم ۴۵ جلو آمد و لگدی به ساق پایم زد و گفت یه پای برات می سازم که بشه ۶۵ و از همان روز فشارها و هتاکهها و شکنجه های جسمی شروع شد کمی در باره شکنجه ها (انواع شکنجه های مرسوم ساواک)

از اولین شکنجه ها تخت و شلاق بود که دور چشم ها را محکم می بستند و همچنین دستها و پاها را و فردی متخصص شکنجه بنام دکتر حسنی که طبق باقی مانده پرسنده ها فقط تا کلاس چهارم ابتدائی تحصیل کرده بود، فردی بسیار سنگدل و متخصص شکنجه بود. با کابل برق شروع به زدن کف پا میکرد که بر اثر ضربه ها شدیداً متورم می شد. ناخن ها سیاه شد و می ریخت و پا ترک خورده و زخم می شد و عفونت می کرد و اینجا بود که معنی حرف منوچهری را درک کردم که چطور شماره پایم را ۶۵ می کند.

شکنجه های دیگر هم بود مثل الکل مالیدن به بخشی از بدن و سپس آتش زدن آن و هزاران نوع شکنجه دیگر

هدف از این تشکل ها حرکت های اجتماعی و فرهنگی در مخالفت با رژیم و همچنین آشنایی با شهید مطهری و دکتر شریعتی و آثار آنها که ما هم به همراه جمعی از دوستان بعد از مطالعه این آثار تحولی در افکارمان شکل گرفت و با کسب مجوز می توانستیم انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم استکهلم سوئد راه اندازی کنیم که خوشبختانه در کمتر از چند ماه اعضای انجمن به ۲۰ نفر رسید که علاوه بر حضور و شرکت در سمینارهای اتحادیه وظیفه اطلاع رسانی جهانی و انعکاس جنایات رژیم پهلوی را در استکهلم سوئد انجام می دادیم. بعد از مدتی فعالیت در این انجمن به توصیه دوستان و هانگی انجمن قرار شد تا به کشور برگردیم تا ضمن ادامه فعالیت ها بتوانیم اطلاعات بیشتری برای دوستان انجمن جمع آوری و ارسال کنیم

### فعالیتی که منجر به دستگیری شد

بعد از ورود به ایران از تصمیم رژیم پهلوی باخبر شدم که تقویم سال را به جای سال ۱۳۵۵ سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی تغییر داده بود. در آن زمان من با کامپیوتر کار میکردم. با شنیدن این خبر و برای اعلام مخالفت با این حرکت، طراحی تقویمی را با کامپیوترهای سازمان برنامه و بودجه انجام دادم. در برگ اول آن سال ۱۳۵۵ شمسی درج شده بود و هر ماه آن آیه ای از قرآن در جهت مخالفت با شرایط آن زمان و برای هر ماهی جداگانه در آن تقویم حساب کردم که بیشتر مضامین و مفاهیم آیه ها به انفاق در راه خدا و فرهنگ ایثار و شهادت و آمادگی برای جهاد و نترسیدن از گفتن سخن حق توسل به خدا برای تغییر شرایط جهاد در راه خدا با جان و پیروزی حزب خدا بود

این تقویم مخالفت صریح و علنی با تصمیم شاه بود و این در حالی بود که در آن شرایط که وحشت بر جامعه حاکم بود این تقویم به اکثر دوائر دولتی و غیر دولتی و مهمتر از همه وزارت دربار شاه ارسال شد. جرم حرکت های فرهنگی در آن زمان خیلی بیشتر از سایر حرکت های سیاسی بود و از جرایم ننگین سیاسی محسوب می شد چرا که آگاهی جامعه برای رژیم مستبد شاه بالاترین خطر بودو بخاطر همین بود که حضرت امام در آن زمان با حرکت های مسلحانه مخالفت داشتند و به همه گروه های مبارز پیشنهاد می کردند مردم را آگاه کنید و این فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و آگاهی بخشی مردم حرکتی عاشورایی بود که

به موزه سیاسی قصر رفتم که چندین دهه پیش سلول ها و بند های آن مردان و زنان زیادی به خود دیده که جرمشان نارضایتی از رژیم پهلوی و پیوستن آنها به معترضین بوده. در راهروی زندان پیش می روم. دست به میله های یخ زده زندان می زنی. به فضای کوچک سلول نگاه می کنم که چطور زمانی ۶-۷ نفر در فضای کوچک ۵ متری آن در کنار هم، هم سلولی بوده اند؟ عکس هایی از چهره های شناخته شده ساواک بر روی دیوار زندان خود نمایی می کنند و کمی آن طرف تر عکس هایی از زندانیان سیاسی با شماره کدهایی که در دست دارند و مستقیم به من نگاه می کنند. این جوانان که هم سن و سال من به نظر می رسند حاضر به انتخاب این شرایط شدند و حتی از آن استقبال هم کردند. با داود اسعدی خامنه یادگاری از آن زمانها و آن آدمها که با چشم هایشان به بازدید کنندگان خوش آمد می گویند شروع به گفت و گو می کنم وی می خواهد برای خوانندگان مجله شاهد از آن زمان بگوید.

### خانواده ای موفق و کوشا

او از خانواده خود اینگونه می گوید: دختر بزرگش در رشته بهداشت مدارس تحصیل کرده و همسرش یادگار شهید و فرزند شهید است. فرزند دوم ایشان هم دختر خانمی هستند که در رشته مهندسی آی تی درس خوانده و در بخش خصوصی شاغل هستند و پسرش رشته پزشکی عمومی خوانده و در حال حاضر مشغول طی دوران تخصصی چشم پزشکی از دانشگاه تهران و در بیمارستان فارابی می باشد.

### توصیه اولیه شما

متناسفانه جامعه ما اطلاعات چندانی از قبل از انقلاب و شرایط حاکم بر جامعه آن روز را ندارد. علت آن کاملاً روشن و مشخص است. در کشور ما انقلاب شد بدون آنکه فرصتی برای جمع آوری و تدوین جنایات دوران پهلوی وجود داشته باشد. اسناد و ارقام و اعداد بسیاری از استبداد دوران پهلوی میتوان ارائه نمود که این یکی از وظایف سنگین رسانه های متعهد به آرمانهای انقلاب می باشد.

اعتراض با همه رژیم پهلوی در کشورهای دیگر: با همت آیت الله بهشتی تشکل های اسلامی و انجمن های سیاسی برای دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و امریکا مدیریت می شد.



### کاردستی زندانیان

نان هایی که در زندان داده میشد معروف بود به نان باتومی. نانی در قد و قواره نان باگت اما داخل آن خمیر با وزن زیادی بود که به هیچ وجه قابل خوردن نبود این خمیرها توسط بعضی از زندانیها به کمک یک لیوان چای شیرین که سهمیه هر ۲۴ ساعتشان در صبحانه بود ورز میدادند و وسایل تزئینی مختلفی با آن درست می کردند و برای تزئین و گلکاری آن از رنگ داخل کپسولهایی که بهداری می داد استفاده می کردند و اگر مامورین متوجه می شدند همه آنها را از بین می بردند و نمونه ای بسیار خاص از این هنر دست که توسط فرزند خردسال یکی از زندانیها به نام طاهره سجادی تهرانی همسر آقای مهدی غیوران در سال ۱۳۵۵ از بازداشتگاه خارج شده و نمونه ای است که اکنون شبیه سازی شده و در بخش فرهنگی موزه عبرت به فروش می رسد.

فضا و جو سیاسی زندان و رفتار ساواک: تا قبل از سال ۱۳۵۰ شرایط زندان قابل تحمل تر و بهتر بود اما از سال ۵۰ در سالهای مختلف شرایط مختلفی داشته. سختگیری ها در سال ۵۳ اوج گرفت اما از پایان سال ۵۵ تا ۵۶ مجدداً شرایط به شکل سابق بازگشت. در سال ۵۳ شرایط طوری بود که زندانیان سیاسی حتی پس از اتمام دوران محکومیت به هیچ وجه از زندان آزاد نمی شدند. زندانیان سیاسی نام این دوران را (ملی کش) گذاشته بودند

رفتار ماموران ساواک در تمام زمان ها غیرانسانی بود ولی در میان مامورین، نیروهای شهربانی بودند که بیشتر جنبه مردمی داشتند. افرادی بودند که رفتار انسانی و مردمی با زندانیان و حتی دوستی و ارتباط با بعضی از زندانیها آن زمان دارند برنامه بعد از انقلاب: بعد از پیروزی انقلاب مجدداً به شغل اصلی خودم در زمینه کار کامپیوتر پرداختم و تحصیلات مرتبط را ادامه و تکمیل نمودم

چگونگی اشتغال در باغ موزه قصر: پس از سال ۱۳۶۸ واگذاری فضای زندان قصر به شهرداری تهران اطلاع یافتیم که ساختمان های زندان قصر در حال تخریب و از بین رفتن است و به همین دلیل کانونی از زندانیان سیاسی تشکیل دادیم و با حضور شهردار وقت آقای قالیباف و آیت اله هاشمی رفسنجانی تصمیم گرفته شد تا فضای مذکور به موزه تبدیل شود من به عنوان نماینده زندانیان سیاسی در جلساتی که برای بازسازی بود حضور داشتم و پس از بازسازی دعوت شدم تا به عنوان مسئول موزه قصر با این مجموعه همکاری داشته باشم. در حال حاضر با سه همبند قدیمی به نام های حسن خانعلی - دادود یزدانی - معصومه جزایری روایت این بخش از موزه

در روزهای نه چندان دور به هم رسیده و انعکاس صدای این دستها دنیا را به لرزه خواهد انداخت و تاریخ تازه ای برای کشورمان رقم می زند.

### توصیه شما به جوانان

خوشبختانه جوانان ما امروز با وجود تنگناهای موجود ناشی از فشارهای جهانی و نابسامانی های اجتماعی به علت فضای بازی که برای اندیشه و تفکر وجود دارد بهتر و راحت تر میتوانند مسیر زندگی خود را انتخاب کنند. توصیه من به جوانان، شناخت راه و اندیشه بزرگانی که با عمر و جان خود نقشه راه جمهوری اسلامی را ترسیم کردند ما همانقدر که در بزرگداشت امام و خاطره این عزیزان وظیفه داریم بیشتر در شناخت راه آنها وظیفه داریم. در این شناخت بهتر مراجعه به آثار و کتب این بزرگان مفید است و پیشنهاد من مطالعه آثار استاد شهید مطهری است.

شناسه: داود اسعدی خامنه متولد ۲۸/۰۳/۱۳۲۶ متعهد و دو دختر و یک پسر دارد مدیر داخلی موزه سیاسی قصر و از زندانی های قبل از انقلاب هستند. در دهه ی چهل کار کامپیوتر به پدیده ناشناخته بود در شرکتهای خصوصی مشغول به کار با کامپیوتر های منحصر بفرد main frame که بسیار انگشت شمار بود شد و بعد از انقلاب عهده دار مقام حراست، سرپرست اداره کل بهداشت و درمان روستایی، قائم مقام روابط عمومی و ... و همزمان در رشته کامپیوتر ادامه تحصیل می دادند و نهایتاً در سال ۱۳۸۹ با عنوان معاون مدیر کل فناوری اطلاعات بازنشسته شد و مدتی جز اعضای انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم سوئد در استکهلم سوئد بودند.

رانه به عنوان اشتغال بلکه به عنوان یک ادای دین و تکلیف برای ارائه اطلاعات در مورد شرایط آن زمان به جوانان است

### فعالیت های داخل زندان

زندانیان معمولاً از اوقات خود کمال استفاده را می کردند و نمی گذاشتند که لحظه ای به بطالت بگذرد. تا قبل از سال ۱۳۵۰ به مطالعه و شرکت در کلاسهای آموزشی که توسط خود زندانیان تشکیل می شد. اما از آن سال به بعد از تشکیل کلاس جلوگیری شد و بسیاری از کتابها هم جمع آوری شد. در هر حال زندانیان سیاسی برای بهره بردن از اوقات داخل زندان برنامه مشخصی بین خودشان داشتند و روزها را زمانبندی و برنامه ریزی کرده بودند مثل ساعت ورزش و ساعت تبادل اطلاعات و... که کاملاً مشخص بود.

در دوران پهلوی دوم اگر چه فقر و اختلاف پنهان و نهفته در جامعه وجود داشت اما تلاش می شد تا جوانان با شگردهای گوناگون از تفکر و اندیشه فاصله بگیرند یعنی تا زمانی که جوان به فکر تفریح و خوشگذرانی بود زمینه اجتماعی گسترده و فراهم بود اما به محض اینکه چرائیهای آن مطرح می شد و جوان به اندیشه و فکر خود مراجعه می کرد زندان بود و شکنجه شرایط طوری بود که بسیاری از جوانان بخاطر خواندن یک کتاب یا یک اظهار نارضایتی و حتی داشتن رساله امام خمینی (ره) ماهها و سالها در زندان بودند دوست از دوست چندین ساله خود وحشت داشت که نکند مامور ساواک باشد و هیچ حرفی و سخن و اعتراضی قابل بیان و درد و دل حتی در جمع دوستان و بعضاً خانواده هم نبود و اگر فردی کاملاً مورد اعتماد بود نصیحت می کرد یک دست صدا نداده غافل از اینکه همین دست های کم صدا و یا بی صدا

○ شاهرخ صالحی کهرودی

## حقوقی که ما در جامعه داریم

درآمده است بر لزوم رعایت حقوق شهروندی در اجرای اصل برائت، اطلاع به خانواده افراد بازداشت شده و حق سکوت یا دسترسی به وکیل تاکید شده است.

بر اساس این قانون همچنین اگر فرد بیگانه‌ای بدون دلیل بازداشت یا مجازات شود، می‌تواند مدعی جبران خسارت خود باشد و برای اولین بار در این قانون پیش‌بینی شده است که خسارت وی از محل بیت‌المال پرداخت شود. (ب) حقوق و آزادی‌های سیاسی: یکی دیگر از مهم‌ترین عناصر حقوق شهروندی که اصولاً پایه و اساس حقوق شهروندی نیز بر اساس آن بنا شده است، موضوع حقوق و آزادی‌های سیاسی است.

آزادی‌های عمومی و سیاسی شهروندان از جمله اصولی است که تحت عنوان حقوق ملت یا عناوین مشابه در قوانین اساسی کشورها ذکر می‌شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول نوزدهم تا چهل و دوم به حقوق ملت اختصاص پیدا کرده و در این بخش حقوق و آزادی‌های فردی و سیاسی شهروندان ایرانی به روشنی بیان شده است.

البته در اصول اولیه و مقدمه قانون اساسی نیز به طور کلی موضوع حقوق شهروندی مورد توجه بوده است. برای نمونه طبق بند هفتم اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی موظف است برای نیل به تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون همه امکانات خود را به کار بگیرد.

بر اساس اصل نهم قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال و وحدت و

هرگونه قانون‌شکنی می‌ایستند. همچنین هر شهروندی در ازای توجه به قانون و قانونمداری انتظار دارد که اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل دسترسی آزادانه به دادگستری و وکیل که برای تامین امنیت فردی و اجتماعی شهروندان وضع شده‌اند، در خدمت تامین امنیت فردی او هستند و هرکجا نیاز به حمایت قانونی داشته باشد، قانون از وی حمایت لازم را می‌کند.

شهروندان در ازای مالیاتی که به دولت پرداخت می‌کنند، انتظار دارند حکومت نیز مسئولیت حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان را بر عهده بگیرد که این وظیفه نیز در بخش‌های مختلف توسط پلیس، آتش‌نشانی، اورژانس و امداد و نجات اجرا می‌شود و هرکسی نیز شکایتی از اشخاص یا دولت یا حتی نهادهای نظامی داشته باشد می‌تواند به دادگستری یا مراجع قضایی نیروهای مسلح مراجعه کند.

شهروندان بر همین اساس در مراجعه به مراجع قضایی انتظار دارند که دادگستری مراجع تظلم‌خواهی آنها باشد و از آنها دفاع کند.

برای مثال در قانون جدید آیین دادرسی کیفری که از ابتدای تیرماه به مرحله اجرا

حقوق شهروندی، مجموعه‌ای حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی‌شان از آن برخوردار می‌شوند. در واقع در ازای اطلاق عنوان شهروندی، افراد از مجموعه‌ای از امتیازات برخوردار شده و در مقابل می‌پذیرند تحت قواعد خاصی زندگی کنند. اما سوال اینجاست که افراد با اخذ عنوان شهروندی از چه مزایا و امتیازاتی برخوردار می‌شوند؟

به طور کلی حقوق شهروندی به سه بخش عمده تقسیم می‌شود و به عبارتی می‌توان گفت حقوق شهروندی از سه منظر امنیت شخصی، آزادی و مشارکت‌های سیاسی و حقوق مدنی و اقتصادی قابل بررسی و تفسیر است.

الف) امنیت شخصی: یکی از مهم‌ترین حقوق حقوقی شهروندی، حق برخورداری از امنیت در حکومت است. باید توجه کرد یک شهروند در ازای تکالیفی که در مقابل حکومت می‌پذیرد باید از احساس امنیت واقعی نیز برخوردار باشد.

یکی از بخش‌های مرتبط با امنیت شخصی، موضوع امنیت قضایی و امنیت انتظامی است. هر شهروند باید حس کند در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، مراجع انتظامی و قضایی از او حمایت می‌کنند و در عین حال در مقابل





# راز عبودیت؛ نماز

از آنجا که همواره راز و نیاز عاشقانه بندگان با معبود هستی بخش در قالب نماز تبلور یافته به گونه‌ای که این فراز از بندگی و عبادت در طول تاریخ بشر و ادیان مختلف آسمانی وجود داشته که البته شاید کیفیت و نحوه اقامه آن متفاوت بوده است. به عبارت دیگر قاطبه پیامبران و پیشوایان ادیان آسمانی به نماز مامور شده‌اند و نقطه مشترک میان همه ادیان نماز است، چرا که نماز مظهر عبودیت و شاهراه پرستش و وسیع‌ترین نیاز فطری بشر و در عین حال نزدیکترین حلقه اتصال خالق و مخلوق است.

نماز از نظر اهمیت ستون دین و برپایی آن وظیفه عینی همگان به ویژه آنان که از موهبت قدرت و تمکن برخوردارند قلمداد شده است. و در پیشگاه حق تعالی ملاک بخشش و قبولی سایر اعمال و عبادات تعبیر شده است. قبل از بعثت رسول خاتم(ص)، در آیین عیسی(ع) نماز وجود داشته است چرا که در قرآن از زبان عیسی(ع) چنین نقل شده است: "واوصانی بالصلاة" قبل از آن در دین موسی(ع) نیز نماز آمده است چرا که خداوند به موسی(ع) چنین خطاب می‌کند: "اقم الصلاة لذكرك" و قبل از آن در زمان حضرت شعیب(ع) به عنوان یکی از عبادات سفارش شده است:

"یا شعیب اصلوتک تامرک" و قبل از همه این‌ها در دین ابراهیم خلیل(ع) نیز نماز از منازل قرب و عبادات برجسته قلمداد شده است، به گونه‌ای که آن حضرت از خداوند برای خود و فرزنداناش تمنای توفیق اقامه آن را نموده است: "رب اجعلنی مقيم الصلاة و من ذریتی" و همچنین در وصایای لقمان به فرزندش: "یا بنی اقم الصلاة و..."

علاوه بر آثار و برکات فراوان معنوی و فضیلت تقرب به خدا که برای مومنان نمازگزار مقرر گردیده است در برپایی شایسته نماز زیربنای سعادت و خوش بختی دنیوی پایه‌ریزی شده است و همچنین در فرهنگ اقامه نماز ریشه اصول اعتقادی کامل می‌گردد و معرفت و شناخت حقیقی بدست می‌آید، روح تعبد و بندگی جلا می‌یابد و برانگیخته می‌گردد. معاصی و گناهان مومنان مورد آموزش و مغفرت قرار می‌گیرد.

نماز از آن جهت به عمود خیمه دین توصیف شده است که کمال بندگی و تقرب به خدا بدون آن میسر نیست در بیانی گویا و زیبا از پیامبر اکرم(ص) نقل است که فرمود نماز چهره دین و معرف میزان دیانت شما است. از آنجا که ترویج و توسعه فرهنگ نماز در سطح جامعه و در روزگاری که دوری از فطرت خداجویانه و معنویت که لازمه حیات انسانی است موجب سرگشتگی و حیرانی است بسان کشتی نجات بخشی است که فرد و خانواده و در نهایت جامعه را از طوفان سرخوردگی و پوچی نجات می‌دهد. بی شک نماز اگر به نیکی اقامه شود و به جماعت برپا گردد، همدلی و یگانگی را در ظاهر و باطن فرد و جامعه به ارمغان خواهد داشت

تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر بوده و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است.

هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی نمی‌تواند به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

بعد از ذکر این اصول بنیادین نوبت به طرح موضوعات جزئی‌تر در حوزه حقوق شهروندی در قانون اساسی می‌رسد؛ حقوقی مانند آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات، حق تعیین سرنوشت و شرکت در انتخابات، آزادی‌های مذهبی و قومی و حق بهره‌مندی از آموزش، اشتغال و تامین اجتماعی در این بخش بحث می‌شود که البته مهم‌ترین آن در همان موضوعات مرتبط با آزادی‌های فردی و سیاسی خلاصه می‌شود. (ج) حقوق اجتماعی و اقتصادی: آخرین بخش از حقوق شهروندی که به طور مشخص قابل بحث و بررسی است؛ ناظر بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی زندگی شهروندان است.

موضوعاتی مانند بهره‌مندی از حق مالکیت، حق اشتغال، حق ازدواج، حق آموزش، خدمات مرتبط با بهداشت و سلامت، تامین اجتماعی، دسترسی به خدمات بیمه و حقوق مشابه آن در زمره حقوق اجتماعی و اقتصادی شهروندان جای می‌گیرد.

هر شهروندی در ازای مالیاتی که به دولت می‌پردازد یا مسئولیت‌هایی که در برابر دولت قبول می‌کند، باید از مجموعه حقوق مشخصی برخوردار باشد که این حقوق را می‌توان ابتدا در قوانین اساسی کشورها مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سپس در قوانین عادی جستجو کرد.

به بیان دیگر زندگی در سایه حاکمیت قانون، مهم‌ترین وجه تمایز حقوق شهروندی از سایر حقوق قلمداد می‌شود.

هنگامی که از شهروند و حقوق اوستن به میان می‌آوریم مراد ما مجموعه ای از حقوق خصوصی و عمومی است که بر روابط اجتماعی حاکم است. شهروند ترجمه واژه Citizen می‌باشد. این اصطلاح در ادبیات سیاسی و حقوقی ما سابقه چندان ندارد. در ایران تا قبل از مشروطیت به جای این واژه از کلمه «رعیت» و «رعایا» استفاده می‌شد. به عبارت دیگر در سلسله مراتب نظام اجتماعی، مردم رعیت پادشاه و تابع و فرمانبردار او تلقی می‌شدند. بعد از مشروطیت حتی پس از تصویب قانون مدنی، افراد جامعه ایرانی از دیدگاه حقوق، تبعه دولت ایران معرفی می‌شدند یعنی ایرانیان به عنوان تبعه باید تابع دولت متبوع خود باشند.

در جامعه ایران آنچه که در گذشته بیشتر بر آن تاکید شده بود، مفهوم شهروند به عنوان تبعه بود و کمتر از حق و حقوق جامعه سخنی مطرح می‌شد. واژه شهروند در ادبیات ما واژه ای تازه و نو است به طوری که حتی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معین و عمید مطرح نشده است. در فرهنگ‌های دو زبانه کلمه Citizen - شهروند- به معنای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت و شهرنشین و کسی که از خدمت لشکری آزاد باشد، تعریف شده است.

وقتی دایره کلان و وسیع حقوق شهروندی مطرح می‌شود باید این واقعیت را در نظر بگیریم که محافظت و حراست از حقوق تک تک شهروندان بر دوش همه قوا و سازمان‌های دولتی است که باید در این زمینه اقدامات لازم و ضروری برای حراست از حقوق شهروندان را در تمام واحدهای اجرایی خود عملیاتی کنند تا حقوق شهروندی در تشریفات اداری و اجرایی و حتی قانونی پایمان نشود.

\*کارشناس ارشد حقوق خصوصی

## قدرت اراده

دنیای ما تشکیل شده از گذشته و آینده، فارغ از زمان حال و فارغ از زمانی که در آن قرار داریم و از آن غافل هستیم. اما باید باور کنیم که درها برای کسانی گشوده می‌شود که به خودشان ایمان دارند. بی شک همه ما کم و بیش در زندگی با کسانی برخوردیم که شکست در یک امتحان یا مسابقه را به منزله مرگ تمامی آمال و آرزوهای خود می‌بینند و زندگی به یک باره برایشان به آخر می‌رسد. افرادی که با ابتلا به یک سرماخوردگی ساده، در بستر می‌افتند و آن چنان بی‌تابی می‌کنند که گویی با صعب‌العلاج‌ترین بیماری‌ها دست به‌گریبان شده‌اند و هیچ‌امیدی هم به بهبودی‌شان نیست. اما در حقیقت، با نگاه بهتر به اطراف، می‌توان کسانی را دید که با وجود کوهی از مشکلات گوناگون، با اتکا به قدرت اراده خویش و نیز انتخاب و شناخت هدفی بزرگ و ارزشمند، دست به کارهایی شگفت‌انگیز زده‌اند که نه تنها برای فردی با شرایط آنان، بلکه برای افراد عادی هم دور از دسترس به نظر می‌رسیده است و بدین ترتیب، چه بسا منشأ تأثیرات شگرف در جامعه خود و یا حتی کل جامعه بشری نیز شده‌اند. خداوند خواسته است که انسان خلیفه او باشد بنابر این انسان با توجه به بعد ملکوتی و الهی خویش می‌تواند مقصود را در آغوش کشد. این که انسان اشرف موجودات است، خداوند در آیه شریفه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: "ولقد کرمانا بنی آدم" و در آیه شریفه ۴ سوره تین

می‌فرماید: "لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم" و پر واضح است که تکریم انسان از سوی خداوند و ساخت انسان در زیباترین و نیکوترین حالت، ابداً با عدم توانایی وی در استفاده بهینه از خود و استفاده بهینه از شرایط سازگار نیست. کدام کار بوده است که ما به طور جدی و با تمام وجود خواسته‌ایم انجام دهیم و در آن راه از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرده‌ایم ولی شاهد مقصود را در آغوش نکشیده‌ایم. کافی است یک یا علی (ع) با تمام وجودمان بگوییم.

عمل کردن و وارد صحنه عمل شدن ولو این که کار کوچکی باشد به انسان قدرت «من می‌توانم» می‌دهد و دیگر این که هیچ‌کس به هیچ جایی نرسید مگر این که استقامت به خرج داد؛ "ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناکم ماء غدقاً" اگر مستقیم و ثابت بر طریق بودند حتماً سیراب می‌نمائیم ایشان را آب کثیر. سوه الجن ۱۶

هر چه شناخت انسان از جهانی که از آن آمده و دنیایی که در آن زندگی می‌کند و آخرتش که به آن پا می‌گذارد، بیشتر باشد و بزرگی هدف آفرینشش را بیشتر بشناسد، قدر خود را بهتر دانسته و اراده قوی‌تری خواهد داشت.

اگر انسان، خود را به درستی بشناسد و بداند عمری محدود و اهداف بلند و وظایف بسیاری دارد، آن‌گاه برای انجام کارهای لازم، سر از پا نمی‌شناسد و از هر گونه تبلی، سستی

و ائتلاف وقت پرهیز می‌کند؛ همان طور که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: "هر کس خود را ارزشمند شمارد، خواهش‌های نفسانی‌اش نزد وی خوار و بی‌ارزش شوند" نهج البلاغه، ص ۵۵۵

آدمی را اراده و نیرویی است، که جز اراده ی خداوند نمی‌تواند جلودارش باشد و آن اراده و نیرو جز با معرفت به دست نمی‌آید. البته معرفت خود پهنایی عظیم دارد. به قول مولانا:

غنیمت شمار، این گرمی نفس

که بی‌مرغ، قیمت ندارد قفس

مکن عمر ضایع به افسوس و حیف

که فرصت، عزیز است: الوقت ضیف

زندگی فراز و نشیب‌های بسیاری دارد؛ لحظه‌ای شاد و لحظه‌ای غمگین، لحظه‌ای امیدوار و لحظه‌ای نومید. بارها اتفاق افتاده که فرد به‌علت داشتن مشکلات زیاد، از زندگی و داشتن لحظاتی توأم با آرامش بی‌نصیب مانده است. هر انسانی هدفی دارد و برای رسیدن به اهداف متعالی خود در تلاش است. من، شما، دیگری و کلاً همه ما به نحوی برای داشتن یک زندگی راحت و سرشار از آرامش در تلاش و تکاپو هستیم. در دنیای امروز مشکلات روحی- روانی بسیار حاد و طاقت‌فرسا شده است. تمامی افراد جوامع مختلف به نحوی درگیر مشکلات روحی- روانی، افسردگی، نومیدی و هرگونه مشکل خاص خود هستند. حال در این بین افرادی نیز هستند که علاوه



# هواری پلو یک غذای بندری خوشمزه



فاطمه عسگری

مواد لازم:

میگو ۵۰۰ گرم

برنج ۵۰۰ گرم

پیاز یک عدد، سیر ۴ حبه

سیب زمینی متوسط ۲ عدد

لوبیا چشم بلبلی یک فنجان

گوجه فرنگی ۵۰۰ گرم، رب گوجه فرنگی یک قاشق سوپ خوری

زیره سیاه یک قاشق غذاخوری، نمک و فلفل و زردچوبه به میزان لازم

آب مرغ نصف پیمانه



هواری یا هووری غذای مخصوص بندرعباس می باشد که خیلی خوشمزه است. طرز تهیه:

این غذا یک پلوی مخلوط و مقوی است. می توان از زعفران هم برای خوشرنگ کردن غذا استفاده کرد. لوبیای چشم بلبلی را خیس کرده و چند بار آبش را عوض کرده و بعد پخته ایم. زیره را همان لحظه استفاده می شویم و اگر قبلا شسته و خشک کرده و نگه داشته باشیم عطر آن از بین می رود. برنج را از قبل آبکش کرده ایم و کمی زنده تر برداشته ایم.

می توان به جای میگو از ماهی هم استفاده کرد که در آن صورت باید ماهی را از قبل مزه دار کرده و پیزیم که در آن صورت این غذا هواری ماهی خواهد شد. برای اینکه میگو در غذا سفت نشود به آن ابلیمو یا سرکه نمی زنیم. ماهی تابه را روی حرارت می گذاریم و مقداری روغن داخل آن می ریزیم. پیاز خرد شده را داخل ماهی تابه می ریزیم تا کاملاً نرم شود. وقتی پیاز نرم شد سیر را اضافه می کنیم و تفت می دهیم. می توانیم به جای حبه های سیر از سیر تازه هم استفاده کنیم.

میگورا اضافه می کنیم و تفت می دهیم وقتی میگوها را مقداری تفت دادیم آب مرغ را اضافه می کنیم و می گذاریم بپزد. در ظرف را باز می گذاریم تا در حین حرارت دیدن مواد، آب غذا بخار شود. می توان به جای آب مرغ از استاک مرغ یا استاک گوشت هم استفاده کرد. از آب هم می توان استفاده کرد اما آب مرغ خوشمزه تر است.

بعد از اینکه مواد کمی بخت و آتش کشیده شد گوجه فرنگی و رب را اضافه می کنیم. گوجه فرنگی و رب را با مواد قبلی تفت می دهیم کمی که تفت خورد لوبیا و سیب زمینی را اضافه می کنیم. سیب زمینی ها را نگینی ریز خرد می کنیم چون باید داخل برنج با بخار برنج بپزد و داخل مواد فقط کمی تفت می دهیم. به مواد نمک، فلفل قرمز و زردچوبه اضافه می کنیم. چون در این غذا از زیره استفاده می کنیم پس نیازی به استفاده از ادویه کاری نیست.

مواد را با هم تفت می دهیم. ته قابلمه مورد نظر مقداری روغن می ریزیم. مقداری برنج داخل قابلمه می ریزیم و یک لایه از مواد و دوباره یک لایه از برنج می ریزیم. لایه آخر را با مواد پر می کنیم و نیازی به صاف کردن مواد هنگام ریختن داخل ظرف نیست. تقریباً چهار لایه از هر کدام یعنی برنج و مواد بریزیم کافی است.

لایه آخر را که از مواد پر کردیم زیره را نصف می کنیم و هر نصفه را یک طرف ظرف برنج و کنار مواد در یک نقطه می ریزیم تا موقع پختن غذا این زیره غذا را معطر کند و بعد از پخت غذا هم اگر کسی طعم زیره را دوست نداشته باشد می توان آن قسمت از برنج را جدا کرد.

بر مشکلات روحی، مشکلات جسمی و حرکتی نیز دارند. آری، علاوه بر تمامی مشکلات و حوادث زندگی، مشکلات جسمی را نیز تحمل می کنند. همین نکته مهم ترین مبحث در مورد اعتماد به نفس و تقویت روحیه برای ادامه زندگی است. اگر فرد، روحیه زندگی کردن و امید خود را از دست بدهد، نمی توان توقع داشت که زندگی سالم و سرشار از آرامشی داشته باشد. باید دید در این بین چه کسانی می توانند نقش مؤثر و مفیدی در تقویت اراده و داشتن روحیه مناسب و حس اعتماد به نفس برای این قشر داشته باشند.

اولین و مهم ترین کسی که می تواند نقش بسیار مؤثری در این امر داشته باشد، خود فرد است که به نوعی مشکلی دارد و سپس نخبگان جامعه می توانند در ارتقاء اعتماد به نفس افراد کمک کنند. اگر فرد خودش را قبول داشته باشد و روحیه مناسب و امید به زندگی را در خود تقویت کند، هیچ گونه مشکلی نمی تواند مانع پیشرفت و موفقیت او شود. البته گاهی اوقات مسایل و مشکلات مختلف دست به دست هم داده و در تضعیف روحیه فرد مؤثر واقع می شوند.

یک فرد باید آن قدر به خود و اراده خود ایمان داشته باشد که حتی مشکلات نیز نتوانند در تضعیف روحیه اش مؤثر باشد. البته که می تواند، اما رسیدن به این مرحله از اراده، نیازمند عزمی راسخ و پشتکاری عظیم است. فرد اگر خود را قبول کند و به خدای خود ایمان داشته باشد و مطمئن باشد که به همه چیز خواهد رسید، پس مشکلات و فراز و نشیب هانمی تواند مانع رسیدن به اوج قله های خوشبختی و موفقیت شود.

اگر از خداوند یاری بخواهیم و عزم خود را جزم کرده و حرکت کنیم، همچنین به داشتن آینده ای درخشان امیدوار باشیم، دیگر دلیلی برای یأس و نومیدی نخواهد ماند.

اراده فرد مهم ترین و بارزترین نکته اساسی برای قبول کردن و وفق دادن شرایط است. سرنوشت دست خود ماست و خداوند ما را مختار آفریده، اگر بخواهیم، می توانیم با هر نوع شرایطی زندگی کنیم و برای داشتن یک زندگی آرام، شکرگزار پروردگاران باشیم. همین طور اگر نخواهیم شرایط را قبول کنیم، می توانیم زندگی را بر خود و اطرافیان تلخ کرده و در انزوا و تنهایی، آینده خود و خانواده مان را تباہ کنیم.

باید قبول کنیم که زندگی ادامه دارد و ما نیز عضوی از قشر عظیم اجتماع هستیم و حق زندگی و نفس کشیدن داریم، آنگاه اگر برای رسیدن به نقطه های روشن و فتح آسمان خوشبختی تلاش کنیم، باید مطمئن باشیم که جامعه نیز یاری مان خواهد کرد. مطمئن باشیم که موفق خواهیم شد، زیرا هر لحظه و همه جا خداوند یار ماست. لبخند بزینم و شاد باشیم که زندگی از آن بندگان است.

به امید روزی که همه ما انسان ها به اوج قله های خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی برسیم.



### سالمانی چربه

برای اصلاح موی سرم به سلمانی گردان رفتم. بالا خره نوبتم شد. آقا! چشمت روز بد نبیند، با هر حرکت ماشین بی اختیار از جا کنده می شدم، از بس کثیف و کند شده بود. هر بار که تکان می خوردم ... هر بار که تکان می خوردم به آینه نگاه می کردم و سلام می دادم. برادر سلمانی وقتی متوجه حرکت من شد پرسید "چه کار می کنی اخوی؟! "گفتم: "هیچی، چه کار می خواستی بکنم؟" باخودت حرف می زنی؟" گفتم: "نه، با پدرم حرف می زنم". با تعجب پرسید: "با پدرت؟" توضیح دادم: "بله، شما هر بار که ماشین را داخل موهایم می کنی چنان آن ها را می کشی که پدرم جلو چشمم می آید و من به احترام بزرگ تر بودن ایشان سلام می دهم!"

### تف کن، تف کن، معده ات دردمی گیره

آتش بازی دشمن که تمام شدو گرد و غبار ها فرو نشست، طبق معمول بلند شدیم ببینیم تیر و ترکش دشمن کدام نازنین را گرفته. از هر طرف، صدای آه و ناله و فریاد کمک کمک بچه ها بلند بود و امداد گران دنبال برادرانی بودند که حالشان وخیم تر است. بین کسانی که مجروح شده بودند چشمان افتاد به ...

چشممان افتاد به یکی از بچه های گروهان که وقتی سرپا و سر کیف بود، شمر هم جلو دارش نبود؛ از همان ها که اگر بگویی "زلزله" بیراه نگفته ای. جالب این که هیچ کس باورش نمی شد که او هم روزی زخمی بشود و تیر و ترکش به بدنش کارگر بیفتد. توی همان وضعیت که همه نگران بودند، یکی از هم تیپ های خودش سر به سرش می گذاشت که: "چی شده؟ چی خوردی؟ کجات خورده؟" او که لابد می دانست می خواهد اذیتش کند چیزی نمی گفت. اما وقتی دید دست بردار نیست، با تبسم معنی داری گفت "ترکش خوردم".

حالا این دوستان همی می زد به پشتش که: "تف کن، تف کن، معده ات درد می گیره".

### ظلمت نفسی، ظلمت نفسی

مسئول تدارکات بود؛ منتها از آن تدارکاتی هایی که همه ی گروهان می گفتند ما بچه هایمان هم با او خوب نمی شوند. خیلی اهل حساب و کتاب و درست و دقیق؛ از اون زرنگ هایی که پشه را روی هوا نعل می کنند. خودش تعریف می کرد و می گفت: ...

خودش تعریف می کرد و می گفت: "از همه جایی خبر داشتیم می رفتم گردان برای جلسه، که دیدم از آن پایین، توی رودخانه پشت چادر صدای ناله و ندبه می آید. حالا نگو بچه ها مرا دیده اند و عمدا صدایشان را بلند کرده اند که توجه مرا جلب کنند. خوب گوش کردم. چند نفر با تضرع تمام داشتند ظاهرا با خدای خودشان راز و نیاز می کردند: ظلمت ... ن ... فسی، ظلمت ... ن ... فسی. اما چرا این موقع روز؟! "

پاورچین پاورچین رفتم نزدیک. آقا چشمت روز بد نبیند؛ چه دعایی، چه شوری، چه حالی.

تنقلات را ریخته بودند وسط؛ می خوردند و می خندیدند و "ظلمت نفسی" می گفتند

منبع: ندای یک بسیجی عاشق

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



- افقی:
- ۱- فرآیند خرید، فروش یا تبادل محصولات، خدمات و اطلاعات از طریق شبکه های کامپیوتری و اینترنت
- ۲- خجالتی - خانم و خاتون است و نام سریالی با حضور داریوش ارجمند - درختی همیشه سبز در استو
- ۳- درمان کننده - سوگ و عزا - نامی پسرانه
- ۴- سال آذری - نت ششم - کل و سراسر - چاره و علاج
- ۵- برهنه و بینوا - زائده کرمی شکل روده کور - پاک
- ۶- سوغات قم - پشتیبان - رایحه
- ۷- در آن مکان - دانش آموزی که در امتحان درسی نمره کمتر از حد نصاب بگیرد و مجبور نشود دوباره آن درس را امتحان بدهد - مرواریدها
- ۸- نوشتن است و آئین هم دارد - مقابل باخت - نیرنگ زیرکانه
- ۹- شکننده - شهری در استان خوزستان - از رنگ ها
- ۱۰- مخفف خوش - چارپای انگور خور - برگرداندن
- ۱۱- به فرمایش امام جواد(ع) از رفاقت با ... پرهیزید که مانند شمشیر ظاهری خوب و اثری بد دارد - کوهی در سیستان و بلوچستان - در گفت و گوهای امروزی به معنی نفوذ به يك سیستم کامپیوتری می باشد
- ۱۲- لقب بزرگان قبیله ها - خواب کودکانه - نگاه خیره - وداع فرنگی
- ۱۳- مرکز غنا - کشور فدافی - تیم بلژیکی
- ۱۴- کزاز - پارچه ای لطیف - از خودروهای شرکت ایران خودرو که محصول پروژه ای با کد ۱۲X است و پیشتر با نام پیکان جدید شناخته می شد
- ۱۵- کار بیهوده کردن

عمودی:

- ۱- کامل کردن - امور کشور طبق اصل ششم باید به اتکای آرای عمومی و از راه ... اداره شود
- ۲- انبوه مردم - دید - یگانه
- ۳- دریاچه ای در آسیای میانه - لقب امام چهارم(ع) - مختل شدن رابطه میان دو نفر بر اثر رنجش
- ۴- يك توپ پارچه - رهاورد زلزله - ضدخبر - قطب مثبت باتری
- ۵- رونمایی - از ابزارهای بنایی - راز
- ۶- مایه حیات - از نمازهای واجب - آهو
- ۷- حرف عصا! - از ادویه جات خوشبو که در شیرینی پزی مصرف دارد - مرکز پرو
- ۸- طعنه - رنج و تعب - محصول هنری نقاشی
- ۹- نی لبک - پسوند سه حرفی و مشخص کننده بافت پرونده های کتاب الکترونیکی در برنامه ادوبی آکروبات - کشور مپمون
- ۱۰- آنچه به آن استناد کنند - واحد فرکانس - اثر چوبی
- ۱۱- همان بس است - تیراندازی - نشسته
- ۱۲- جد - يك عامیانه - تر و تازه - مراد، غایت
- ۱۳- پی در پی و پشت سر هم - مقابل حمله در ورزش = ژیرا
- ۱۴- موجود - کلاه درویش - مخترع زیردریایی
- ۱۵- نوعی ورزش و تفریح فضای باز - زحل

○ امیر علی توانا

## زنگ ها برای ما به صدا در آمد

دفترهایی هست که پر شده از خاطره ها و دل نوشته ها و حرف ها . خوب که می خوانی ؛ چه قدر غریب است . همه اش خودبینی . همه اش آرزوها و نگرانی ها و از این همه ، نقش خدا در آن ، چه قدر اندک ، چه قدر کم رنگ . مطمئناً روزی می آید که خواهند سوخت ؛ به جز آنهایی که رنگ خدا گرفته اند و ممکن است همه اش سوزاندنی باشد . شاید این ترس از خودسوزی هاست که آدمی را از درون می سوزاند . جرأت می خواهد و شجاعت ( و کمی هم غیرت و همت ) که به آتش بکشی همه ی آن چه غیر خداست . مگر می گذارد این نفس سرکش ، که رها کنی این تن پوش ریا را ؟

فصول زندگی یکی پس از دیگری طی می شود ؛ چند بهار ، چند پاییز باید بگذرد تا نهال وجودت ، به بار بنشیند ؟ در کدام یک از این فصول ، سایه می گسترانی ؟ بغل باز می کنی به روی خسته دلی ؟ پهن می شوی و فرش می شوی زیر پای کسی ؟ نرم می شوی و گرم می گیری در تقابلی ؟ ... پر از احساس می شوی ،

شور می شوی  
برای همدلی  
و همراهی ؟  
مگر چند  
بار زندگی را  
زندگی می  
کنند ؟ چند  
بار فرصت  
جوانی هست

؟ چندبار کتاب امروز را ، این ساعت و لحظه را ، می توان ورق زد ؟ چند بار می شود تکرار شد ؟

آدمیزاد ، یک بار به دنیا می آید و یک باره می رود از آن . فاصله این آمد و رفت ، نقشی است که از خدا ، باقی می ماند . همه ی آن چه را که از ظرف وجود آدمی ، می ماند ؛ بارقه های الهی است . همه ی آن چه که فنا می شود ، غیر « او » ست . همه ی آن چه که می سوزد و متلاشی می شود ؛ در رد نگاه « من » است . اگر به دنبال اثر و در پی جاودانگی به اندازه خود خدا هستیم ؛ باید عبور کنیم از این نقوش خیالی که می پرورانیم در ذهن ، گاهی در دل ؛ از جمله عشق .

آشفته بازاری است این شیفتگی ما به دنیا . این شوریدگی از سر گذشته و بی انتها . همه اش می گوئیم ؛ فردا !

فردا که بیاید ، روز ساختن من ، روز احیاء ما . ولی غافل از این که ، طی می شود به سرعت روزگار و می رسیم به انتهای کار . درست همین جا ! و چه قدر تنها ! چه قدر غریب و شکسته و فرتوت ! راست است پیری وحشی احساسش در جوانی برای بعضی ها . راست است که باید این روزها ، دست به کار شد و دفترها و نوشتارهایی که رنگ خدا به خود ندارند ، قبل از آن که دیگران بسوزانندش ، بسوزانیمشان . شاید برای شروع ، دیر شده باشد . اما برای ماندن ، باید عزم رفتن کرد همین حالا .

« اتقرب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون (سوره نباء / آیه ۱)

حساب مردم بسیار نزدیک شد و حال آن که مردم در غفلت اعراض کنند ای هستند .

برای اجرای یک کار خوب ، هیچ وقت دیر نیست . برای انجام یک کار بزرگ و ماندگار ، باید از همین کارهای خرد و کوچک شروع کرد . بلند پروازی هم حدی دارد . سقف

و ارتفاع آرزوهایت را به قدری بلند بگیر که بتوانی به آن چراغی نصب کنی . روی پای خودت بایستی . نه محتاج اغیار باشی و نه نیازمند ابزار . ای اشرف مخلوقات ! نگذار که دنیا شرافت تورا بگیرد . دامان تورا لکه دار کند . خانه ی صداقت تورا . ویران کند . شعور تورا به تاراج برد . برده ات کند . بنده ی رنگ ها و ننگ ها . خرابی ها و خیال ها .

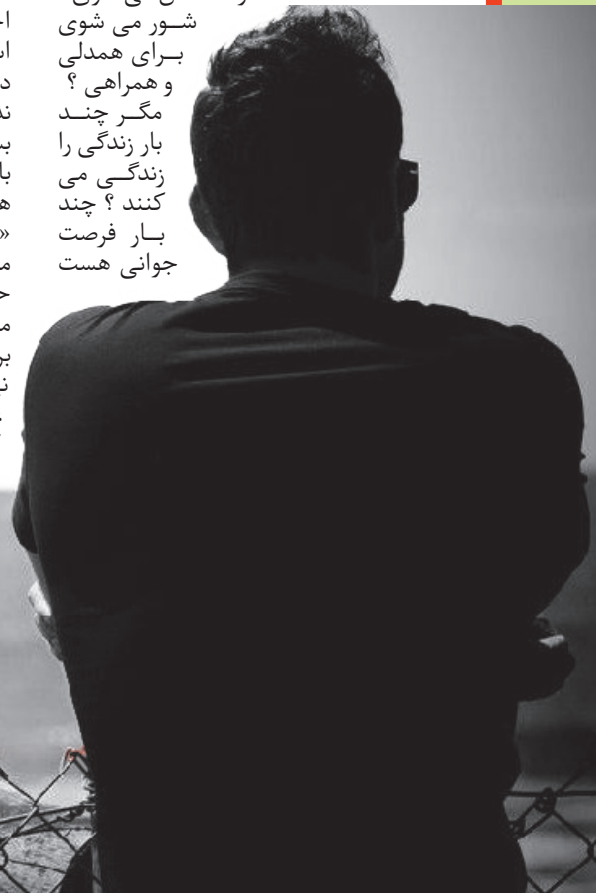
نکند لحظه ای به خود آییم که دریابیم چه قدر دیر شده است .

درهم یا کلوا و یتمتعوا و یلههم الأمل فسوف یعلمون (آیه سوره حجر / آیه ۳)  
بگذارشان بخورند و خوش باشند و مشغول آرزوهایشان باشند که به زودی خواهند فهمید .

طول و عرض زندگی مان را که اندازه بزنیم ، برای یک قطره لطف الهی هم جا ندارد . چه برسد به دریای موج و فیاض رحمت برکاتش . اما اندازه مان هر چه قدر باشد وقتی ضریب آن خدا می شود ، وسعت می یابد و کلان می شود و آن قدر عظیم ، که می تواند ، دنیا را هم در خودش جا دهد و این همان نشانه ی مردان و زنان خدایی است .

هر که هستی ، هر چه هستی ؛ باش . مهم جایگاه تو در دنیا نیست . شعاع عمل و فعل توست به آن سوی خودت . به آن سوی هستی است .

ممکن است نقش تو ؛ نقش یک معلم در روستا باشد . نقش یک آهنگر در بازار . نقش یک کارگر در کارخانه . نقش یک کاسب در یک محله . نقش یک پرستار ، یک پزشک ، یک روان درمانگر و مشاور ، یک دربان در بیمارستان . نقش یک سرباز ، یک افسر ، یک فرمانده در مرزها ، پادگانها . نقش یک چوپان ، یک گله دار و بیابان گرد ، در کوه و صحرا . نقش یک همسر ، فرزند ، دوست ، همکار ... هر چه و هر کجا که می خواهی باش ، ولی می توانی از همان جا در همه ی هستی گسترش پیدا کنی . شاخص شوی .



الگویی برای دیگران و معیار حیات و حرکت . مشکل آدم های امروزی ، جا به جایی « هدف و وسیله » است . آن چه را امروز به عنوان متاع دنیوی ، رفاه و آسایش به دست می آورند ، ابزاری است در خدمت انسان برای رسیدن به هدف متعالی . برای تجلی و ظهور انسان کامل ... سرعت و قدرت مبهوت کننده ی تکنولوژی چنان سرگرم و دل مشغولمان کرده است که هر روز از این حقیقت ، دورتر می شویم .

یادمان باشد که نیامده ایم در این دنیا تا بیشتر بخوریم . بیشتر بیاندوزیم . بیشتر رفاه داشته باشیم ( آنها هم با خون بهای مظلومی ) ولی آمده ایم که دست کسی را بگیریم . همدل شویم . همدرد شویم . همراهی کنیم . راه بنماییم . کار کنیم . گره باز کنیم . از چهره ای اشک بزدايیم . رنجی را پایان دهیم . دلی به دست آوریم . خانه ای را رونق دهیم . آرامش فراهم کنیم . خدا را بندگی کنیم . الگو شویم ... ایثار کنیم - یعنی عبور کنیم از خودمان ، به سمت بی نهایت - این رسالت ماست در هستی ؛ اصلاح کنیم بین مردم را ، آباد کنیم قلبها و اندیشه ها را و گسترش دهیم معروف را و نهی کنیم منکر را ... تا زمینه ی حکومت شرافت آدم مهیا شود . متداول است که می گویند فصل پاییز ، آغاز تحصیل دانش است و بازگشایی مدرسه ، دانشگاه و مراکز آموزشی . اما همه ی فصول سال می تواند آغازی باشد برای تحصیل در اندیشه و تفکر ، همه ی لحظه ها ، می تواند

بازگشایی دریچه ی قلب آدمی باشد به روی مردم و کارهای خوب ، همدردی و ایثار . امروز ، فصل بیداری است . فصل آگاهی . فصل روشننگری و بروز ارزش هاست . جامعه ای که نداند صلاحش چیست ، راه شکوفایی را گم کرده است و بعید نیست که تن به هر خفت و ذلتی بدهد . در مدرسه ی عشق ؛ خودآگاهی ، درس نخستین است . همدلی و همراهی ، نتیجه ی آن است . اصلاح بین مردم و آرامش ( نه آسایش ! ) جلوه ی نهایی این باور است .

سید الشهداء (ع) در لحظه ی هجرتش از مدینه در بخشی از آن وصیت نامه ای که به برادرش محمد بن حنیفه می نویسد ، تأکید می کند که ؛ « انی لم اخرج اشدا و لا بطرا و لا مفسداً و لا ظالما ، انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی . ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و السیر بسیره جدی و ابی » بحارالانوار ، علامه مجلسی ج ۴۴ ص ۳۲۹ ؛

همانا من برای سرکشی و خود پسندی و تکبر و فساد کردن و ظلم نمودن خارج نشدم [قیام نکردم] . و به تحقیق که من برای اصلاح و درست کردن [کارها] در میان امت جدم قیام کردم و می خواهم به نیکی سفارش و از بدی نهی کنم و مطابق سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب علیهم السلام رفتار می نمایم .

اگر روح امر به معروف و نهی از منکر در ملتی ، بمیرد ؛ به یقین آن جامعه روح صلاح و

آرامش را نخواهد یافت . منطبق تربیت دینی و الهی ، حکم می کند که فرزندانمان را به سمت همدلی و همراهی هدایت کنیم و این مهم میسر نمی گردد مگر آن که مفاهیم بلند ایثار را به آنان یاد دهیم .

ابا عبدالله حسین (ع) مظهر تجلی یافته ی این مفهوم در بلندای هستی است . مگر می شود از ایثار سخن به میان آورد و از کربلای حسینی (ع) سخن نگفت ؟ مگر می شود از وفای به عهد حرف زد و از علقمه و عباس ابن علی (ع) کلامی بر زبان نرانند ؟ مگر می شود از شکوه صبر و استقامت تعبیری داشت بدون زینب کبری (ع) .

گزافه نیست اگر بگویم که ظهور و شناخت هستی ، در گرو معرفت به امام شهید مظلوم تشنه کام است . بی او ، رنج بیهوده است و با او ، هر رنجی ، گنج است . نور محبت سالار شهیدان (ع) که به میدان زندگی آدمی پرتو می اندازد ، تمام زندگی منور می شود . معنا می گیرد . رنگ و جلوه پیدا می کند .

و در یک کلام ؛ عاشورا تجلی همه ی هستی بود و خلق صحنه ی بدیع برای هدایت همه ی انسان های آزاده . هر کس که خود را به کربلا برساند ، رستگار می شود و آنان که نرسیدند و یا از آن گذشتند ، برای همیشه اسیر و بی چاره و آواره ی دنیایند .

اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد (ص) و مماتی ممات محمد و آل محمد (ص)



○ آن‌هایتا خلیلی پور

## زینب (س) چهره‌ی ماندگار عاشورا

بیعت کردند. چهارمین کودکی که با پیامبر بیعت کرد، عبدالله بن جعفر طیار است. همچنین عبدالله در بین بنی‌هاشم از چند جهت با خانواده‌ی محترم شهیدان نسبت داشته است.

عبدالله بن جعفر در ایام خلافت حضرت علی (ع) یکی از کارگزاران آن حضرت بود و پست کتابت داشت و از فرماندهان سپاه حضرت در جنگ صفین بود.

او با تمام این صفات نیکو توانست لایق همسری حضرت زینب (س) شود. با در نظر گرفتن پیشینه و نحوه‌ی انتخابشان جهت همسری دخت حضرت امیر، مطرح کردن شروط ضمن عقد مبنی بر اینکه حضرت زینب (س) روزی یک بار به دیدار برادرش حسین (ع) برود و دیگر آنکه هرگاه حسین (ع) خواست به سفر برود، عبدالله اجازه دهد زینب (س) هم با حسین (ع) همراه شود و مانع وی نشود، امری به دور از شأن و منزلت هردو سو به نظر می‌رسد؛ چرا که چنین انسان‌های بزرگ و ارجمندی که موفق به دریافت مدال افتخار انسانیت شده‌اند و بر قله‌ی رفیع شکوه و جلال ایستاده‌اند، می‌دانند هدف

چیست و در راه اهدافشان جانفشانی می‌کنند.

چه نیازی به شرط ؟

ضمن

د ر

پس چرا باید فعالیت‌های حضرت زینب (س) کم رنگ شود و همه ایشان را فقط به مادر مصائب بودن بشناسند؟ آنچه واضح است اشتباه غیر عمدی سنت‌گرایان و مورخان نسک‌گراست که آشکارا با تأکید بر نوع ازدواج و اینکه ایشان به صرف علاقه‌ی خویشاوندی قدم در راه کربلا گذاشته‌اند، قدرت تصمیم‌گیری را از ایشان سلب کرده‌اند.

به دلیل حساسیت بالایی حکومت وقت و مظلوم واقع شدن این خاندان، که در دوران معاویه و یزید، ذکر نام این خاندان و عبور از کوچه‌ی منسوب به آنها جرم حساب می‌شده، ثبت وقایع دقیق به دست تاریخ‌نگاران ممکن نبوده است. حتی بعد از عاشورا، در دوران نامانی و درگیری فرقه‌ها و حکومت‌ها و بی‌ثباتی شرایط و درگیری‌های محلی، انتظار نمی‌رود که زندگی خصوصی حضرت زینب (س) پیگیری شود و نامعلوم بودن مکان اصلی دفنشان شاهدهی بر این مدعاست.

اما رشد حضرت در بهترین محیط خانوادگی از حقیقت‌های انکارناپذیر است و به شهادت تاریخ در امر ازدواجشان هم، همسرشان از زوایای مختلف مورد تأیید بوده است. آنچه از همسر ایشان می‌دانیم، انتخاب ایشان از میان خواستگاران متعدد است و شرایط اجتماعی و اصالت خانودگی‌شان مد نظر بوده؛ عبدالله بن جعفر از آغاز جوانی به داشتن اخلاق نیک و ایمان شهرت یافته بود، به گونه‌ای که در بین مسلمانان از احترام خاصی برخوردار بود. او از معدود افرادی است که در کودکی با پیامبر اسلام (ص) بیعت کردند.

اولین کودکی که با پیامبر (ص) بیعت کرد حضرت علی (ع) بود. سپس امام حسن (ع) و امام حسین (ع) با پیامبر خدا (ص)

تاریخ، فعالیت زنان مسلمان را در عصر نبوی در محور و جریان‌های مباحثات و مسائل اجتماعی نشان می‌دهد؛ پس چرا باید فعالیت‌های حضرت زینب (س) کم رنگ شود و همه ایشان را فقط به مادر مصائب بودن بشناسند؟ آنچه واضح است اشتباه غیر عمدی سنت‌گرایان و مورخان نسک‌گراست که آشکارا با تأکید بر نوع ازدواج و اینکه ایشان به صرف علاقه‌ی خویشاوندی قدم در راه کربلا گذاشته‌اند، قدرت تصمیم‌گیری را از ایشان سلب کرده‌اند.

در اسلام، حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی با رعایت اصول معاشرت سالم و صحیح و دور از فتنه و فساد و ارزش‌گذاری بر جایگاهشان از دیر باز مورد بحث و گفتگو بوده است. در مروری بر منابع تاریخی، آنجا که پای بزرگان دین به میان کشیده می‌شود، اختلاف رأی‌های بی‌شمار به چشم می‌خورد. بارها شنیده‌اید تفکر مشکل‌ترین کار دنیاست؛ اما اندیشیده‌اید چرا؟ شاید بی‌تفاوتی نسبت به تاراج رفتن فرهنگ و سنتی که در گذر زمان شاهد آن بوده‌ایم الگوی ذهنیمان را انقدر کسل و تنبل کرده که دیگر کند و کاو در شرایط اجتماعی حاکم بر دوران اولیه‌ی اسلام و تاریخ مرتبط با زنان آن دوران برایمان جذابیت ندارد و به راحتی هر آنچه در مورد بزرگان دینی می‌شنویم، می‌پذیریم و حتی بر اساس آنها افسانه‌سرایی می‌کنیم.

بی‌شک، حضرت زینب (س) به عنوان شیرزن واقعه‌ی کربلا با روحیه‌ای مثال‌زدنی که تکیه‌گاه خاندان نبوت شده بودند، برای همه شناخته شده هستند؛ اما چرا داستان‌هایی در مورد ازدواج یا مهریه یا سکون فعالیت‌های اجتماعی‌شان مطرح می‌شود و ارزش والای تدبیر و علمشان را به جبر زمانه نسبت می‌دهند؟ در حالی که گذری بر کتب تاریخی، فعالیت زنان مسلمان در عصر نبوی در محور و جریان‌های مباحثات و مسائل اجتماعی را نشان می‌دهد.



تاریخ هیچ نقلی از چنین شرطی وجود ندارد.

سکوت تاریخ در مورد دلیل همراهی حضرت زینب با امام حسین (ع) به گمانه زنی‌های مختلف دامن زده است و اطاعت از امام زمان دستخوش داستان‌سرایی شده است. از جمله بخش‌های مهم زندگی حضرت سفرهای ایشان است که هر یک در نوع خود نکات ریزی برای بررسی دارد. اولین سفری که برای ایشان ثبت شده است، سفر به کوفه همراه پدر، برادران، همسر و فرزندانشان در زمان زمامداری حضرت علی (ع) بوده است. این اقامت تا شش ماه بعد از شهادت پدر به طول می‌انجامد. ایشان بعد از امضای قرارداد صلح بین معاویه و امام حسن (ع) به همراه خانواده و برادرانشان به مدینه بازگشتند و تا زمانی که امام حسین (ع) امامت را عهده دار شدند در مدینه ماندند؛ اما هنگامی که امام حسین (ع) قصد خروج از مدینه را داشتند تا در مقابل نفاق افکنان بی‌تفاوت نمانده باشند، باز هم همراه خانواده به همراهی امام برخاستند.

در ادامه این سفر و تصمیم حضرت مبنی بر سفر به سمت عراق مسئولیت الهی خود را از یاد نبردند. همسرشان بنا به دلایلی نمی‌توانستند همراهشان باشند؛ بنابراین به همراه پسرانشان محمد و عون راهی می‌شوند. از زینب (س) با آن همه فراست و دانایی و پختگی اندیشه‌ایمانی، نباید غیر از این انتظار داشت. زینب (س) در شهر دانش پیامبر پرورش یافته و از علم و معنویت علی (ع) و فاطمه (س) بهره‌مند شده است. پس می‌داند همراهی با امام و برادرش ضروری است تا در صورت بروز جنگ و خشونت همگان بدانند هدف دسترسی به قدرت نبوده و فلسفه قیام حفظ اسلام است نه

دستیابی به قدرت؛ چرا که برای دسترسی به قدرت، همراه بردن خانواده بیهوده به نظر می‌رسد. زینب (س) در این همراهی اصالت و حقانیت هدف الهی را بر همگان آشکار کرد. او با محبت نامحدود به برادر و ایمان به خدا انگیزه همراهی خود را برای همگان روشن کرد.

همراهی زنان اهل بیت با امام حسین (ع) بر اساس اندیشه و تدبیر و نه فقط احساس بوده است. امام می‌دانستند در صورت شهادتشان، زنان آزاده اهل بیت در سفر اسارت در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف به تبیین علت و فلسفه قیامش خواهند پرداخت و خون امام هدر نخواهد رفت و انگیزه قیام و سیاست و اندیشه‌های عمیق انقلابش برای همگان روشن خواهد شد.

خطبه تاریخی حضرت در مجلس یزید هم نشان از حرکت عقلایی و تاکتیک کوبنده ایشان است به گونه‌ای که زبان یزید در کام محبوس می‌گردد و کسانی که در مجلس حضور داشتند از شهامت حضرت حیرت زده شدند. حضرت زینب این خطبه را در شام و در مجلس یزید و در بین کارگزاران حکومتی او ایراد نموده و در این خطبه برخلاف خطبه کوفه که مخاطب آن به طور مستقیم مردم بودند به یزید حمله می‌کند و تصویری از نبرد حق و باطل و رویارویی خاندان نبوت با خاندان اموی ارائه می‌کند در نهایت شکاف بزرگی میان هویت امویان با خاندان نبوت ترسیم می‌کند. در این خطبه آگاهی بخشی حضرت زینب کاملاً فنی و پیچیده و شگفت‌آور است زیرا یزید فردی فاسق، جاهل و ناشایست است که به زور ارباب، سیادت و رهبری جامعه اسلامی را غصب کرده است پس هویت قانونی امویان را برملا می‌سازند.

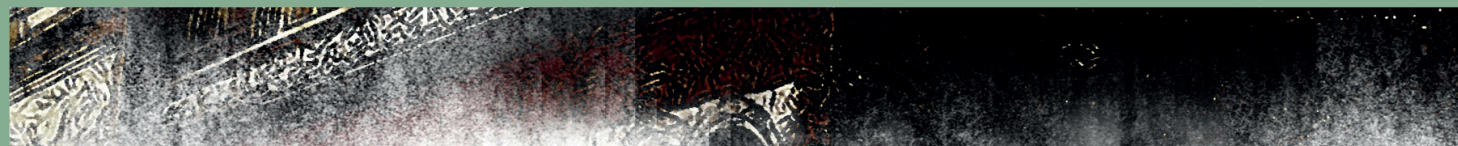
حضرت زینب با ذکر عباراتی مثل «یا ابن الطلقاء» (ای پسر آزادشده‌ها) هشدار می‌دهد که در واقع پیامبر از خون ابوسفیان در گذشت و او اسلام را پذیرفت و آزادش کرد و اگر این کار را نمی‌کرد، از ابوسفیان و اخلافش هیچ نشانی در تاریخ نبود. با گذشت چهارده قرن از نطق حضرت در مجلس یزید حیرت مورخین از اینکه چگونه یزید فرمان قتل حضرت را صادر نکرده

، پا برجاست و علیرغم

اینکه مورخین اهل سنت سکوت یزید و خودداری از قطع نطق ایشان را دلیلی بر پشیمانی یزید از قتل امام حسین میدانند شواهد تاریخی خلاف این امر را نشان داده و تنها حمایت خداوند از حضرت توجیه کننده این امر می‌باشد.

زیرا یزید، تحت تاثیر دو نیروی متضاد خواسته درونی و نفسانی اش و دیگری وجدان سرزنشگرش بوده و به گواهی تاریخ، شخصیت یزید فاقد عمق انسانی لازم بوده و یزید فردی بوده که دارای بینشی ضعیف و روحیه ایی گستاخ و بی پروا بوده و رفتارهای او پس از قتل حسین (ع) و به اسارت در آوردن خانواده اش متعادل نبوده و مانند کسی رفتار می‌کرده که عقل و عاطفه اش را از دست داده و در وضعیت سیاهی که خود ایجاد کرده بوده دست و پا می‌زده است؛ به گونه ایی که با اسرا به نرمی برخورد می‌کرده و از روی تملق به پوزش خواهی متوسل شده تا شاید بتواند افکار عمومی را آرام کند. بر اساس گزارش نفس المهموم حتی امام سجاد را به نزد خود خوانده و به ایشان می‌گوید: اگر میخواهید در شام نزد من بمانید، اگر نه، می‌توانید به مدینه باز گردید؛ اما سفیر کربلا با زکات خواستار برگزاری مراسم عزاداری و سوگواری برای امام حسین (ع) می‌شوند و اینگونه اولین مجلس عزاداری برای شهید را برقرار کردند.

رسایی و اصالت خطبه حضرت آنقدر بوده که نقطه عطف جنبشهای استمرارگر و دنباله رو انقلاب امام حسین (ع) گشت. رویارویی حضرت با یزید و خطبه غرایشان رویدایی ست که با حرفی از نور در تاریخ بشریت ثبت شد و پادزهری گردیده برای وجدانهایی که با تبلیغات گمراه کننده مسموم شده اند. به گواهی تاریخ بعد از نطق حضرت، گروههای مختلف به خونخواهی امام برخاستند و پایه های حکومت اموی چنان متزلزل شد که بعد از مرگ یزید، پسرش معاویه از خلافت استعفا داد و گفت من لیاقت خلافت را ندارم. شورش مردم مدینه به سرکردگی افراد حاضر در مجلس یزید هم مدعای دیگری است بر تاثیر گذاری خطبه حضرت.



# میگرن و رابطه آن با تشعشعات و سائل الکترونیکی

تحقیقات نشان می‌دهد استفاده از ابزارهای هوشمند را باید به لیست عوامل محرک میگرن اضافه کرد. اختلال شدیدی که با سردرد های پی‌پی ملایم و یا شدید در یک طرف سر آغاز می‌شود، ضربان دار است و گاه با حالت تهوع، استفراغ، نور گریزی، صداترسی و ... در افراد بروز می‌کند، اختلالی که از عوامل محیطی و ژنتیکی نشات می‌گیرد و برخی تحقیقات و منابع نشان می‌دهد علاوه بر عوامل محرکی چون رژیم غذایی، اضافه وزن، بو و ... تشعشع وسایل الکترونیکی و ابزارهای هوشمند نیز بر تحریک آن موثر هستند، اختلالی که بسیاری از افراد را درگیر خود کرده و به میگرن مشهور است.

همانطور که گفته شد یافته‌ها نشان می‌دهد تشعشعات و سائل الکترونیکی و هوشمند همچون موبایل، تبلت، لپ‌تاپ و تلویزیون های هوشمند می‌توانند بر تحریک میگرن در افرادی که زمینه این بیماری را دارند اضافه کنند و

برای برخی نیز شاید شرایط بروز سردردهای میگرنی را بوجود آورند.

این مساله زمانی بروز می‌کند که شما با غرق شدن در فضای گوشی‌های هوشمند خود و استفاده از برنامه‌های متنوعی که این ابزار در اختیار شما می‌گذارند فراموش می‌کنید که چه مدت زمانی را به گوشی‌های هوشمند خود خیره شده اید و یا به یک نمایشگر نگاه می‌کنید، گاه فقط می‌خواهید چند پیام کوتاه را بررسی کنید اما به دلیل خاصیت اعتیاد آور این ابزارها و اتصال آن

به اینترنت بعد از مدتی متوجه می‌شوید چند

ساعتی درگیر این ابزارها بوده اید. برخی افراد با نادیده گرفتن وعده های غذایی خود، عدم توجه به خواب کافی، خستگی چشم در اثر افراط در استفاده از گوشی های همراه و عدم بهره گیری از یک الگوی مناسب برای استفاده از ابزارهای هوشمند شرایط تحریک و شکل گیری میگرن را برای خود به وجود آورند و با نادیده گرفتن شرایط مطلوب برای زندگی به صورت غیر مستقیم احتمال حملات میگرنی را در خود افزایش می‌دهند. همچنین برخی دیگر پس از اینکه دچار استرس می‌شوند که خود یکی از عوامل شایع تحریک و ایجاد میگرن در افراد است به سراغ ابزار هوشمند می‌روند و به دلیل اینکه در این حالت احتمال استفاده از این ابزار بیش از حد مجاز خواهد بود، شرایط حملات میگرنی را در خود فراهم می‌کنند.

## مقیاس سنجش ارتباط نمایشگرها با میگرن

مطالعات نشریه عصب شناسی با نام Cephalalgia که در انگلستان منتشر می‌شود پیرامون ارتباط میگرن و مدت زمان استفاده از نمایشگرها شامل گوشی های هوشمند، تبلت، لپ‌تاپ، صفحه نمایشگرهای شخصی و تلویزیون ها نشان از ارتباط ایجاد زمینه بروز این اختلال در سر و میزان استفاده از نمایشگرها دارد.

برای اندازه گیری ارتباط یاد شده مقیاسی شش نمره ای در نظر گرفته شده که عدم استفاده از نمایشگر نمره صفر، استفاده کمتر از ۳۰ دقیقه، نمره یک، ۳۰ دقیقه تا دو ساعت نمره دو، دو تا چهار ساعت نمره سه، چهار تا هشت ساعت نمره چهار و بیشتر از هشت ساعت نمره شش را به خود اختصاص می‌دهد و هر چه مدت زمان استفاده از نمایشگرها افزایش یابد احتمال حملات میگرنی در افراد نیز تشدید خواهد شد، هر چند این رخداد در افراد متفاوت است اما تحقیقات نشان داده یکی از عوامل بروز و تشدید، نمایشگرها و ابزارهای هوشمند خواهند بود.

البته باید یادآور شد که استفاده بدون برنامه ریزی از موبایل ها و تبلت ها و در اصطلاح رها شدن در فضای اینترنت و شبکه های اجتماعی علاوه بر بروز و تحریک میگرن مشکلات پزشکی و بهداشتی فراوانی را با خود به همراه دارد، گزارشات تیم های تحقیقاتی امریکا نشان می‌دهد آلودگی موبایل ها با آلودگی فضای سرویس های بهداشتی برابر است و در ۹۵ درصد از





اوقات احتمال انتقال مستقیم بیماری های میکروبی و ویروسی وجود دارد.

همچنین علاوه بر مشکلات یاد شده، بیماری های چشمی، آسیب به ستون فقرات، اختلال در خواب، اختلال در مکانیزم عصبی، انزوا و .. را به این لیست بیافزایید.

این بیماری ها به عقیده روانشناسان و جامعه شناسان با دسترسی های غیرهدفمند، کنترل نشده و خارج از عرف علاوه بر بزرگسالان تهدیدی جدی برای کودکان و نوجوانان محسوب می شود و این گروه های سنی حساس را با اختلالات رشدی مواجه می کند.

بارها در گزارش های متعدد از نحوه کنترل کودکان و نوجوانان در فضای مجازی و تهدیدات این گروه های سنی سخن به میان آمده است، گروه های سنی که متأسفانه بدون مدیریت اینترنت در اختیار دارند و از شبکه های اجتماعی که مناسب سن آنها نیست استفاده می کنند و بسیاری از اوقات خود را به بازی های رایانه ای آنلاین و آفلاین می گذارند، بازی هایی که حرکت، هیجان، تنوع، درگیری بخش های مختلف مغز، هماهنگی دست ها، خشونت، تحریک عواطف و احساسات، یادگیری کارهای گروهی، افزایش بهره هوشی و بسیاری مولفه دیگر را در خود گنجانده است.

#### تاثیر گوشی های هوشمند بر میگرن

محدود نبودن شرایط استفاده از ابزارهای هوشمند برای گروه های سنی مختلف که باید بر اساس سن، جنسیت، موقعیت اجتماعی و مولفه های دیگر در اختیار افراد قرار گیرد موجب شده تا علاوه بر آسیب های پزشکی و سلامت، آسیب های اجتماعی و هویتی نیز آرام آرام بروز کنند و زندگی فردی و اجتماعی افراد را تحت الشعاع قرار دهند.

این روزها برای یافتن میزان نفوذ و همه گیری استفاده از ابزارهای مدرن و هوشمند نیازمند آمار و ارقام نخواهیم بود، چشم بگردانیم این فراوانی را خواهیم دید، همه ما تجربه استفاده از فضای شبکه های اجتماعی و اینترنت را به هر دلیلی داریم و نکته قابل توجه اینکه از مضرات استفاده بی حد و غیرمنضبط این فضا نیز آگاه هستیم و همه می دانیم باید برای حضور در این فضا زمانبندی داشته باشیم، برنامه ریزی برای یک زندگی سالم بر عهده خودمان است.

#### یک ماه شبکه های اجتماعی را ترک کنید!

انجمن سلطنتی سلامت عمومی انگلیس از کاربران شبکه اجتماعی خواسته که در یک ماه میلادی (سپتامبر) کمتر در شبکه های

عمومی، نیمی از کاربران ۱۸ تا ۳۴ ساله گفته اند ترک یکباره شبکه های اجتماعی تاثیر مثبتی بر خواب آنها داشته و روابط آنها را در دنیای واقعی بهتر کرده است. حدود نیمی از این افراد (۴۷ درصد) هم معتقد بودند که این کار در کل برای سلامت آنها سودمند بوده است.

"شرلی کرامر" از انجمن سلطنتی سلامت عمومی می گوید: هرچند شبکه های اجتماعی با متصل کردن آدم ها به یکدیگر، توانایی زیادی برای تاثیر مثبت بر سلامت روان و احساس رضایت از زندگی دارند اما برای بسیاری از جوانان تاثیر آن در مجموع زیان آور بوده است.

#### سرتان در موبایل نباشد

به گزارش بی بی سی، در این کمپین توصیه شده که اگر ترک کامل اعتیاد از شبکه های اجتماعی برای بعضی ها خیلی سخت است، آنها سعی کنند که میزان استفاده خود را محدود کنند.

توصیه هایی که برای کم کردن وقت گذرانی در شبکه های اجتماعی در این کمپین مطرح شده است:

- وقتی در مراسم و مناسبت های اجتماعی شرکت می کنید به هیچ عنوان از شبکه های اجتماعی استفاده نکنید
- بعد از ساعت ۶ بعد از ظهر از شبکه های اجتماعی استفاده نکنید
- اکانتهای شخصی را در محل کار یا مدرسه چک نکنید
- شبکه های اجتماعی را قبل از خواب و در رختخواب ممنوع کنید

منبع: ایسنا

اجتماعی وقت بگذرانند. مخاطبان این کمپین که "سپتامبر بدون شبکه های اجتماعی" (Scroll Free September) نام دارد، کاربران شبکه های اجتماعی مانند فیسبوک، اینستاگرام، توییتر و اسنپ چت هستند.

کارشناسان این انجمن معتقدند که دوری از این شبکه های اجتماعی باعث بهبود کیفیت خواب، روابط انسان ها و حس سلامت و خوشی می شود.

خدمات بهداشت و درمان ملی انگلیس (ان اچ اس) از برجسته کردن نقش رسانه های اجتماعی در افزایش مشکلات روانی در جوانان حمایت کرده است.

در این کمپین از معنادان به شبکه های اجتماعی خواسته شده که گوشی های موبایل خود را کنار بگذارند و کمتر در شبکه های اجتماعی فعالیت کنند.

سال گذشته میلادی، انجمن سلطنتی سلامت عمومی در تحقیقی از حدود ۱۵۰۰ نفر در سنین ۱۱ تا ۲۵ سال خواست تا خلق و خوی خود را در زمان استفاده از پنج شبکه اجتماعی محبوب شان ثبت کنند. براساس نتیجه این تحقیق به نظر می رسد، دو شبکه اجتماعی اسنپ چت و اینستاگرام بیش از همه بر اضطراب و خودکم بینی افراد تاثیر داشته است. در این بررسی از هر ۱۰ نفر، هفت نفر گفته بودند که اینستاگرام باعث شده که تصویر خیلی بدی از بدنشان داشته باشند و نیمی از شرکت کنندگان ۱۴ تا ۲۴ ساله گفتند که اینستاگرام و فیسبوک حس اضطراب را در آن ها تشدید کرده است. همچنین دو سوم از شرکت کنندگان هم گفتند که فیسبوک خشونت آنلاین را افزایش داده است. بر اساس یافته های انجمن سلطنتی سلامت

# راهکارهای ساده برای تعادل فشار خون

این است که به ندرت باعث بروز علائم می شود. این قضیه به این معناست که ممکن است تا زمانی که یکی از عوارض آن مانند سکتة قلبی یا مغزی بروز نکند، فرد از بیماری خود اطلاع پیدا نکند.

با این وجود خون دماغ و قرمزی صورت می تواند نشانه ای از فشار خون بالا باشد. فشار خون بالا می تواند باعث بروز این علائم شود: سردرد، خواب آلودگی، سردرگمی، کما.

فشار خون بالا عوارضی مانند آترواسکلروز (تنگ شدن عروق)، آنوریسم، سکتة مغزی، حمله قلبی، نارسایی قلبی (کاهش توانایی پمپاژ خون توسط قلب)، نارسایی کلیه و آسیب دیدن چشم را می تواند ایجاد کند.

## علل فشار خون بالا چه چیزهایی هستند؟

علت فشار خون بالا در بیش از ۹۵ درصد موارد ناشناخته است. این نوع فشار خون را "فشار خون اولیه" می نامند. در ۵ درصد باقی مانده یک علت زمینه ای باعث بروز فشار خون می شود که در این حالت به آن "فشار خون ثانویه" گفته می شود.

## برخی از علل فشار خون ثانویه عبارتند از:

بیماری های مزمن کلیوی، بیماری در عروق خونی کلیه ها، مصرف بیش از حد الکل، اختلالات هورمونی و تومور غدد درون ریز

## عوامل افزایش دهنده خطر ابتلا به فشار خون بالا چه چیزهایی هستند؟

هر کسی می تواند به فشار خون بالا مبتلا شود اما عوامل زیر می توانند خطر ابتلا به فشار خون بالا و یا خطر بروز عوارض ناشی از فشار خون بالا را بیشتر کنند: سابقه خانوادگی، چاقی، دخانیات،

دیابت نوع ۱ یا ۲،

بیماری های

کلیوی، مصرف

بیش از حد الکل،

مصرف بیش از

حد نمک، ورزش

نکردن و برخی

از دارو ها مانند

استروئیدها

## چه مقدار فشار خون را فشار خون بالا می نامند؟

با افزایش سن، به دلیل کاهش خاصیت ارتجاعی شریان ها، احتمال ابتلا به فشار خون بالا بیشتر می شود. لذا سن افراد یک فاکتور اساسی برای تعیین بالا بودن فشار خون افراد محسوب می شود.

به طور کلی افرادی که به طور مداوم فشار خون سیستولیک آنها بالای ۱۴۰ میلی متر جیوه و یا فشار خون دیاستولیک آنها بالای ۸۵ میلی متر جیوه باشد نیاز دارند که برای کاهش فشار خون خود تحت درمان قرار گیرند.

افرادی که در معرض خطر ابتلا به بیماری های قلبی و عروقی مانند سکتة مغزی یا آنزین صدری قرار دارند ممکن است با فشار خون پایین تر (۱۳۰ تا ۱۴۰ میلی متر جیوه فشار سیستولیک و ۸۰ تا ۸۵ میلی متر جیوه فشار دیاستولیک) نیز تحت درمان قرار بگیرند.

## علائم فشار خون بالا چه چیزهایی هستند؟

یکی از بزرگترین مشکلات فشار خون بالا



خون دماغ و قرمزی صورت، سردرد، خواب آلودگی، سردرگمی و کما از علائم فشار خون بالا هستند. قلب مانند یک پمپ، طراحی شده است که خون را در داخل بدن ما به گردش در می آورد. خون از طریق شریان ها به عضلات و اندام های ما پمپ می شود. پمپ ها از طریق تولید فشار کار می کنند. به عبارت ساده تر، تولید فشار بیش از حد، باعث وارد آمدن فشار به خود قلب و عروق می شود. این حالت می تواند باعث نارسایی قلبی و یا پاره شدن یکی از سرخرگ ها شود.

فشار خون بستگی به ترکیبی از دو عامل دارد: قلب با چه فشار و نیرویی خون را در داخل بدن به گردش در می آورد و شریان ها به چه میزان تنگ یا سفت شده باشند. فشار خون بالا زمانی رخ می دهد که خون مجبور باشد با فشاری بیشتر از داخل سرخرگ ها حرکت کند. در حدود ۱۰ میلیون نفر در بریتانیا به فشار خون بالا مبتلا هستند (تقریباً یک پنجم از جمعیت بریتانیا)

## فشار خون طبیعی چقدر است؟

فشار خون به کمک دو عدد اندازه گیری و بیان می شود. به عنوان مثال گفته می شود که "فشار خون ۱۲۰ روی ۸۰" یا "فشار خون ۱۲ روی ۸".

عدد اول فشار خون سیستولیک است که نشان دهنده ی حداکثر فشار خونی است که بر اثر ضربان قلب در شریان ها به وجود می آید. عدد دوم فشار خون دیاستولیک است که نشان دهنده ی حداقل فشار خون موجود

در شریان هاست و زمانی

را نشان می دهد که

قلب در حال استراحت

و پر شدن مجدد است.

واحد اندازه گیری فشار

خون "میلی متر جیوه

- mmHg" می باشد.

فشار خون طبیعی برابر

است با ۱۲۰ روی ۸۰

میلی متر جیوه.

### چه کاری می‌توانیم بکنیم؟

بعد از رسیدن به سنین میانسالی باید اطلاع دقیقی از قد، وزن، فشار خون و سطح کلسترول خود داشته باشد.

اگر سابقه خانوادگی فشار خون بالا دارید باید حتماً به صورت منظم فشار خون شما چک شود. در این حالت، درمان فشار خون شما قبل از بروز هر گونه عوارضی می‌تواند شروع شود.

سبک زندگی خود را تغییر دهید: دخانیات را ترک کنید، وزن کم کنید، به صورت منظم ورزش کنید، یک رژیم غذایی متنوع داشته باشید، مشروبات الکلی مصرف نکنید، مصرف نمک را محدود کنید، استرس خود را کاهش دهید. برای این کار می‌توانید از موقعیت‌های استرس‌زا دوری کنید و یا اینکه تکنیک‌های تمدد اعصاب را فرا بگیرید. این عوامل باعث کاهش فشار خون شما می‌شود.

اگر احساس می‌کنید فشار خون شما بالا است حتماً به پزشک مراجعه کنید. ممکن است لازم باشد به صورت منظم دارو مصرف کنید. به هیچ عنوان به صورت خودسرانه داروهای فشار خون را مصرف نکنید.

در حالی که رژیم غذایی سالم، حفظ وزن مناسب و ورزش کردن می‌توانند در کنترل سطح کلسترول موثر باشند اما در برخی از افراد لازم است که برای کاهش سطح کلسترول داروهای خاصی تجویز و مصرف شود.

### فشار خون بالا و تاثیر آن بر امید به زندگی

با درمان فشار خون بالا، خطر بروز عوارض آن کم شده و متوسط امید به زندگی تقریباً با افراد عادی برابر می‌شود. اما اگر فشار خون بالا درمان نشود، به دلیل افزایش خطر بروز عوارض ناشی از آن مانند نارسایی قلبی و سکته مغزی، امید به زندگی کاهش پیدا می‌کند.

قلب شما به همراه کلیه‌ها، لوزالمعده و مغز، تحت فشار خون بالا دچار آسیب‌های جدی می‌شوند. پرفشاری خون علاوه بر افت کیفیت زندگی، شما را در معرض ابتلا به بیماری‌های کشنده قرار خواهد داد و خوشبختانه این شرایطی است که می‌توان بر آن غلبه کرد.

اگر فشار خون شما بالاتر از ۸۰/۱۲۰ میلی‌متر جیوه است، و اگر بدن‌بنا راهکارهای ساده برای حفظ سطح سالم فشار خون خود هستید، بشقاب غذا یک راه عالی برای رسیدن به این هدف است. انتخاب ۶ نوع ماده غذایی گیاهی و مصرف آنها در روز به کاهش فشار خون شما در حد مطلوب کمک می‌کند.

گوجه‌فرنگی: حاوی مقادیر فراوانی لیکوپین است. این آنتی‌اکسیدان به طور قابل توجهی فشار خون را کاهش می‌دهد. همچنین غنی از کلسیم، پتاسیم، ویتامین‌های A، B و C بوده و دارای تمام مواد مغذی مورد نیاز برای جلوگیری از فشار خون است.

سیر: دارای خواص متعددی است که از لخته و ضخیم شدن رگ‌های خونی جلوگیری کرده و همچنین به آسانی با عوارض ناشی از فشار خون بالا مبارزه می‌کند.

کرفس: حاوی موادی به نام سالییدس است و موجب آرام و گشاد شدن ماهیچه‌های اطراف رگ‌ها می‌شود. با گشاد شدن رگ‌ها، خون با فشار کمتری حرکت می‌کند و فشار خون پایین می‌آید.

لوبیا: این ماده مغذی سرشار از فیبر، پتاسیم و منیزیم است و به حفظ سطح فشار خون سالم کمک می‌کند. افرادی که روزانه یک فنجان لوبیا و دیگر حبوبات را مصرف می‌کنند، شاهد افت فشار خون خود هستند.

کاکائو: مطالعات محققان استرالیایی نشان داده است که اضافه کردن کاکائو به رژیم غذایی می‌تواند به دلیل وجود فلاونول در آن به کاهش فشار خون کمک کند و عملکرد رگ‌های خونی را بهبود بخشد. محققان دانشگاه هاروارد نیز اعلام کرده‌اند که شکلات تیره به کاهش فشار خون در افراد مبتلا به فشار خون بالا کمک می‌کند.

موز: یک منبع فوق‌العاده از پتاسیم محسوب می‌شود و اثرات سدیم در افزایش فشار خون را خنثی می‌کند. بزرگسالان باید روزانه حدود ۴ هزار و ۷۰۰ میلی‌گرم پتاسیم دریافت کنند و یک موز متوسط ۱۲ درصد از این میزان نیاز را برطرف می‌کند.

سلامت نیوز





## خانه امام خمینی در نوفل لوشاتو

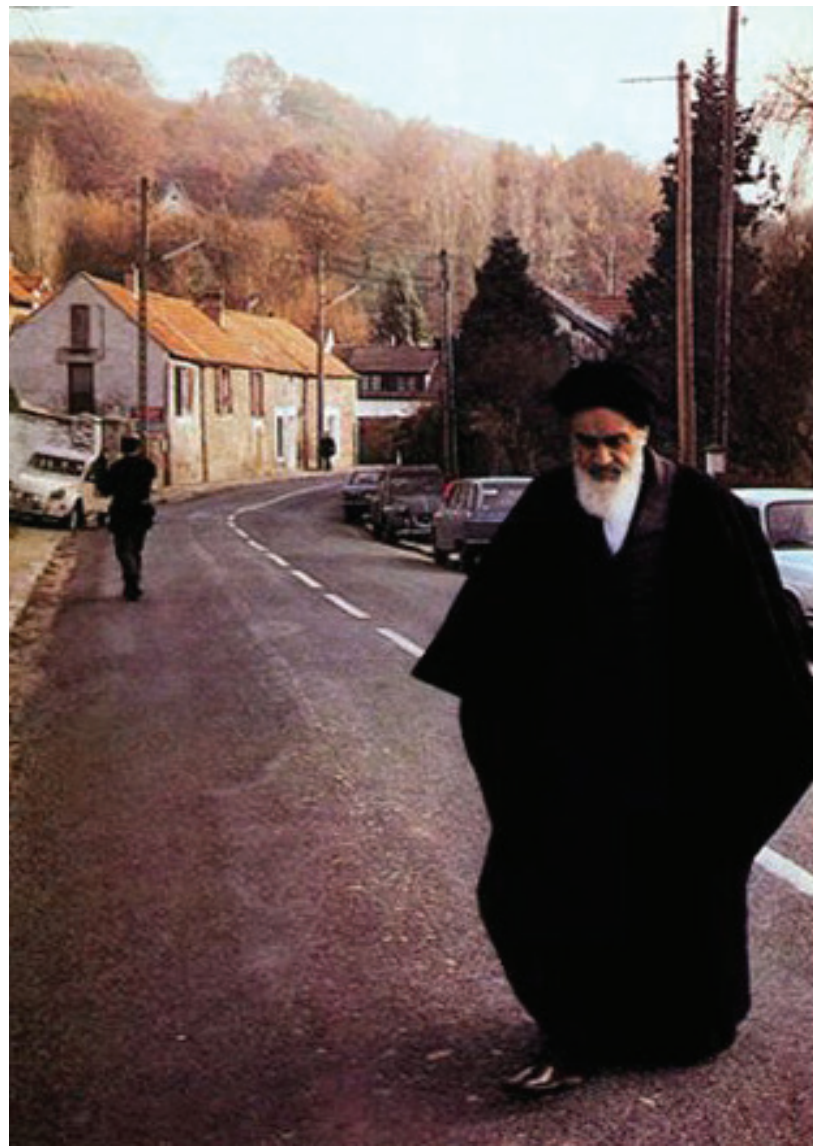
درباره نوفل لوشاتو چه می دانید؟ اطلاعات کافی دارید یا فقط اسمش را شنیدید؟ در هر دو حالت شاید جالب باشد که اطلاعات بیشتری درباره نوفل لوشاتو بدانید. چون قرار است در اینجا ۵ نکته جالب درباره نوفل لوشاتو را برای شما بگویم که شاید تا قبل از خواندن این مطلب آن را نمی دانستید. نام این روستا، روزگاری در صدر اخبار جهان بود. در مهر ماه سال ۵۷، زمانی که امام خمینی (ره) برای هدایت انقلاب اسلامی، تصمیم به خروج از عراق گرفت، دولت کویت با ورود ایشان مخالفت کرد و امام ناچار راهی فرانسه شد، چرا که در آن زمان، ایرانی ها و فرانسوی ها بدون ویزا می توانستند سه ماه در کشور میزبان زندگی کنند. برای همین، امام هم بدون تقاضای ویزا، عازم فرانسه شد و این کشور با اقامت ایشان در دهکده ای کوچک در حومه پاریس مخالفتی نکرد.

نوفل لوشاتو کانون خبری سراسر جهان  
امام خمینی در مدت زمانی که در نوفل لوشاتو حضور داشت، فریاد حق طلبی خودش را به گوش سرتاسر جهان رساند. به طوری که همه دنیا درباره نوفل لوشاتو و وجود امام آگاهی داشتند. امام خمینی از طریق خبرنگارانی که در محدوده نوفل لوشاتو بودند، صدای اعتراضات خود را به همه دنیا اعلام کرد. رژیم شاه هم به شدت از این کارهای امام عصبانی شده بود اما نمی توانست کاری انجام دهد. نوفل لوشاتو تبدیل به کانون خبری برای کل دنیا شده بود.

چهارصد ژاندرم در نوفل لوشاتو  
ژاندرام، قویترین بخش پلیس فرانسه را می گویند. در مدت زمانی که امام در نوفل لوشاتو بود، چهارصد ژاندرام در ۲۴ ساعت از امام محافظت میکردند. وقتی که امام می آمدند، ژاندرام ها خیابانها را می بستند. در فرانسه این کار جز برای رئیس جمهور انجام نمی شد! این چهارصد نفر در سه شیفت از امام محافظت می کردند. دولت فرانسه دخالتی در امور نداشت و فقط بحث محافظت و امنیت امام بود.

ویژگی های رفتاری امام در نوفل لوشاتو  
امام در فرانسه هم همان زندگی ساده که از قبل داشت را ادامه داد. از آنجایی که امام از نوجوانی به راز و نیاز در شب و شب زنده داری مشغول بود، در نوفل لوشاتو و در همان اتاق کوچک هم این سیره را عملی می کردند. اما بعد از نماز مغرب هم سخنرانی داشتند و بیشتر این سخنرانی ها درباره آماده کردن مردم برای حکومت آینده انقلاب بود. امام در مدت زمانی که آنجا بود از نظر اطلاعات و اخبار کشور به روز بود. چون اخبار ایران و بریده های روزنامه ها در اختیار امام گذاشته می شد.





○ محمدرضا شهبانی نوری

## زینب، زینب است

این فیلم هیجدهمین فیلم کوتاه محمدرضا شهبانی نوری و اولین تجربه همکاری اش با انجمن سینمای جوانان می باشد. از دیگر فیلم‌های کوتاه او می توان سکوت سفید، ژولیت، صدا خسته، با چه زبانی بگویم، زمزمه‌های جاری و مستند دنیای رنگی را نام برد.

شهبانی همچنین سابقه بازی در فیلم‌های سینمایی درخت گلابی به کارگردانی داریوش مهرجویی و عشق طاهر به کارگردانی محمدعلی نجفی و ژنرال علی شاه حاتمی را دارد.

این فیلم بر اساس طرحی از رحمت امینی ساخته شد.

عوامل این مجموعه

بازیگران: محمدرضا شهبانی، شقایق فتحی

دستیار کارگردان و برنامه ریز: افشین علیزاده؛

منشی صحنه: هانیه رضایی پور

طراح صحنه و لباس: رهام تربیت

تصویربردار: رضا پراور

دستیاران تصویربردار: ابوالفضل طهماسبی، امیرحسان فکری

صدابردار: حسن کرامت فر

تدوین: محمدرضا شهبانی، پوریا غلامی

مشاور تدوین: محمود غلامی

انتخاب موسیقی: الهام سادات نوری

صداگذار: امیرحسین صادقی

عکاس: مهدی صادقی

گرافیست: محمدحسین شکرزاده

تهیه کننده: محمدرضا شهبانی نوری

با حمایت انجمن سینمای جوانان ایران

اولین نمایش فیلم کوتاه زینب، زینب با حضور

حجت الاسلام والمسلمین مازنی رئیس

کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و

جمعی از هنرمندان و مسئولان وزارت ارشاد

نیز برگزار شد.

نویسنده و کارگردان این فیلم اینگونه روایت

می کند

در این فیلم تلاش شده است چهره‌ی یک زن

و عشق به همسرش به تصویر کشیده شود. به

نظر می رسد این تیپ از خانم‌ها که هم گام با

همسرانشان برای زندگی تلاش می کنند به

روند پیشرفت اجتماعی جامعه کمک می کند.

خانم‌ها جایگاه ویژه ای دارند آنها با یک دست

گهواره را تکان می دهند و با دست دیگر جامعه

را... این اهمیتی است که زن‌ها در جوامع

بشری داشته اند.

خطاب این فیلم به دخترهای جوان و کلا

خانم‌های جامعه است. در این فیلم یک زن

با وجود تلخی و شکنجه‌ی انتظار، کوشش

دفاع مقدس داریم که می توان درباره هر کدام از این سوژه‌ها ساعت‌ها فیلم ساخت؛ تئاتر اجرا کرد و موسیقی نواخت.

کارنامه‌ی فیلم‌های دفاع مقدس بی نظیر است. آن قدر که تاریخ دفاع مقدس را می توان در کارهای ارزشمند بزرگانی چون حاتمی کیا و مرحوم ملاقلی پور مشاهده کرد. در این میان جوانان‌ی خوش قریحه نیز پای به این وادی نهاده اند. وادی دفاع مقدس؛ وادی دفاع از عاشقانه یک سرزمین که مردان و زنانی برای جاودانه ماندن نام ایران خون دادند.

فیلم کوتاه زینب زینب است نیز روایتی جذاب و دیدنی از دفاع مقدس ارائه کرده. روایتی که بسیار متفاوت است و باید آن را دید و از مشاهده آن لذت برد.

فیلم کوتاه زینب، زینب است آماده نمایش شد. محمدرضا شهبانی که نویسنده و کارگردان فیلم کوتاه زینب زینب است مرحله فاین کات را پشت سر گذاشته و نسخه اولیه فیلم در ۱۴ دقیقه به منظور بازبینی تحویل انجمن سینمای جوانان می شود. تصویربرداری زینب، زینب است با حمایت انجمن سینمای جوانان پس از شش جلسه، اواخر اردیبهشت به پایان رسید.

خلاصه فیلمنامه: زینب، حین کار و فعالیت‌های پشت جبهه در انتظار شنیدن صدای همسرش، اسماعیل به صدای اسرای ایرانی در حال پخش از رادیو عراق گوش می دهد و...



دوران ۸ ساله دفاع مقدس دورانی خاص و درخشان در تاریخ کشور ماست که بدون تردید سینما یکی از موثرترین ابزارهای انتقال این ارزش هاست که امروز به واسطه کم‌کاری‌ها در این حوزه روز به روز در حال کم رنگ شدن است. ویژگی ژانر دفاع مقدس پرداختن به روحیات و درون رزمندگان دفاع مقدس و باورها و اعتقادات آنها براساس واقعیات بوده است که به تدریج در سال‌های شکل‌گیری این سینما به اوج خود رسید و موجب ارتقای سطح کیفی سینمای دفاع مقدس گردید. از این رو منجر به جذب بسیاری از مخاطبان خود در این راستا شد.

در ایام دفاع مقدس و چندسالی پس از آن سرمایه‌گذاری‌های خوبی در زمینه انعکاس ارزش‌های دفاع مقدس صورت گرفت اما سال‌هاست که دیگر گیشه‌های سینما تعیین می‌کنند سینما باید روی چه چیزی سرمایه‌گذاری کند. با این وجود هر از گاهی یکی احساس مسئولیت می‌کند و فیلمی در حوزه دفاع مقدس می‌سازد. حال باید دید آیا سینما در انتقال ارزش‌های دفاع مقدس در سال‌های اخیر توفیقی داشته است؟

در ژانر دفاع مقدس به موضوعات متنوع و بسیاری پرداخته شد. موضوعاتی که هم تراژیک است هم عاشقانه؛ هم طنز است و هم کاملاً جدی؛ هم لیلی با من است و هم بادبگارد. آن قدر روایت‌های ویژه و متنوع از

# دوری صدا و سیما از سریال‌های فاخر

ایام محرم ما را به یاد سریال شب دهم می‌اندازد. سریالی فاخر و قوی درباره حادثه عاشورا. جذابیت سریال به اندازه‌ای بود که رییس جمهور وقت در پیامی از رییس وقت رسانه ملی قدردانی کرد. حال اما سالهاست که از ساخت این سریال قوی گذشته اما صدا و سیما تمایلی به ساخت یک اثر ماندگار ندارد. چند سالی است که صداوسیما خالی از محتوای فاخر و ارزشمند شده است. این در حالی است که تجربه نشان داده است سریال‌های فاخر، در شبکه‌های تلویزیونی نه تنها توفیقی فراوان در جذب مخاطب دارند، بلکه از زاویه‌ای دیگر، یعنی آموزش و پرورش نیز تأثیرگذار هستند. در سالهای آغازین پس از انقلاب که نظام نوپای جمهوری اسلامی تاسیس شد توجه اهل فرهنگ به ساخت آثار فاخر کم نشد. هر چند دفاع، مهمترین دغدغه تمامی ارکان دولتی و حکومتی و مردمی بود اما نگاهی به آثار تلویزیونی تولیدشده در این سال‌ها نشان می‌دهد فهرست فاخرها فهرست بلندتری نسبت به پیش از آن است.

هنوز آهنگ تیتراژ سریال هزارستان به نوستالژی ایرانیان بدل شده است هم مناجات خوانی سید حسن جوری در سرداران، بازگویی بخش‌هایی از تاریخ ایران در قالب این سریال با چنان اقبالی از سوی بینندگان تلویزیونی مواجه شد که هنوز هم این سریال‌ها بینندگان پر و پا قرصی دارند و بازپخش آن‌ها می‌تواند زمینه را برای جذب انبوهی از بینندگان، حتی در نسل جدیدی که دهه شصت را ندیده‌اند، مؤثر افتد.

سریال هزارستان که به کارگردانی علی حاتمی در این دهه پخش شد، در دوران خود با اقبال عمومی بالایی مواجه شد. دیالوگ‌های ماندگار و پرمغز، داستان پیچیده و هزارلا و بازگویی بخش‌هایی از رنج رفته بر ایران، مشخصه اصلی این سریال است که سبک ویژه علی حاتمی را در خود داشت و در تمام این سال‌ها نیز تکرار نشده است. جای خالی سریال‌های فاخر در برنامه پخش سیما/ چرا سریال‌های پربیننده شبکه خانگی قربانی اخبار منفی می‌شوند؟

دهه شصت سریال‌های مناسب دیگری را نیز در خود دارد که شاید در قیاس با هزارستان و سرداران، کمتر یادی از آن‌ها می‌شود اما بدون تردید هنوز هم به لحاظ ساختار و هم از منظر فیلم‌نامه و بازی‌ها، از بسیاری سریال‌های ساخته‌شده امروز، یک سر و گردن بالاتر می‌ایستند.

گرگ‌ها، با بازی ثریا قاسمی و سپاوش طهمورث و علی نصیریان، رعنا با بازی رویا تیموریان و پرویز پرستویی، ابوعلی سینا با بازی امین تارخ از جمله این سریال‌ها هستند. افسانه سلطان و شبان و سریال امیرکبیر را نیز باید به فهرست بلندبالای سریال‌های فاخر و پربیننده دهه شصت اضافه کرد. در این دوران حتی سریال‌های خانوادگی چون آینه، چنان درصد انتقال حرف‌های روز جامعه و حل مشکلات بود که بازبینی آن در امروز دقیق نشان از موقعیت اجتماعی و اقتصادی ایران در دهه شصت دارد این در حالی است که هویت زمان از سریال‌های کنونی رخت برسته و بسیاری فیلم‌ها و سریال‌ها به‌واقع به محلی برای "نمایش" و نه نمایش واقعیات جامعه ایران بدل شده‌اند.

چرا سریال‌های پربیننده شبکه خانگی قربانی اخبار منفی می‌شوند؟ دهه هفتاد نیز این وضعیت کمابیش تداوم داشت. سریال روزی-روزگاری و گل پامچال محصول این دوران هستند. سریال‌هایی پر بازبازگویی با مضمونی آموزنده و فاخر. پس از آن می‌توان سریال در پناه تو را سرسلسله سریال‌های نسل جدیدی، یا جوان گرا دانست. این سریال هر چند از صفت فاخر، با استناد به آنچه پیش از این بر سریال‌ها اطلاق می‌شد، فاصله دارد اما توانست بازگوکننده مشکلات جوانانی باشد که هنوز با بسیاری از بحران‌های به جا مانده از آن روزها دست به گریبان هستند.

دهه هشتاد نیز خالی از سریال‌هایی پربیننده و پر مفهوم نیست. شب دهم، روزگار قریب، مدار صفر درجه را می‌توان سه سریال شاخص این دهه دانست. اولی با کارگردانی حسن فتحی، مفهوم عشق آسمانی و راه رسیدن از زمین به آسمان را با استفاده از دستمایه محرم به تصویر کشید و روزگار قریب نیز زندگی محمد قریب، اولین پزشک اطفال را نشان داد. مدار صفر درجه نیز تصویری از عشق در جهان درگیر جنگ جهانی دوم را در خود دارد.

دهه نود اما دهه افول سریال‌هاست. از پایتخت که بگذریم، دیگر چیز دندان‌گیری از میان سریال‌های متعدد در دست نیست. در این حوزه اما می‌توان سریال شهرزاد را مورد توجه قرار داد. سریالی که از پس سال‌ها توانست بینندگان فراوانی را از آن خود کند، آن هم با هزینه‌ای در حدود ۵ هزار تومان در هر هفته.

سؤال اینجاست که چگونه می‌شود صداوسیما با آن ساختار حجیم و این مأموریت مهم در عرصه مقابله با تهاجم فرهنگی از ساخت چنین سریال‌هایی غفلت کرده است و در عین حال این دست سریال‌ها به جای حمایت، در برابر هجمه فرهنگی با اخبار ضدونقیض و منفی روبرو می‌شوند.

منبع: پایگاه خبری بولتن

می‌کند و هرگز دست روی دست نمی‌گذارد و به ناله و ضجه بگذرانند.

او عاشق همسرش است و پای عشقش ایستاده در عین حال پشت جبهه در حال سعی و کوشش و فعالیت است.

قبلا شنیده بودم زمان جنگ خانم‌ها بسته به بضاعتشان مشغول کار و کوشش بوده‌اند.

عده ای لباس می‌بافتند. ساندویچ نان و پنیر درست می‌کردند. به خانواده‌های شهدا خبر

شهادت فرزندشان را می‌دادند. از این شنیده‌ها به این نتیجه رسیدم که قهرمان قصه ام

لباسهای پاره رزمنده‌ها را بدوزد و یا پوتین رزمنده‌ها را واکس بزند. البته ساختمان کلی

فیلمنامه را از دکتر امینی گرفتم و در نگارش فیلمنامه استاد عزیزم جناب آقای اورنگ

خیلی کمک کردند. من مصاحبه ای همسر یک فردی که اسیر بوده خواندم و از مصاحبه

ایشان هم خیلی الهام گرفتم به همین دلیل فیلمم را به این خانم تقدیم کردم. خانمی به نام صدیقه اکبرنیا

که همسرشان فردای عروسی شان می‌رود و اسیر می‌شود. همیشه روح من خیلی کوچک

بوده و در حسرت و حسادت به بزرگی روح خیلی از آدم‌ها روزگار گذرانده

نکته آخر

در فراخوان بسیاری از جشنواره‌هایی که با مضمون دفاع مقدس برگزار می‌شوند در

بخش موضوعات به ایثار اشاره می‌شود. و نمی‌دانم چرا این موضوع را می‌نویسند مگر

می‌شود فیلمی در مورد دفاع مقدس ساخت و در آن ایثار را ندید. کسی که جبهه رفته مگر

غیر از اینست که ایثار کرده. نکند تعریفمان از ایثار متفاوت است. ایثار یعنی دیگری را

بر خود برتر شمردن. کسی که جبهه می‌رود هموطنانش را برتر شمرده و جانش را برای آنها

به خطر انداخته. یعنی میخواهم بگویم امکان ندارد در فیلمها یا متونی با مضمون دفاع

مقدس ایثار را مشاهده نکرد. پس نوشتن آن در محوریت موضوع اشتباه است. در این فیلم

جایی اسماعیل به همسرش زینب می‌گوید خودت می‌گفتی تنهایی معنی اش بی کسی

نیست آدم تنها از بی کسی انتظار نمی‌کشد! و جایی زینب به اسماعیل می‌گوید خودت می

دونی نشستم دست رو دست بذارم ناله کنم من دارم کار می‌کنم اما انتظار داره ذره ذره آبم

می‌کنه. این جملات را در فیلم دوست دارم. بخشهای دیگری هم هست اما بیش از در مورد

آنها صحبت کنم داستانتانم لو می‌رود.

# درس‌هایی از زندگی شهید مدنی

مرجع حساب می‌کنید؟ خیلی بی‌لطفی است. چرا شما خودتان را گم کرده‌اید؟ سن و سالی از ایشان گذشته و احترامشان واجب است. بعد از این به بزرگان احترام بگذارید.» همه ساکت شدند. (راوی: حمید منع‌جود، امین شهید مدنی)

## جاری کردن حد شرعی پسری بجای پدر

یک روز پسر بچه‌ای آمد و گفت: با آقا کار دارم. گفتیم: برای چی؟ گفت: می‌خواهم از آقا برای گرفتن مشروب حکم بگیرم. گفتیم: بیا برویم پیش آقا، از ایشان سؤال کن. آمد و آقا پرسید: آقا پسر! مشروب کجاست؟ گفت: خانه ما. آقا پرسید: خانه شما مشروب چه کار می‌کند؟ گفت: پدرم گرفته، پرسید: کجا گذاشته؟ گفت: گذاشته‌توی یخچال، شب می‌خورد. آقا پرسید: مگر تو فضولی؟ او بین خودش و خدای خودش یک گناهی را انجام می‌دهد. مگر تو فضولی؟ و به من گفت: این را می‌بری ۲۵ ضربه شلاق می‌زنی. شلاق را که زدند، او را آوردند. آقا گفت: این تعزیر فضولی تو بود. پدرت بین خود و خدایش گناهی را مرتکب شود. اگر از خانه آمد بیرون و بدمستی کرد، آن هم شلاق دارد، ولی اگر نیامد، به توربیطی ندارد که از داخل خانه کسی رازش را بیرون بیآوری و آشکار کنی. شنیدیم که پسرک این مطلب را به پدرش گفته و او به کلی مشروب را کنار گذاشته است. (راوی: احد منع‌جود، همراه همیشگی شهید مدنی)

## صریح الهجه و انقلابی

ویژگی‌های آیت‌الله مدنی زیاد بود. صحبت و حرکتش همه و همه انقلابی بود. سخنانش از ته دل بود و بردل‌ها هم می‌نشست. ایشان انقلابی، مذهبی، ساده زیست بود. حرف‌هایش را خیلی رک می‌زد. مثلاً به استاندار می‌گفت: چرا باید این طوری باشی؟ شما باید انقلابی باشید. او حرف‌هایش را به هر مسئولی رک می‌زد و صریح الهجه بود. حتی ما ساعت‌ها زودتر از بقیه می‌نشستیم تا ایشان بیاید و سخنرانی کند. وقتی ایشان در وفات‌ها و رحلت‌ها سخن می‌گفت، خودش هم گریه می‌کرد. همیشه چشم‌هایش اشک داشت. (راوی: بیوک مقدسی بخشایش)

## شهید مدنی راه را به فرماندهان سپاه نشان داد

آیت‌الله مدنی مرد افتاده حال و متواضعی بود که جوانان را با محبت و لطفش جذب می‌کرد، حال و احوال بچه‌ها را عوض می‌کرد. اکثر بچه‌های سپاه همدان از لطف خدا و مهربانی آیت‌الله مدنی به درجات بالا و به



بعد که یقین پیدا کردند، راهشان را جدا کردند. (راوی: دکتر علی آقا محمدی)

## اصلاح تفکر مخالفان آیت‌الله گلپایگانی

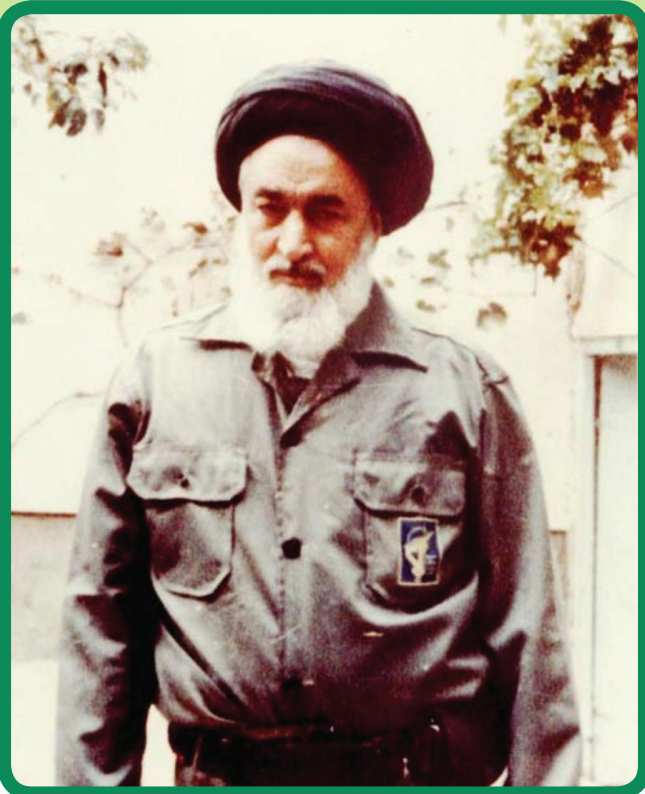
یک بار گفت می‌رویم قم. من می‌خواهم با کارم یک موعظه‌ای به همه بکنم. اینها نه بزرگ سرشان می‌شود، نه کوچک، یک طلبه به خودش اجازه می‌دهد جلوی یک مرجع عرض اندام کند. می‌خواهم به اینها درس بدهم. رفتیم منزل آقای گلپایگانی، جمعیت زیادی هم بودند. همه شان هم جوانهای حزب‌اللهی هم بچه‌های آقای گلپایگانی بودند. به محض اینکه آقای گلپایگانی آمد، آقای مدنی بلند شد، جلو رفت و دست ایشان را بوسید. آقای گلپایگانی هول شد و گفت: «آقای مدنی! این چه کاری بود شما کردید؟» آقای مدنی گفت: «وظیفه من است دست شما را بوسم. کاری نکردم.» همه حیران مانده بودند و آقا این طوری به همه شان درس داد. پس از آنکه بیرون آمدم، جوانان انقلابی از من پرسیدند: «این چه کاری بود که آیت‌الله مدنی کردند؟» من هم چون می‌دانستم برنامه چه بود، گفتم: «خودتان پرسید.» آقای بنی‌صدر هم با من بود. وقتی آقای مدنی بیرون آمد، شعار دادند و آقای مدنی گفت: «وقت شعار نیست. بنشینید.» پرسیدند: «آقا! چرا شما دست آقای گلپایگانی را بوسیدید؟» آیت‌الله مدنی جواب داد: «مرد مسلمان! او مرجع تقلید است. شما خودتان را پیش آیت‌الله گلپایگانی مرجع حساب می‌کنید؟ مرا پیش آقای گلپایگانی

در سی و هفتمین سالروز شهادت شهید مدنی، گزیده‌ای از سیره اخلاقی این شهید را در قالب خاطره می‌خوانیم. این خاطرات توسط یاران و نزدیکان شهید مدنی در ماهنامه «شاهد یاران» نقل شده است.

## وسواس در کمک به دیگران

آیت‌الله مدنی کیسه‌ای داشتند که به کیسه سیاه، معروف بود و پول شخصی‌شان را در آن می‌گذاشتند و برای زندگی شخصی از وجوهات استفاده نمی‌کردند. جالب اینجاست که هرکس مراجعه می‌کرد و حاجتی داشت، باز از همین وجه مختصر کیسه سیاه هم حاجتش را برآورده می‌کردند. آیت‌الله مدنی در این چیزها بود که احتیاط می‌کردند و وسواس به خرج می‌دادند، نه اینکه مثلاً در گرفتن وضو وسواس داشته باشند. بسیار نگران می‌شدند که نیازمندی به ایشان مراجعه کند و نتوانند حاجتش را برآورده کنند.

جاهاتی که مصلحت مسلمانها و اسلام را می‌دیدند، اگر ضرورت ایجاب می‌کرد که در کاری اغراق کنند، این کار را می‌کردند. همدان از شهرهایی بود که قبل از انقلاب هم نماز جمعه داشت و آقای دامغانی به تبع پدرش امام جمعه آنجا بودند. شهید مدنی صلاح ندانستند این ترتیب به هم بخورد و برای تقویت نماز جمعه می‌آمدند و به آقای دامغانی اقتدا می‌کردند. فرد مذکور به تدریج مشکلاتی پیدا کرد، با این حال تا وقتی مسلم نشد که از عدالت خارج شده، شهید مدنی به کارشان ادامه دادند، اما



مردم مشکل داشتند، شهید به آن اداره نامه می نوشت، با این حال باز هم پیگیر مسئله می شد. اگر رسیدگی نمی شد، خودش به آن اداره می رفت و کار مردم را راه می انداخت. وقتی می خواست به یک مستحق کمک کند، خودش می برد می داد که بعد آن طرف نگوید، به دستم نرسید یا نیاوردند. همه کسانی که شهید مدنی به آنها می رسید خجالت می کشیدند که چرا خود آقا کمک‌ها را می آورد. آقا آنها را دعا می کرد. به آنها محبت می کرد. همه آنها به خاطر این محبت‌ها و کمک‌ها شرمنده آقا بودند. مثلاً خانه آنها می رفت. کنار آنها می نشست. به درد دلشان گوش می داد. چون آقاي مدني خودش شخصا این کارها را می کرد، آنها مدیون و شرمنده حاج آقا می شدند. رابطه شهید مدنی با آنها عاطفی بود. یکی از خصوصیات بارز ایشان این بود که وقتی مردم ناراحت بودند، ایشان هم ناراحت می شد و وقتی مردم خوشحال بودند ایشان هم خوشحال می شد. به دادگاه می رفت و پرونده‌ها را نگاه می کرد. از مردم پرس و جو می کرد که مشکلیشان چیست. آقاي مدني از این کارها زیاد می کرد. (راوی: محمدتقی آقا مالی)

#### با دست باز کمک می کرد

اصل فکر و ذکرش مستضعفین بود. آن موقع هیئت مستضعفان و کمیته امداد هم بود، اما ایشان مخصوص خودش برنامه‌هایی داشت. آدرس‌هایی می آوردند. گروه تحقیقی بود که می رفت بررسی می کرد و شب‌های برفی زمستان کمک می کردیم. یادم هست که یک شب برف عجیبی هم آمده بود و با چهار پنج لندروور هیئت مستمندان برای رسیدگی رفتیم و دو تا آدرس را نتوانستیم پیدا کنیم. کلاً ۵۰ تا آدرس بود. ساعت ۲/۵ نصف شب بود و برف هم آمده بود. دیدیم آقا دارد در حیاط قدم می‌زند. پرسید همه را دادید؟ گفتیم ۴۸ را دادیم، دو تا را آدرس پیدا نکردیم. خیلی عصبانی شد و گفت اگر این دو تا خانواده امشب گرسنه بمانند، من جواب خدا را چه بدهم؟ تشکر ۴۸ نفر را نکردند، دعوائی آن ۲ خانواده را کردند. خیلی هم با دست باز کمک می کرد. مثلاً اگر کسی با ۵۰۰ تومن مسئله اش حل می شد، ایشان ۵۰۰۰ تومان می داد. (راوی: احد منع جود، همراه همیشگی شهید مدنی)

بودم که چرا اینطور مثل غریبه‌ها با ما رفتار کرد؟ یک مدتی خدمت ایشان نرفتم و بعد از مدتی که رفتم، حسابی تحویل‌مان گرفت. گفتم: «حاج آقا! آن روزی که برای حل اختلاف پیش شما آمدم، در حالی که حق با من بود، اصلاً تحویل‌مان نگرفتید.» گفتم: «مؤمن! آن روز شما برای حل اختلاف آمده بودی. اگر قرار بود با تو سلام و علیک گرم کنم، آن بنده خدا از اول فکر می کرد که من حق را به شما خواهیم داد و این خلاف عدالت بود.» (راوی: حسین شعاعی)

#### با تمام وجود گوش می داد

اگر کسانی به آیت الله مدنی پیشدستی می کردند و به ایشان سلام می دادند، ایشان گرم‌تر و مفصل‌تر و زیباتر پاسخ می دادند و هنگامی هم که این پاسخ مفصل را می دیدند، کاملاً به طرف خیره می شدند، احوال‌پرسی می کردند و تبسم داشتند و مکث می کردند که آیا این کسی که سلام داده، آیا درخواستی و مسئله‌ای دارد، یعنی توجه خاصی به طرف داشتند و طرف، خود را آماده می کرد که با شهید آیت الله رودررو شود و حرف‌هایش را بزند و صحبت‌هایش را بکند. اگر کسی با آیت الله مدنی صحبت می کرد، ایشان با تمام وجود گوش می داد. (راوی: حسین انزایی)

#### پیگیر پرونده مردم در دادگاه‌ها

بعضی اوقات کمی عصبانی می شد. گوشت و برنج و این جور چیزها را در ماشین می گذاشتیم. به جاهایی می بردیم که فقیرنشین بود. خود شهید مدنی عبا را روی سرش می کشید و آنها را بین مردم پخش می کرد. وقتی

شهادت رسیدند. هر جوانی از در وارد می شد، شهید مدنی جلوی پایش بلند می شد، او را به سینه اش می چسباند و می بوسید. قلبش و نفوس گیرای خودش جوان‌ها را جذب می کرد. اکثر فرماندهان سپاه و اکثر بچه‌های متدین همدان از لطف خدا و کرم آیت الله مدنی راهشان را پیدا کردند. من بچه قد و زبلی بودم. یک روز به شهید مدنی گفتم: «حاج آقا! این پول‌هایی را که شما از آقای خمینی می گیرید، چه می کنید؟» گفتم: «برای چي می پرسى؟» گفتم: «می خواهیم بدانم.» پول‌ها را تجار و بازرگانان به دست ایشان می رساندند و ایشان هم خرج حوزه‌ها می کرد، ولی من بچه بودم و این چیزها حالی‌ام نبود، اما خدا رحمتش کند بدون آنکه عصبانی شود یا اخم کند، برایم توضیح داد که خیالم راحت باشد به دست طلبه‌ها و جاهائی که لازم است می رسد.

(راوی: حاج علی ویسی، یکی از یاران نزدیک شهید مدنی)

#### شهید مدنی نفوذ کلام و چهره داشت

در آن زمان در اکثر مغازه‌ها، به خصوص کافه‌ها، رادیو و موسیقی رواج زیادی داشت. وقتی از خیابانی عبور می کردیم، شاید حداقل از سه چهار مغازه صدای موسیقی می آمد. ایشان با آن لباس و تشکیلات و وضع وارد مغازه می شدند، مقداری با صاحب مغازه صحبت می کردند. اوایل معمولاً گوش نمی دادند، ولی آن چهره و لحنی که شهید مدنی داشت، طوری بود که طرف مقابل بعد از مدتی دیگر نمی توانست صحبتی داشته باشد و می رفت و رادیویش را خاموش می کرد.

اگر در این زمینه خلاقی را می دید حساب نمی کرد که من روحانی هستم، شخصیتی هستم، سادات هستم و اگر طرف عکس‌العمل نامناسبی نشان بدهد، برایم خوب نیست. در هر جا برنامه خلاف شرع می دید، تذکر می داد. (راوی: سید جواد حجازی، از یاران قدیمی شهید مدنی)

#### سبک خاص شهید مدنی در قضاوت

مرحوم آقاي معصومي فرش فروش بود و می گفت من با آقاي مدني سلام و علیک و به خانه شان رفت و آمد داشتم. قبل از انقلاب با یک نفر اختلاف پیدا کردیم و گفتیم برای حل و فصل دعوا پیش آیت الله مدنی برویم. رفتیم و آیت الله مدنی حرف‌هایی ما را گوش داد، اما تحویل‌مان نگرفت، هر چند حق با ما بود و حق را هم به ما داد. من برگشتم، در حالی که دلخور

○ وحید میگونی

## تنگه ابوقریب؛ بدون اغراق و شعارزدگی

مخاطبش را به میان میدان جنگ می برد، میدان جنگی که فوق العاده حرفه‌ای بازسازی شده است و به تصاویر آرشیوی تنه می زند؛ بی‌پردگی توکلی در نمایش این صحنه‌ها، تنها چیزی است که ممکن است بیننده را آزار دهد، اما توکلی در فیلمش از زبان یکی از کاراکترهایش پاسخ می‌دهد: «از چیزهایی که دوست نداری هم باید عکس بگیری» و ما هم باید به دیدن آنچه دوست داریم اما عین واقعیت است خو بگیریم تا تجربه «تنگه ابوقریب» را پشت سر بگذاریم و گرنه لحظاتی که خون، روی دوربین می‌پاشد و چسبناکی‌اش را روی انگشتانتان حس می‌کنید و بوی آهن‌گونه‌اش در بینی‌تان می‌پیچد، طاقت نخواهید آورد و سالن را ترک خواهید کرد.

«تنگه ابوقریب» با یک پلان سکانس بی‌نظیر شروع می‌شود. عزیز (علی سلیمانی) و خلیل (حمیدرضا آذرنگ) کنار رودی که کودکان در آن مشغول آب‌تنی هستند صحبت می‌کنند و به جای صدای آن‌ها، صدای حسن (امیر جدیدی) و مجید (جواد عزتی) را می‌شنویم کمی آن‌سوتر نشسته‌اند و تلاش می‌کنند حدس بزنند این دو راجع به چه موضوعی صحبت می‌کنند. دوربین در یک حرکت نرم می‌چرخد و این دو را به بیننده نشان می‌دهد و در همین چرخش، نمایی از زندگی مردمی که فقط چند کیلومتر با خط مقدم جبهه فاصله دارند را می‌بینیم، نمایی از زندگی در سایه شوم ترس و تهدید.

در این سکانس، اگر نوشته اول فیلم نبود که به مخاطب تاریخ و موقعیت را معرفی می‌کرد فکر می‌کردید در یک بعدازظهر تابستانی لذت‌بخش در حال تماشای کل‌کل‌های دوستانه

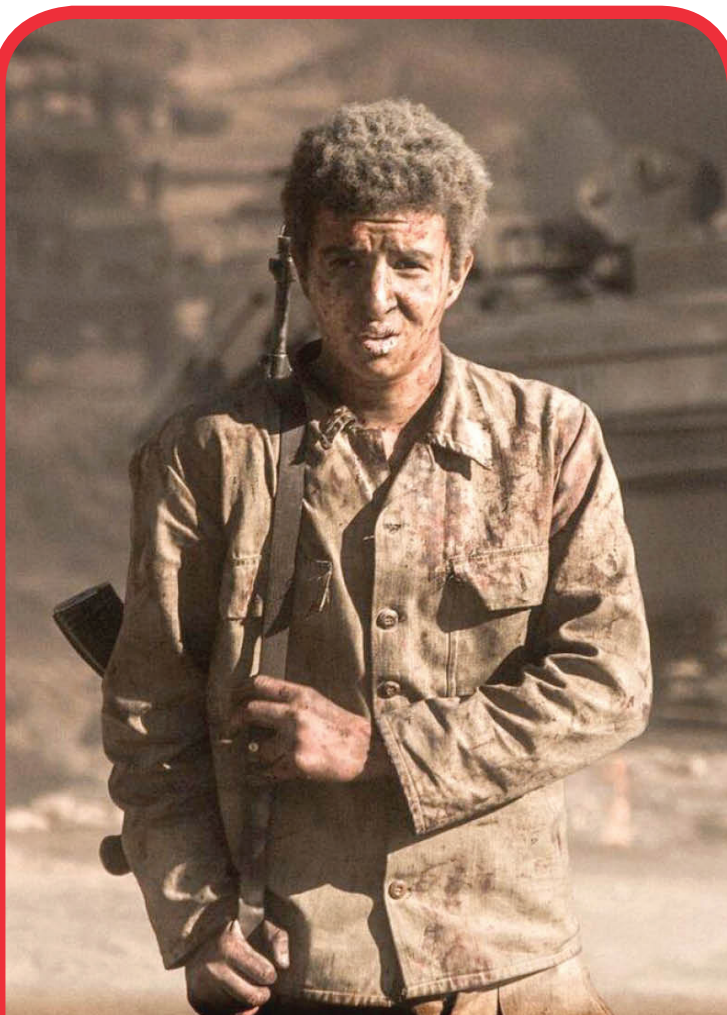
با رویکرد منحصر به فردی جنگ و ابعاد آن را بررسی کرده‌اند و می‌توان گفت موفق بوده‌اند، «تنگه ابوقریب» نگاهی است متفاوت که تاکنون به این موضوع و ژانر معطوف گشته است.

در «تنگه ابوقریب» مردم عادی را می‌بینیم که به دلیل جنگ آواره شده‌اند، کودکان بی‌پناهی را می‌بینیم که از ترس صدای بمب و خمپاره درجا خشکشان زده است، نگاه مات و خیره قربانیان حمله شیمیایی و سربازانی که ترس راه رفتن و ماندن را به رویشان بسته است را می‌بینیم، رزمندگان لب‌تشنه‌ای را می‌بینیم که از بی‌آبی گلویشان خشک شده است و توان حرف زدن ندارند اما اسلحه به دست گرفتند و جنگیدند، دفاع کردند.

کارگردان این فیلم به همین بی‌پردگی

نوشتن از فضای جنگ و گفتن از ایثار و فداکاری و سرودن از حماسه خیلی سخت نیست و شاید بتوان پراحتی دست بر قلم برد و نوشت هر آنچه دل می‌خواهد. از توپ و تانک و خون تا پیروزی و شکست. از آنانی که خلق حماسه می‌کنند و از آنانی که خون خود را برای دین و میهن تقدیم می‌کنند. اما آنچه باعث نوشتن این مطلب شد این بود که بار دیگر فیلمی از جنس جنگ ساخته شد و فضای جدیدی از آن عرصه را نمایان ساخت. فیلم تنگه ابوقریب ساخته بهرام توکلی مانند فیلم‌های دیگرش، عقل سرخ که در سال ۱۳۷۹ درباره شهید مرتضی آوینی ساخته و فیلم برف سرخ که درباره مبارزان شیمیایی سردشت است، با محتوای جنگ و البته فضای بعد از جنگ درگیر شد و آن را به چالش کشید.

«تنگه ابوقریب» فیلمی است که درباره جنگ ایران و عراق ساخته شده است، فیلمی که به‌دوراز هرگونه اغراق و شعارزدگی، در کمال واقع‌گرایی، تصویری متأثرکننده و به‌غایت مهم ارائه می‌دهد. حقیقت این است که در طی چند سال اخیر که زمانی طولانی از پایان جنگ گذشته است و احساسات ناسیونالیستی مردم فروکش کرده است و فیلم‌های شعاری دهه شصت و هفتاد رنگ باخته‌اند، فرصتی پدید آمده است تا فیلم‌سازان جوان و خوش‌فریجه‌مان به سراغ این موضوع حساس و درعین حال مهم در تاریخ کشورمان بروند. بعد از «ایستاده در غبار» و «ویلاپی‌ها» که هرکدام





چند نفر هستید، اما همان نوشته کوتاه و مستند، شمارا وادار می‌کند در عمق این سکانس و این دیالوگ‌ها فروبروید. وقتی گردان عمار عازم عملیات است، علی، پسر نوجوانی که اصرار دارد به خط مقدم برود از رزمندگان عکسی می‌گیرد، عکسی که بعداً در دوربین شکسته علی جا می‌ماند و وقتی خلیل در بحبوحه میدان جنگ زخمی شده است از عکسی که نگرفته‌اند می‌گوید و مجید دیالوگ خلیل را تکرار می‌کند. مجید کتاب «پیرمرد و دریا» را می‌خواند، جنگ یک

پیرمرد با دریای تمام‌نشدنی و قدرتمند، علی در ابتدای فیلم با نگاهی سردرگم از بازگشت رزمندگان مجروح انتقاد می‌کند و در پایان فیلم وقتی توکلی می‌خواهد قصه‌اش را تمام کند و سرنوشت هرکدام از شخصیت‌ها را در یک نمای نزدیک نشانمان می‌دهد، علی را می‌بینیم که خاکی و غرق در خون رزمندگان دیگر، مبهوت و خالی از احساس به میدان جنگ نگاه می‌کند و دیگر اثری از این قضاوت‌گری در نگاهش نیست، اثری از هیچ چیز در نگاهش نیست.

توکلی باظرافت تمام، روایتش را پیش می‌برد، از بیننده احساسات کاذب طلب نمی‌کند، در بحرانی‌ترین شرایط از او خنده می‌گیرد و عنان احساساتش را به دست خودش می‌دهد. عمده روایت «تنگه ابوقریب» با پلان سکانس‌های بی‌نظیری است که حس نفس‌گیر حضور در میدان جنگ را تا اعماق وجودتان تزریق می‌کند، وقتی از کات استفاده می‌کند، آن قدر استادانه بین نماهایش ارتباط برقرار می‌کند که از جریان روایت جدا نمی‌شوید و با ریتمی که توکلی تعریف کرده است پیش می‌روید. جلوه‌های میدانی فیلم کاملاً حرفه‌ای

«تنگه ابوقریب» وارد است و نمی‌شود این فیلم را یک نمونه بی‌عیب و نقص دانست، اما روایت بهرام توکلی آن قدر به کمال رسیده است که از ایراداتش چشم‌پوشی کنیم.

این فیلم مسائلی را پیش روی بیننده آشکار می‌سازد که نسل دفاع مقدس، نسلی جوان و پر شور بود؛ نسلی که در دل شاید می‌خواست سرنوشت داستان لیلی و مجنون را بداند؛ خیلی دلش می‌خواست در نهایت آرامش در کنار عزیزانش باشد؛ بنشیند و با خیال آسوده رمان بخواند و... اما بین این راه و راه دوم که دفاع از دین و وطن بود، راه دوم را برگزید و امروز با اینچنین بحرانهایی روبروست. او سرنوشت مجنون را در جزیره مجنون دید. به جای آنکه در کنار عزیزانش باشد...

باید از مکالمه تلفنی شهید همت با همسرش این جمله به یادگار بماند که: «ژایلا! ای کاش یک لحظه اینجا بودی تا معنای آرامش را می‌فهمیدم» و از همسر شهید حمید باکری این جمله، مقدمه رمان زندگی‌اش شود که: «وقتی خبر شهادت حمید را شنیدم گفتم بهتر!! حالا حمیدم می‌تواند کمی بخوابد...»

اینها نه توهم است نه خیال و نه رویا. حقایقی است که نسل جنگ با آن درگیر بوده است و اینها عبارات نسلی است که امروز از دو سوی مورد هجمه قرار می‌گیرد. از یک سوی کسانی که از بازماندگان جبهه جنگ می‌پرسد: چرا جنگیدید و یا چرا به جنگ رفتید...؟ و از سوی دیگر جریانی که ارزش‌ها و مقدسات، ابزار رسیدن به منافع مادی شان شده است. جریان بی‌اعتقاد به ارزش‌ها در باطن و البته مدعی وراثت هرنچه از انقلاب و جنگ مانده است.

پرداخت شده است و بازی‌ها بی‌نظیر و چشم‌گیر هستند. توکلی در عین تغییر فضا سازی و داستان‌پردازی‌اش در «تنگه ابوقریب»، نسبت به کارهای قبلیش، مشخصه آثار قبلی‌اش را به این فیلم هم آورده است، روایت بصری و به‌کارگیری تصاویر به جای دیالوگ برای پیشبرد داستان. بهترین نمونه‌اش هم سکانس پایانی فیلم است که درزمینه یک موسیقی زیبا، تک‌تک قهرمانانمان را می‌بینیم که هرکدام در این میدان جنگ و نبرد خونین کجا هستند.

از سوی دیگر، «تنگه ابوقریب» قضاوت گر نیست و از بیننده‌اش هم نمی‌خواهد قضاوت کند، فقط فاجعه‌ای دردناک از دل واقعیت را به تصویر می‌کشد. عمق فاجعه هم در میدان نبرد و تیرهایی که شلیک می‌شود نیست، عمق فاجعه زمانی است که روایت پایان‌یافته و بار دیگر نوشته‌ای روی تصویر ظاهر می‌شود: پنج روز بعد جنگ تمام می‌شود.

باری، صحبت از «تنگه ابوقریب» مثل گشودن درهای یک سد پر از آب است. اگر بخواهم وارد تک‌تک سکانس‌ها شوم و همه بازی‌های تصویری توکلی را برشمارم، به کلمات بیشتری نیاز خواهم داشت. مسلماً ایراداتی هم به

محمد مهدی مازنی

## چوب لای چرخ جوانگرایی

و ناشناخته از توانمندی نسل دوم و سوم دارد که حاضر نیست عنان حکمرانی را رها ساخته و آن را به نسل بعد واگذار کند.

متأسفانه منشاء این بی اعتمادی در ساختار مدیریتی حاکم نهادها و دستگاه های متولی فرهنگ و آموزش کشور است. نسل دوم و سوم در همین مدارس و دانشگاه ها درس خوانده اند و کار آموخته اند. از میان این نسل چهره هایی نیز روی به فعالیت های جدی در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ آورده اند. تعداد قابل توجهی در تشکلهای دانشجویی و افرادی در احزاب شناسنامه دار به ویژه در حوزه جوانان فعالیت مستمر داشته و دارند.

آنچه در میدان عمل، نه شعار؛ میبینیم بی اعتنایی به جوان سازی حاکمیت است. چرخ نظام جمهوری اسلامی بی توجه به آینده این خاک، کماکان بر حکمرانی مدیران سالخورده می چرخد و تا زمانی که به جوانان کشور اعتماد نشود شرایط کشور بهبود نخواهد یافت و

بنابراین ما باید حتماً از دانش مدیریت که نتیجه دستاورد بشری است، استفاده کنیم و نسبت به آن آگاهی پیدا کنیم و آن را به کار بگیریم تا سازمان هایمان بتوانند خوب اداره شوند. هر قدر که افراد دانش را عمیق تر بفهمند بهتر می توانند آن را در شرایط خاص به کار بگیرند.

به میانگین سنی کابینه نگاهی بیاندازید. این میانگین را با کابینه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مقایسه کنید. نه! مقایسه نکنید. با کابینه اول انقلاب مقایسه کنید. با کابینه دولت دفاع مقدس. با مدیران ارشد نظام در روزهای نخست پیروزی انقلاب. با فرماندهان هشت سال جنگ تحمیلی... امروز چه نسبتی با آن کابینه داریم؟

این مقایسه به ما نشان خواهد که دولتی پیر داریم. سیستمی کهنسال که حاضر نیست عنان مدیریت کشور را رها کند و آن را به جوانان بسپارد. این نقد جدی به نظام ما وارد است.

این شرایط را با وعده های انتخاباتی مقایسه کنیم. با وعده جوان گرایی. وقتی این میانگین سنی را مقایسه می کنیم متوجه می شویم که باور به توانمندی جوانان در دیدگاه حاکم بر دولت، بسیار ضعیف است و هراس از ناتوانی مدیریتی جوان و متخصص، در اذهان «کابینه چنان»، بسیار است.

این نگاه در سایر ارکان حاکمیتی نیز وجود دارد. نسل اول انقلاب به نسل دوم و سوم بی اعتماد است. نگران

از دستاوردهای انقلاب است و تصویری مبهم

جوان شدن مدیریت کشور زمانی مطلوب است که مدیران جوان بتوانند دانش مدیریت کشور را کسب کنند و بر اساس آن در اداره نظام سیاسی سهیم شوند. دانش مدیریت که در یک محتوای مشخص و محیط فرهنگی خاصی کار می کند برخی از ابعاد آن باید مرتبط با آن فرهنگ تنظیم شود. مثل اینکه افرادی که در یک سازمان استخدام شده اند چه فرهنگی دارند، چه ارزش ها و باورهایی دارند و چطور باید مدیریت شوند؟ توجه به این نکات در به کارگیری این دانش مفید و موثر است. حالا برای اینکه ترکیب دانش جهانی مدیریت و ویژگی های محیطی کشور در آموزش مدیریت را در نظر بگیریم، باید افراد باتجربه را که در همین محیط بومی کار کرده و تجربه کسب کرده اند در دوره هایی که دانش بشری ارائه می شود شرکت دهیم و بعد با آنها در مورد قضایایی که در تجربه پیش آمده است به گفت و گو بنشینیم، به یک اختلاط و آمیزش بین تجربه و دانش می رسیم که بعد می توانیم این محتوای به دست آمده را در شرایط کسب و کار ایران به کار بگیریم، البته وقتی این دانش ها و گفت و گوها شروع بشوند سازمان ها و موسساتی که این دانش را عرضه می کنند خود به خود محتوای عرضه شان را متناسب با شرایط داخلی ما می کنند.

ولی نکته مهم و کلیدی آن است که ما اگر بخواهیم کشورمان جلو برود و بهره وری سازمان هایمان بالا برود نمی توانیم خودمان را بی نیاز از دانشی بدانیم که استعدادهای دنیا برای اینکه سازمانی خوب اداره شود، آن را توسعه داده اند.





ایران کماکان به جای توسعه و پیشرفت؛ به تعبیر دکتر شایگان؛ در تعطیلات تاریخی به سر خواهد بود. آنچه می‌تواند آینده کشور را تضمین کند، حول محور جوانان است که شکل می‌گیرد و این نهادینه‌سازی، فقط در بخش مدیریت و مدیریت اجرایی نیست بلکه در جریان قانون‌گذاری و بخش قضایی و هدایت کشور هم هست. همه نهادهای مدیریتی کشور باید بستر استفاده از جوانان را فراهم کنند باید گردش نخبگان و جوانان در همه بخش‌های کشور باشد باید برای این کار، فرهنگ‌سازی شود. سن مدیران کشور بالا رفته و کم کم لزوم جانشینی آنها با نیروهای جوان بیش از همیشه احساس می‌شود. به روزرسانی افکار مدیران ارشد و تصمیم‌سازان امروز در کنار آموزش و اعطای فرصت به جوانان، تنها مسیر پیش روی توسعه کشور است

تزریق تیم مدیریتی جوان به سطوح مدیریتی کشور، چنانچه با مطالعه و برنامه ریزی دقیق صورت گیرد و استفاده از تجربیات مدیرانی که بی طرفانه تجربیات را در اختیار جوانان قرار دهند و وزن سنگین مدیریتی گذشته شان تاثیر منفی بر عملکرد مدیران جوان نگذارد مطمئناً نتیجه بسیار خوبی خواهد داشت.

باید توجه داشت در این فرایند تحول، از مدیران جوانی استفاده شود که مراحل مدیریتی را طی کرده اند و کارایی آن‌ها سنجش شده است. یعنی معیاردقیقی برای سنجش کارایی مدیران جوانی که در سطوح دیگر هستند وجود داشته باشد تا با استفاده از آن بتوان بهترین مدیران را بر مسند گذاشت نمی‌توان صرفاً با بکارگیری جوانان در سطوح مدیریتی تحول ایجاد کرد بلکه در این راستا باید از کسانی استفاده کرد که مراتب را طی کرده اند دارای بازده و کارایی خوبی بوده اند و از سوی دیگر نیروی جوان، پراثرزی و متخصص نیز هستند. سنجش عملکرد از سطوح پایین به بالا، که تا کنون یا وجود نداشته و یا به آن کمتر اهمیت داده شده است باید مورد توجه قرار گیرد تا بتوان از قانون جدید بهترین نتیجه را گرفت و در مدیریت کشور تحول ایجاد کرد. این قانون نقطه عطفی در مدیریت خواهد بود اگر خوب اجرا شود و در مراحل اجرا نظارت صحیحی بر اجرای دقیق و درست آن باشد.

امیدواریم با فرارسیدن فصل بازنشستگی مدیران نسل انقلاب اسلامی، شاهد حرکت جامعه به سمت تحول با جوان‌گرایی در عرصه مدیریتی باشیم و قطعاً در شرایط فعلی کشور مطلوب‌ترین و معقول‌ترین اقدام می‌تواند همین موضوع باشد که اداره امور به جوانان سپرده شود.

که متأسفانه از آن غفلت شده و موضوع جانشین‌پروری در مدیریت میانی نیز به باد فراموشی سپرده شده؛ فرصتی که نتایج خاص آن را در دستاوردهای هسته‌ای دانشمندان جوان شاهد بوده ایم.

از یاد نمی‌بریم که نسل مدیران جوان انقلابی‌دیروز، بدون حداقل چشمداشت، در عرصه‌های بزرگی مانند دوران دفاع مقدس مدیریت کرده‌اند که برخی از آثار آن در تاریخ این کشور همواره جاودانه خواهد ماند. امروز اما کافی است استعدادهای جوان را دریابیم، پرورش دهیم، بپذیریم و به آنها اعتماد داشته باشیم.

امروز متأسفانه به جای تلاش برای تحقق وعده‌های داده شده در انتخابات شورای شهر و ریاست جمهوری مبنی بر جوان‌سازی مدیریت شهری و حاکمیتی، کماکان بر طبل رجحان تجربه بر نو اندیشی و جوانی می‌کوبند و چوب لای چرخ جوان‌سازی حاکمیت می‌گذارند.

رهبر انقلاب در سخنرانی ابتدای سال ۹۷ در مشهد مقدس حجت را بر همه تمام کردند و بر جوان‌گرایی بیش از همیشه تأکید کردند اما متأسفانه بسیاری از مدیران کشور این سخنان را نشنیده می‌گیرند و یا بی‌اعتنایی می‌کنند که باید گفت خسارت ناشی از این بی‌توجهی دامان کشور را خواهد گرفت.

امروز جوانان فعال در حوزه سیاست، فرهنگ و اقتصاد که به دانش روز نیز مسلط هستند بر همه آزمون و خطاهایی که نسل اول به نام تجربه به آنها تحمیل می‌کند سکوت کرده‌اند؛ اما در مقابل انتظار آن دارند که پس از ۴۰ سال آزمون و خطا، مدیریت کشور را به دست جوانانی بسپارند که اولاً دل در گرو آرمانهای انقلاب اسلامی دارند و در ثانی با نگاهی نو به حوزه مدیریت، توان بهبود اوضاع و احوال کشور را دارند.



• جواد خضرای

## فرهنگ دفاع مقدس؛ ضامن اقتدار ملی

را به شهادت رساند که البته امام در مقابل این اقدامات فرمودند که این اقدامات ملت ما را بیدار تر می کند. پس از این رفتارهای نابخردانه حضور مردم در دفاع از انقلاب چمشگیرتر می شد و این آگاهی و بیداری سبب شد تا دشمنان نتوانند این همدلی ملت و نظام را تحمل کنند و دشمنان انقلاب با هدف سقوط نظام جمهوری اسلامی جنگی تمام عیار را با تحریک رژیم بعث عراق، علیه ایران آغاز کردند.

اظهارات اولیه رییس رژیم بعث عراق ثابت می کرد که هدف اصلی جبهه کفر فقط تصرف خاک نیست بلکه ساقط کردن جمهوری اسلامی است و مخالفان جمهوری اسلامی از استقرار نظام مبتنی بر ارزشهای شیعی به وحشت افتاده بودند. بنابراین همه تلاش و توان خود را برای این مقصود به کار گرفتند اما غافل بودند از اینکه قیام ملت ایران با الهام از قیام عاشورا است و مردم برای حفاظت از این نظام و کشور با تمام وجود ایثارگری خواهند کرد.

از همان روزهای نخست تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران، این ملت بودند که در مرزهای غرب و جنوب غرب در برابر دشمنان ایستادند و ثابت کردند که در دفاع از انقلاب از بذل جان نیز دریغ نمی کنند.

در طول دفاع مقدس همگان شاهد رشادت ها و حماسه آفرینی ها بودند. از حماسه ماندگار و جاوید نوجوان سیزده ساله ای به نام حسین فهمیده که امام راحل (س) در توصیف او فرمودند: "رهبر ما آن طفل سیزده ساله ای است که نارنجک به خود می بندد و زیر تانک می رود" تا رشادتهای زنان و مردان این مرز و بوم که توصیف آنها شاید در هزاران صفحه نیز ننگد.

تک تک رویدادهای هشت سال دفاع مقدس ملهم از حماسه آفرینی های صدر اسلام است که در مصاف پیامبر اسلام (ص) با دشمنان، در پیکار امام علی (ع) با ناکثین، مارقین و قاسطین و در قیام عاشورا در مبارزه با یزیدیان ثبت شده است. جوانان ما با الهام از رشادتهای حضرت علی اکبر به میدان نبرد می رفتند و مردان ما با توسل به علمدار عاشورا، همچنین پیران ما با یاد حبیب بن مظاهر و زنان نیز زینب گونه عمل می کردند. قدرت ملت ایران سبب شد تا دشمن نتواند وجبی از خاک کشور را تصرف کند و پس از هشت سال دفاع مقدس دشمنان سرافکنده شدند و این ایران بود که توانست متجاوزان را محکوم کند. در طول ۲۰۰۰ سال گذشته بواسطه فشار دشمن و با ترس حاکمان و



یک جهت آزمون الهی برای انسانهای عصر امام حسین (ع) بود و از یک جهت چراغی برای هدایت انسانها که ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه.

پس از قیام اباعبدالله در روز عاشورا قیامهایی به عنوان ادامه راه آن حضرت صورت گرفت اما بسیاری از آنها به هدف غایی منتهی نشد تا اینکه جرقه قیام پس از ۱۴۰۰ سال در ایران زده شد. قیام پانزده خرداد امام خمینی (ره) به تاسی از قیام اباعبدالله آغاز شد و ملت ایران که تحت شرایطی سخت و زیر فشار طاغوت شاهنشاهی زندگی می کرد با گفتارها و نوشتارهای امام خمینی بیدار شد و این قیام در بهمن ۵۷ به پیروزی رسید. قیام ملت ایران و بالا رفتن پرچم تشیع در واقع ادامه قیام اباعبدالله بود و جبهه ای که در مقابل این انقلاب قرار گرفت با تمام توان به دنبال حذف این تفکر بود. اما عمق باور ملت به مبارزه با کفر جهانی و طاغوت با الهام از آموزه های اسلام بود و به همین دلیل و با همین باور در مقابل توطئه های دشمنان ایستادگی می کرد.

در ماههای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا جبهه باطل به ترور متوسل شد و بسیاری از اصحاب خاص امام خمینی (ره)

انسانها در طول تاریخ همواره با رویدادهای ویژه ای مواجه می شوند که این رویدادها می تواند حرکت بشر را تا سرمنزل مقصود هدایت کند و بسیاری از این رویدادهای بزرگ به دست هادیان و رسولان خلق شده است. در عصر پیامبران الهی همواره انسانها در مواجهه با آزمونهای بزرگ قرار گرفتند و چه بسیار انسانهایی که در این آزمون ها سربلند بیرون آمدند و چه انسانهایی که نتوانستند راه حق را از باطل تشخیص داده و به مسیر ناصحیح سقوط کردند.

شاید بتوان گفت که بزرگترین آزمون الهی زمانی بود که امام حسین (ع) برای احیاء راه حق و سنت والای پیامبر اسلام (ص) قیام کرد و در این قیام بسیاری نتوانستند راه حق را از باطل تمیز دهند و از همراهی امام حسین (ع) بازماندند. اما حادثه ای که در روز عاشورا رخ داد تاریخ را تکان داد و پس از شهادت امام حسین (ع) و یارانش؛ امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) پیام این حماسه بزرگ را منتقل کردند و ماهیت پلید یزیدیان را افشا کردند.

قیام عاشورا نمادی شد برای حق طلبان و حقیقت جویان که باید برای حفظ ارزشهای الهی ایستاد و پایدار بود. قیام عاشورا از

پادشاهان هزاران کیلومتر از خاک میهن عزیزمان به دول دیگر واگذار شد و لی در جنگ هشت ساله با دفاع غیورمردان و شیرزنان این مرز و بوم و با ایثارگری ها ذره ای از خاک میهن جدا نشد و به بیگانگان واگذار نگردید.

جان فشانی رزمندگان اسلام اگر نبود شاید ایران امروز وضعی دگر داشت و اقتدار و استقلال امروز ما نتیجه جان فشانی شهدا و ایثارگران است و همچنین وظیفه ماست تا راه آن سرسلسله داران جهاد و شهادت را همیشه زنده نگه داریم و در مقابل خانواده های آنها سر تعظیم و تکریم فرود آریم.

سال های دفاع و حماسه مملو از درس هایی است که برای هدایت انسان ها باید منتشر شود و به نسل های بعد منتقل گردد. به تعبیر مقام معظم رهبری "اگر نصف روز حادثه کربلا در طول ۱۴۰۰ سال چنین اثری بر جای نهاده است چرا فکر نکنیم که جنگ هشت ساله ما می تواند برای سال های متعددی در داخل جامعه منشاء اثر باشد."

سال های دفاع مقدس آزمون بزرگ الهی بود که ملت شریف ایران از آن سربلند بیرون آمدند و امروز مقایسه وضعیت نظام جمهوری اسلامی و سرنوشت متجاوز ثابت می کند که پیروز واقعی، ایران بود. پیشرفت روزافزون ایران در عرصه های مختلف علمی

به ویژه دانش فضایی و فن آوری صلح آمیز هسته ای، پاسخ مقاومت بزرگ مردم است. امروز ادامه جهاد و دفاع در جبهه علم و دانش است و اسوه های سال های دفاع و حماسه باید به جوانان ما معرفی شوند تا در این جهاد علمی پیروز و سربلند باشیم. دشمنان امروز از رویارویی نظامی قطع امید کرده اند و ادامه جنگ را به جبهه علمی و اقتصادی و فرهنگی کشانده اند و این ماییم که باید هوشیار باشیم و با الهام از ارزش های دفاع مقدس در مقابل این هجمه ها ایستادگی کنیم.

دفاع مقدس در تقویم تاریخ ماندگار شد و امید که با نشر ارزش های والای سال های ایمان و رشادت در جبهه های جدیدی که هر روز دشمنان علیه ما ایجاد می کنند پیروز باشیم و با مدد از خداوند بتوانیم شاهد پیروزی های متوالی باشیم و در این مسیر جز باور و ایمان به هدایت های الهی نمی تواند ما را به مقصد نهایی برساند.

اقتدار امروز ایران اسلامی مرهون حماسه آفرینی های هشت سال دفاع مقدس است و امروز امنیت کشور حاصل همین ایستادگی است. باور ما این است که ارزش های دفاع مقدس باید چراغ هدایتی برای آینده ملت باشد. آینده ای که با استقامت در راه اهداف، آرمان ها و ارزش ها بتوانیم مسیر پیاده سازی

عدالت، پیشرفت و آزادی را به نسل های بعد نشان دهیم.

باید رویکردهای دفاع مقدس را به عنوان کارکرد تربیتی و اخلاقی رزمندگان به نسل های آتی نشان دهیم و معتقدیم روح دفاع مقدس نه تنها تاریخ ساز بلکه تمدن ساز است.

ابعاد معنوی و ارزش هایی وجود دارد که اگر به خوبی مورد توجه قرار بگیرد می تواند راه بسیار خوبی برای پیشبرد ابعاد اخلاقی جامعه باشد. این نگاه اگر در جامعه حاکم شود می توان شاهد جاری شدن ارزش های دفاع مقدس بود.

آثار و ارزش های به جای مانده از سال های حماسه می تواند مسیر حرکت ما را ترسیم کند و نقشه راه کشور را تدوین نماید. فرهنگ ایثار و مقاومت باید ترویج شود تا نشان دهد این نسل نسلی است که بر پایه آموزه های دفاع مقدس می تواند در صحنه های مدیریت در همه ابعاد سیاسی و اقتصادی کشور حاضر باشد.

ایران امروز با رهبری مقام معظم رهبری و با پشتکار و تلاش مسئولین و با همدلی مردان و زنان این مرز و بوم قطعاً می تواند ایرانی سربلند باشد و قطعاً شاهد سربلندی و عزت در همه عرصه ها خواهیم بود. انشاءالله.



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعناق جوهری خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد.

Photo: ar.ir

یوسف قدیانی

جایزه ایگ نوبل Ig Nobel Prize -

# مضحک ترین پژوهش های سال

را به دنبال دارد. اما مطبوعات بریتانیا به شدت به او تاختند و تقاضای او نادیده گرفته شد.

یک نگاهی به هیئت داوران ببینید: استادان دانشگاه های هاروارد و MIT و نویسندگان نامدار جهان و البته یک رهگذر که بطور تصادفی انتخاب میشود!!!! تنوع تحقیقاتی که برای این جایزه انتخاب شده، خیلی جالب است. از تحقیق در مورد سیاه چاله ها که اثبات می کند ویژگی سیاه چاله ها شبیه توصیفات جهنم است بگیرد تا تحقیقی در مورد جذابیت های آدمیزاد برای شتر مرغ!!! ویا قانون ۵ ثانیه که ثابت می کند اگر ظرف ۵ ثانیه غذایی رو که رو زمین افتاده بردارید هیچ نوع آلودگی ای در آن وجود نخواهد داشت!!

مراسم اهدای جایزه هم رسم و رسومات خاص خود را دارد. هر برنده حق دارد فقط یک دقیقه صحبت کند و در صورت اضافه صحبت کردن، حرفهایش با صدای جیغ یک دختر ۸ ساله که به دوشیزه "سوئیتی پو" معروف است قطع میشود. سوئیتی پو جیغ می زند "بسکن دیگه حوصلم سرفرت". و دانشجویها و بقیه حضار در تمام مدت اهدای جایزه هو می کنند. پرتاب موشک کاغذی روی سن هم از رسم و رسوم ثابت مراسم اهدای جایزه بود که از سال ۲۰۰۶ به دلایل مسائل امنیت لغو شد. اما به غیر از دلایل امنیتی این توقف یک علت دیگر هم داشت هر سال پرفسور گلابر استاد

تحقیقات ناممکن" ( Annals of Improbable Research ) به همراه گروه علوم کامپیوتر دانشگاه هاروارد انجمن داستان های علمی- تخیلی هاروارد- رادکلیف و انجمن دانشجویان فیزیک هاروارد- رادکلیف بانسی مراسم سالانه اهدای جوایز ایگ نوبل است.

همه پژوهش هایی که برنده جایزه ایگ نوبل می شوند واقعی هستند و در نشریات علمی یا پزشکی اغلب معتبر به چاپ رسیده اند. برندگان ایگ نوبل نه پولی دریافت می کنند، نه شهرتی به دست می آورند ( البته تا حدودی اینگونه است ) و تقریباً هیچ امیدی ندارند که باعث تحوّل در علم یا پزشکی شوند. آنها حتی هزینه سفرشان را نیز خودشان می پردازند.

در سال ۱۹۹۵ سر رابرت مشاور ارشد علمی دولت بریتانیا از سازمان دهندگان جایزه درخواست کرد که دیگر به دانشمندان بریتانیایی جایزه ندهند، زیرا که این جایزه خطر مضحکه شدن تحقیقات اصیل علمی

جایزه علمی ایگ نوبل در واقع تقلیدی طنزگونه از جایزه نوبل است. جوایز ایگ نوبل هجو و تقلید مسخره ای است از جایزه نوبل که هر سال اوایل اکتبر و تقریباً همزمان با اعلام نام برندگان نوبل واقعی در ده رشته داده می شود.

اسم این جایزه هم از دو کلمه nobel و ig به معنی بی ارزش و مایه شرمساری گرفته شده. البته طرح ها و تحقیقات کاملاً علمی هستند.

هر سال از میان ۵۰۰۰ مقاله در ماه اکتبر هیات رئیسه این جایزه در ده گروه علمی مختلف به دستاوردها و تحقیقاتی که ابتدا شما را به خنده بیندازند و بعد به فکر وا دارند " جایزه می دهند. شعار ایگ نوبل هم همین است:

FIRST MAKES YOU LAUGH, THEN MAKES YOU THINK

البته شعار اولیه این جایزه این بود: " اکتشافاتی که نمی توان یا اصلاً نباید آنها را انجام داد" از سال ۱۹۹۱، "سالنامه





فیز ز یک  
دانشگاه هاروارد

با لقب افتخاری "جارو نگهدار" که در طول مراسم، مو شک های روی سن را جارو می کرد آن سال برای دریافت جایزه نوبل فیزیکش به سوئد رفته بود.

برخی از عجیب ترین جایزه های ایگ نوبل نان کره ای - فیزیک ۱۹۹۶ فکر می کنید اگر نان از دست تان بیفتد با کدام سمت به زمین سقوط می کند؟ احتمالاً جوایتان این است که دو سمت نان فرقی نمی کند اما اگر روی آن کره بمالید آن وقت موضوع مهم می شود. رابرت متیو از دانشگاه اسون نشان داد که نان معمولاً با سمت کره اش روی زمین می افتد! این پژوهش تأثیرگذار یک ایگ نوبل را برای او در پی داشت.

شکستن قولنج کلم بروکلی - پزشکی ۲۰۰۹

آیا شکستن قولنج انگشتان دست باعث آرتروز یا لرزش دست در میانسالی می شود؟ این سؤال بود که دونالد آنکر با پاسخ دادن به آن توانست یک ایگ نوبل برای خودش به ارمغان بیاورد. او که دارای تحصیلات دانشگاهی است، علاوه بر به دست آوردن ایگ نوبل توانست به مادرش ثابت کند که شکستن قولنج هیچ تأثیری روی انگشتان دستش نداشته است چون او فقط قولنج انگشتان دست چپش را شکسته اما به آرتروز مبتلا نشده است. آنکر در جدیدترین تحقیقاتش قصد دارد بفهمد آیا لازم بوده در بچگی اش این همه کلم بروکلی بخورد یا نه!

چیپس با سس اضافه - علوم تغذیه ۲۰۰۸  
سال ۲۰۰۸، سال انگلیسی ها بود چون آنها توانستند دو ایگ نوبل را به دست



را بالای سر بردند.  
سقوط نارگیل  
- پزشکی  
۲۰۰۱  
زمانی سقوط  
سیب ،  
نیوتن را به  
بزرگ ترین  
کشف علمی  
تاریخ (شاید)  
رهنمون کرد.  
اما حالا پیتر  
براس از دانشگاه  
مک گیل، روی اثرات  
ناشی از سقوط نارگیل

تحقیق کرده و برای این پژوهش تأثیر گذارش شایسته دریافت یک ایگ نوبل شد.

همه با هم: بنگ - صلح ۲۰۰۰  
همه فکر می کنند جوایز صلح را فعالان حقوق بشر می گیرند اما این طور نیست، در سال ۲۰۰۰ فرماندهی نیروی دریایی انگلستان دستور داد «در مانورهای دریایی، شلیک توپ از کشتی های جنگی ممنوع است. به جای آن ملوانان یکصدا فریاد بزنند "بنگ" و برای این دستور ایگ نوبل صلح را برد.

رازهای بطری نوشابه - صلح ۲۰۰۹  
به نظر شما یک بطری خالی برای شکستن سر بهتر است یا بطری پر؟ اصلاً سؤال ساده ای نیست چون اشتفان بولیگر، استیفن راس، لارس اوسترهلوگ، مایکل تالی و بیت نیوبونل از دانشگاه برن در سوئیس با جواب دادن به این سؤال توانستند ایگ نوبل صلح را برای خودشان بخرند. آنها در مقاله ای با عنوان آیا بطری های خالی و پر نوشابه محکم ترند و آیا آستانه شکست آنها برای شکستن جمجمه انسان کافی است؟ که در مجله پزشکی قانونی به چاپ رسید، نشان می دهند بطری های خالی بیشتر آسیب می زنند.

منبع : مجله همشهری دانستنی های شماره ۱۰

shahrvandemrouz.com  
sharghnewspaper.com  
Tebyan.net

آوردند. چارلز اسپنس  
آکسفورد توانست ثابت کند  
چیپس های مانده هم خوشمزه  
هستند. او در مقاله ای تحقیقی توانست  
معلوم کند که چیپس های مانده اگر با  
صدای قرچ، قروچ زیاد خورده شوند،  
خوشمزه تر می شوند. این یکی از ایگ  
نوبل های آنها بود.

چون مادرت خلاف نکن - ادبیات ۲۰۰۹  
جوایز همیشه به اشخاص داده نمی شوند  
بعضی وقت ها مؤسسات یا ادارات مختلف  
موفق می شوند آن را به دست بیاورند.  
درست مثل سرویس پلیس ایرلند که موفق  
شد ایگ نوبل ادبیات را برای نوشتن ۵۰  
نامه جرمه برای یک راننده به دست  
بیاورد. اما جالب اینجاست که نام این  
آقای متخلف «پراوو جازدی» است که در  
زبان لهستانی معنای گواهی نامه می دهد.

شما اسمت چی بود؟ - دامپزشکی ۲۰۰۹  
کاترین داگلاس و پیتر راولینسون از  
دانشگاه نیوکسل در کمال مسرت ثابت  
کردند که گاوهای اسم دار بیشتر از گاوهای  
بدون اسم، شیر می دهند. آنها تحقیقشان  
را با عنوان «کاووشی در مشاهدات مدیران  
فروش در مورد ارتباط انسان و دام درون  
مراکز دامپروری با افزایش تولید» در  
نشریه آنتروزوس منتشر کرده اند که برای  
آنها یک ایگ نوبل به همراه داشت.

شمشیر نخورید - بهداشت ۲۰۰۷  
اگر هوس کردید هر از چند گاهی به  
تقلید از مجریان سیرک یک شمشیر قورت  
بدهید، دست نگه دارید. «دان مهیر»  
و «برایان ویت کمب» کشف کردند که  
بلعیدن شمشیر ممکن است باعث سوراخ  
شدن مری و بسیاری از آسیب های دیگر  
شود (!) چون کسی تا قبل از این کشف  
از موضوع مطلع نبود، آنها یک ایگ نوبل

## راه هموار تا قهرمانی

پس از انجام قرعه کشی رقابت های جام ملت های آسیا ۲۰۱۹ در امارات، بیش از تعیین همگروهی ها، مسیر تیم ملی فوتبال کشورمان تا فینال این رقابت ها مشخص شد. و تیم های آسیایی حاضر در این مسابقات، حریفان خود را شناختند.

### گروه بندی مسابقات جام ملت های آسیا به شرح زیر است:

گروه A: امارات، تایلند، هند، بحرین  
گروه B: استرالیا، سوریه، فلسطین، اردن  
گروه C: کره جنوبی، چین، قرقیزستان، فیلیپین

گروه D: ایران، عراق، ویتنام، یمن  
گروه E: عربستان، قطر، لبنان، کره شمالی  
گروه F: ژاپن، ازبکستان، عمان، ترکمنستان  
حال با توجه به برنامه ریزی صورت گرفته توسط AFC، تیم های برتر این شش گروه با توجه به این برنامه در مراحل بالاتر به مصاف یکدیگر می روند:

در بازی اول مرحله یک هشتم نهایی یکی از دو تیم برتر گروه A (به احتمال فراوان

امارات و بحرین) به یکی از دو تیم برتر گروه C (احتمالا کره جنوبی و چین) برخورد می کند.

تیم برتر گروه D (احتمالا ایران یا عراق) به مصاف یکی از تیم های سوم گروه های B، E و یا F (احتمالا اردن، لبنان و یا عمان) می رود و مسابقه دوم این مرحله را برگزار می کند.

در ادامه تیم برتر گروه B (احتمالا استرالیا یا سوریه) با یکی از تیم های سوم گروه های A، C و یا D (احتمالا تایلند، فیلیپین و یا ویتنام) مسابقه می دهد و بازی سوم مرحله یک هشتم این گونه برگزار می شود.

در مسابقه چهارم مرحله یک هشتم تیم برتر گروه F (احتمالا ژاپن و ازبکستان) به دیدار تیم دوم گروه E (احتمالا عربستان و قطر) می رود.

در مسابقه پنجم صدرنشین گروه C (احتمالا کره جنوبی یا چین) به مصاف تیم سوم یکی از گروه های (تایلند، اردن یا عمان) می رود. در مسابقه ششم این مرحله صدرنشین گروه E (احتمالا عربستان یا قطر) به دیدار تیم

دوم گروه D (احتمالا ایران یا عراق) می رود. مسابقه هفتم بین صدرنشین گروه A (احتمالا امارات و یا بحرین) و یکی از سه تیم گروه های D، C و یا E (فیلیپین، ویتنام و یا لبنان) برگزار می شود.

اما مسابقه پایانی مرحله یک هشتم بین یکی از دو تیم گروه B (احتمالا سوریه یا استرالیا) و یکی از دو تیم برتر گروه F (احتمالا ژاپن و یا ازبکستان) برگزار می شود و شاید حساس ترین مسابقه این مرحله لقب بگیرد.

اما در ادامه و در مرحله یک چهارم نهایی مسابقات جام ملت های آسیا، برنده بازی اول مرحله یک هشتم به دیدار برنده بازی دوم می رود.

دیدار دوم مرحله یک چهارم بین برنده بازی سوم و چهارم مرحله یک هشتم نهایی برگزار می شود.

برنده دیدار پنجم و ششم مرحله یک هشتم نهایی در مرحله یک چهارم نهایی با یکدیگر مسابقه برگزار می کنند.

دیدار نهایی مرحله یک چهارم هم بین برنده



دیدار هفتم و هشتم مرحله یک چهارم نهایی برگزار می‌شود.

هفدهمین دوره جام ملت های آسیا از ۵ ژانویه ۲۰۱۹ (۱۵ دی ماه) و با دیدار تیم های امارات و بحرین آغاز خواهد شد که تیم ملی فوتبال کشورمان در این رقابت ها با تیم های عراق، ویتنام و یمن در گروه D بازی ها قرار گرفت.

البته با ۲۴ تیمی شدن جام ملت های آسیا برای اولین بار و راهیابی تیم های درجه ۳ و حتی ۴ قاره کهن به هفدهمین دوره این رقابت ها، مرحله گروهی برای تیم ملی فوتبال ایران به عنوان پرقدردترین تیم آسیایی حال حاضر چندان هم مورد توجه و با اهمیت نبود. بلکه بیشتر از تعیین همگروه های ایران، این مسیر راهیابی تا دیدار نهایی بازی ها بود که مورد توجه قرار داشت. مسیری که با کمترین چالش ممکن برای قهرمانی، هموارتر از همیشه است.

در دور گروهی ایران باید هرطور شده اجازه ندهد تیمی سرگروهی اش را به خطر بیاندازد چرا که در غیر این صورت بازی های حذفی ایران بسیار سخت تر از حالت سرگروهی خواهد بود. اما اگر شاگردان کی روش بتوانند همان طور که از آنها انتظار می رود عمل کنند و به عنوان تیم نخست راهی

مرحله یک شانزدهم نهایی مسابقات شوند تا نیمه نهایی در مقابل رقیب سرشناس و بزرگی قرار نخواهند گرفت.

ایران اگر بتواند در پایان مرحله گروهی صدرنشین گروه D باشد، باید به مصاف تیم سوم یکی از گروه های B، E و F برود. سخت ترین رقیب ممکن در این حالت می تواند تیم ملی سوریه و یا عمان باشد، در حالی که اردن، لبنان، کره شمالی و ترکمنستان که همگی تیم های سطح پایینی محسوب می شوند هم می توانند رقیب احتمالی ایران در اولین دور حذفی جام ملت های آسیای ۲۰۱۹ شوند.

مسیر تیم ملی فوتبال کشورمان پس از دیدار مرحله یک شانزدهم نهایی هم چندان سخت نیست. در واقع قرار گرفتن در گروه D بازی ها بزرگترین شانس را در اختیار ملی پوشان کشورمان گذاشته که مجبور نباشند برای راهیابی به جمع ۴ تیم برتر رقابت ها، حریف پرقدردتری را پیش روی خود بینند. تایلند، بحرین یا چین می توانند رقیب ایران در دیدار مرحله یک هشتم نهایی باشند و عبور از این مرحله ساده هم کار چندان سختی به نظر نمی رسد.

کار برای تیم ملی ایران تازه از مرحله نیمه نهایی آغاز خواهد شد. جایی که به احتمال

زیاد باید به مصاف یکی از دو تیم ژاپن و استرالیا برود. تیم هایی که هرکدام به اندازه ملی پوشان کشورمان قدرتمند هستند و به همراه ایران از شانس یکسانی برای کسب عنوان قهرمانی برخوردارند. در واقع عبور از نیمه نهایی برای شاگردان کی روش، دشوارترین پیچ جاده قهرمانی است و در صورتی که به سلامت از این مرحله هم عبور کند، فینال جام ملت های آسیای ۲۰۱۹ می تواند مصاف ایران با یکی از سه قدرت دیگر آسیایی یعنی کره جنوبی، امارات میزبان و عربستان سعودی باشد. تیم های پرقدردتی که البته شکست دادنشان به اندازه پیروز

شدن بر استرالیا و ژاپن سخت نخواهد بود. شاگردان کی روش پس از آشنایی با مسیر قهرمانی در جام ملت های آسیا و پشت سر گذاشتن جام جهانی در روسیه، ۶ ماه فرصت خواهند داشت تا خود را برای پایان دادن به طلسم ۴۳ ساله قهرمانی در آسیا آماده کنند. امید است فدراسیون فوتبال از همین حالا با اتخاذ تصمیمات درست و انجام تدابیر لازم، شرایط دستیابی به چهارمین قهرمانی آسیایی ایران را فراهم سازد تا پس از کسب رتبه اولی در رنکینگ آسیایی آن هم به مدت ۴ سال، جام قهرمانی آسیا به تهران برگردد.



## توجه به محیط زیست در محرم

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» چراکه انسان در نزد خداوند گرامی آفریده شده است و آسیب رساندن به جسم و جان و روح آدمی اقدامی غیرقابل بخشش است.

استفاده ی فراوان از ظروف پلاستیکی و تولید پسماندهایی که تجزیه ی آنها در طبیعت، صدها سال طول میکشد، ضمن وارد کردن خسارات سنگین بر محیط زیست از یک سو، و عدم جمع آوری صحیح و کامل آنها و رها سازی در معابر، کوچه ها و خیابان ها از سوی دیگر، مناظر ناخوشایندی برای شهروندان ایجاد کرده و کار شهرداری و پاکبان های زحمتکش را چند برابر میکند.

بنابراین به منظور توسعه ی فرهنگ محیط زیستی و رفتارهای دوستدار طبیعت، مواردی یادآوری و رعایت آنها توصیه می شود:

۱. با روند رو به رشد تکنولوژی و تنوع در تولید ظروف پلاستیکی یکبار مصرف و نازل بودن قیمت آنها، استفاده از این ظروف در مناسبت های فرهنگی، اجتماعی و عزاداری ها به شدت رواج یافته است. این ظروف که غالباً تجزیه ناپذیرند و سبب آلودگی های جبران ناپذیر در محیط زیست می شوند، از نظر بهداشتی هم زیان آورند

شهرها و روستاهای زادگاه خود میروند و با در برنامه هایی که در شهرهای محل سکونت شان برگزار می شود شرکت می کنند.

به رسم سنت در این ماه، همزمان با برگزاری جلسات و مراسم مذهبی و عزاداری در مساجد و تکایا، توزیع غذاهای نذری توسط هموطنان و هیات امنای مساجد صورت می گیرد که لازم است دو نکته بسیار مهم، رعایت شود.

نکته اول رعایت بهداشت در تولید، نگهداری و توزیع مواد غذایی است که گاه موجب مسمومیت های گسترده از سوی مصرف کنندگان می شود و نکته دوم، استفاده ی بی رویه از ظروف یکبار مصرف است که متأسفانه مصرف آنها به طور گسترده رایج شده است. مواد استفاده شده در ساخت مواد پلاستیکی به سلامتی انسان آسیب می رساند و این برخلاف آن است که خداوند در قرآن فرموده است:

در زندگی ماشینی عصر حاضر علاوه بر آنکه رفاه برای آدمی به وفور ایجاد شده و به راحتی و در کمترین زمان امور سامان می یابند اما ضررهای گاه جبران ناپذیر اینگونه زندگی را اصلاً نباید نادیده گرفت.

استفاده بسیار زیاد و بدون محدودیت از ظروف پلاستیکی و یکبار مصرف، یکی از آسیب های زندگی در عصر حاضر است که ضرر آن به انسان و محیط زیست او بازمی گردد. بازگشت چند صد ساله این نوع مواد به چرخه طبیعت باعث ایجاد آلودگی های بسیاری در محیط زمین و هوای مورد تنفس می شود.

هر سال در روزهای ماه محرم، به خصوص دهه ی اول آن که به روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی ختم میشود، بسیاری از مردم به واسطه داشتن تعلق خاطر به عزاداری های دوران کودکی، نوجوانی و جوانی، برای شرکت در این مراسم، به



و در صورتی که گرم شوند و به روش صحیح مورد استفاده قرار نگیرند؛ برای سلامتی انسانها مضر هستند. از این رو بهتر است به منظور حفظ سلامتی و کاهش تولید زباله، از ظروف استیل و ملامین و در صورت لزوم، از ظروف یکبار مصرف، با پایه گیاهی و تجزیه پذیر استفاده شود.

۲. فاضلاب‌های ناشی از پخت و پز و هرگونه شست‌وشو به داخل تصفیه‌خانه‌ها و چاه‌های جاذب فاضلاب هدایت شود.

۳. زباله‌های تولید شده به صورت متمرکز داخل سطل‌های زباله، جمع‌آوری شود.

۴. در صورت امکان از سفره‌های یکبار مصرف استفاده نشود.

۵. در صورت توزیع آب، شربت و یا شیر در بین دسته‌های عزاداری، از لیوان‌های یکبار مصرف با پایه گیاهی و تجزیه پذیر استفاده شود و از فروردن لیوان و پارچ به داخل ظروفی که آب و شربت داخل آن است خودداری شود.

۶. قربانی کردن حیوانات در جلوی دسته‌های عزاداری و یا در محل تکایا و مساجد، علاوه بر به همراه داشتن آلودگی ناشی از بیماری‌های احتمالی مانند تب کشنده و کنگو و غیره و آلودگی ناشی از جاری شدن

خون حیوان قربانی شده، از نظر روانی بر افراد به ویژه کودکان، میتواند اثر منفی بگذارد بنابراین لازم است به این موضوع نیز توجه شود.

۷. یکی دیگر از انواع آلودگی‌ها، آلودگی صوتی است که در دهه اول و دوم ماه محرم با حرکت دسته‌های عزاداری در خیابان‌ها به ویژه به هنگام شب، می‌تواند برای بیماران و سالمندان ملال آور باشد از این رو توصیه می‌شود این موضوع رعایت شود.

۸. به دلیل علاقه مندی و حضور مردم برای شرکت در مراسم عزاداری، شایسته است برای فرهنگ‌سازی مسائل محیط زیست از سخنرانان، طلاب، ائمه‌ی جمعه و جماعات، مداحان و مجریان برنامه‌ها درخواست شود تا تذکرات لازم به منظور رعایت مسائل زیست محیطی گوشزد شود.

با توجه به موارد فوق، پیشنهاد می‌شود مسوولین فرهنگی مساجد، تکایا و هیات‌ها همان‌گونه که به ایام محرم اهمیت داده و با برگزاری هرچه با شکوه‌تر مراسم، به اهل بیت و آیین مذهبی احترام می‌گذارند، به محیط زیست و مشکلات موجود آن نیز توجه کرده و با مطالعه در این حوزه و تشویق و ترویج مخاطبان خود به رفتارهای

دوستدار طبیعت، ارادت خویش را به بزرگان دین که خودشان طلایه دار حفاظت از محیط زیست و پرهیز از اسراف و هدر دادن نعمت‌های الهی بودند، نشان دهند.

ماه محرم از جمله ماه‌هایی است که در آن به دلیل نوع پخت و توزیع گسترده و بسیار زیاد غذاها، نوشیدنی‌ها و خوراکی‌های نذری، استفاده از این نوع ظروف به صورت معمول و طبیعی افزایش می‌یابد. گسترش میزان استفاده از ظروف یکبار مصرف برای راحتی در استفاده و دور ریختن به آسانی آن در این ماه بسیار مشاهده می‌شود.

بازیافت پلاستیک در طبیعت به طور طبیعی ۳۰۰ تا ۵۰۰ سال زمان می‌برد که آسیب‌هایی همچون سرطان زایی، عدم سازگاری با محیط زیست و طبیعت و از بین رفتن سرمایه ملی در اثر استفاده از منابع غیرقابل تجدید را به همراه دارد.

رسول خدا(ص) فرمودند: «تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ؛ فَإِنَّهَا أُمَّكُمُ؛ حرمت زمین را بدارید که به منزله مادر شماست.»



○ فاطمه احمدی

به مناسبت سالروز تولد دو اسطوره شعر و ادبیات ایران زمین

## آنچه باید از حافظ و مولانا بدانیم

وقتی سخن از شعر و ادبیات و از بزرگترین شاعران فارسی زبان می‌شود، همیشه چند نام درخشان‌تر از دیگر اسامی خودنمایی می‌کنند، همچون حافظ، سعدی، فردوسی، مولانا، غزالی....

در این مقاله به مناسبت زادروز مولانا و خواجه حافظ شیرازی، به سراغ آنها رفته ایم تا اندکی درباره ایشان بخوانیم و بنویسیم. محمدبن محمدبن حسین خطیبی بکری سلفی، ملقب به جلال الدین مولانا از مشهورترین شاعران ایرانی تبار پارسی گوی است که در ۶ ربیع الاول ۶۰۴ هـ قمری، مصادف با ۱۵ مهرماه ۵۸۶ هـ شمسی، در بلخ خراسان به دنیا آمد. پدر مولانا، محمد بن حسین خطیبی،

معروف به بهاء الدین ولد و سلطان العلماء، از بزرگان صوفیه و مردی عارف و سخنور و بسیار مورد توجه و علاقه مردم بود تا جایی که این محبوبیت موجب برانگیخته شدن سلطان محمد خوارزمشاه علیه او شد و سلطان العلماء را ناگزیر کرد تا هم زمان با هجوم چنگیز خان، و با دعوت کیقباد از وی که عالمان و عارفان سراسر دنیا را گرد خود جمع کرده بود، به قونیه مهاجرت کنند و تا پایان عمر نیز در آنجا بماند.

مولانا در هنگام مرگ پدرش ۲۴ سال بیشتر نداشت اما به خواهش مریدان پدر و یا بنا به وصیتش، دنباله کار پدر را گرفت و به وعظ و ارشاد پرداخت. او بیش از ۵ سال به تدریس علوم دینی پرداخت و بنا به آنچه که نوشته اند بیش از ۴۰۰ شاگرد در حلقه درس او حضور داشتند.

اما مهم ترین اتفاق زندگی مولانا،

پس از این و با ملاقات شمس تبریزی اتفاق افتاد. ملاقاتی که حکم تولدی دوباره برای مولانا داشت و او ا به گفته خودش از شیخی واعظ به شاعری ترانه گو تبدیل کرد.

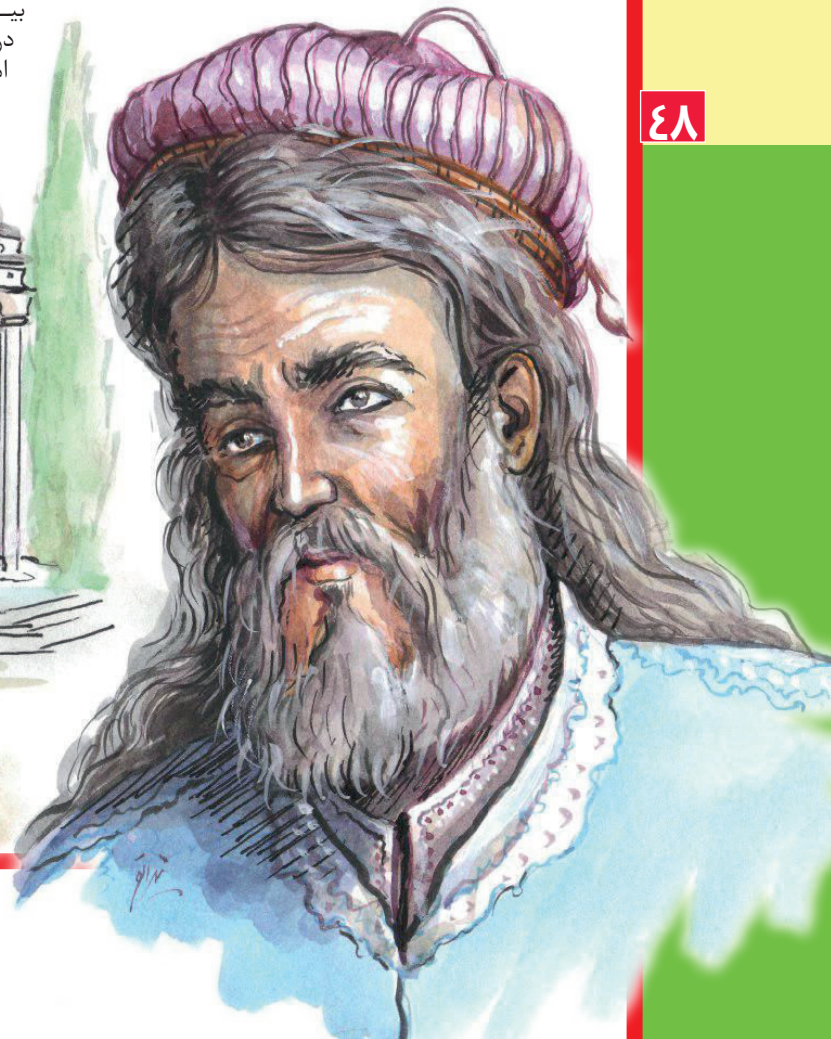
مولانا تنها ۳۷ سال سن داشت که شمس الدین محمد بن ملک‌داد تبریزی، یا همان شمس تبریزی را ملاقات کرد و چنان شیفته او شد که درس و وعظ را کنار گذاشت و به شعر و ترانه و دف و سماع پرداخت. همنشینی کوتاه مولانا با شمس، دوره پر شوری را برای او آغاز کرد که حاصل آن آثار منظوم و منثور است که از او به یادگار مانده است. مولانا در جایی حال خود را چنین وصف می‌کند:

*زاهد بودم، ترانه گویم کردی  
سر حلقه بزم و یاده جویم کردی  
سجاده نشین باوقاری بودم  
بازیچه کودکان گویم کردی*

به گفته مولانا، شمس گوهری به نام "عاشقی" را به او هدیه کرد که به واسطه آن آثار جادانی را خلق نمود. شمس تبریزی، عالم و جهان‌نیده بود و نوشته های او گواه بر دانش گسترده اش در ادبیات، لغت تفسیر قرآن و عرفان است. او که مولانا را همچون عقابی می‌دید که رشته های تعلقات بر دست و پای او بسته شده، تلاش کرد تا این رشته ها را بگشاید و به جای آن، عشق را به مولوی هدیه کرد و موجب شد تا او بتواند از قیدهای بیهوده رهایی یابد، هرچند حسادت ها و بداندیشی های شاگردان و مریدان مولانا سبب رنجش خاطر شمس و غیبت همیشگی او شد و مولانا را در دوری خود نآرام کرد.

*روز و شب در سماع رمضان شد  
بر زمین همچون چرخ گردان شد  
مولانا بسیار به جستجوی شمس پرداخت اما او را نیافت و سر به شیدایی برآورد. انبوهی از شعرهای دیوان او، در حقیقت گزارش همه این روزها و لحظات است. سرانجام مولانا که شمس را نیافت، حقیقت شمس را در خود پیدا کرد.*

او سماع را وسیله ای برای تمرین رهایی و گریز می‌دید. چیزی را که به روح کمک می‌کرد تا از آنچه که او را مقید در عالم حسن و ماده





یافت و به دلیل شاگردی  
قوام الدین که عالم به  
قرائت سبع بود به حفظ  
قرآن با توجه به قرائت های  
چهارده گانه نیز پرداخت و از  
این رو تخلص حافظ را بر خود نهاد.  
روزگار جوانی حافظ مصادف بود با حکومت  
جلال الدین شاه شیخ ابوالاسحاق  
اینجوری، در فارس که  
پادشاهی هنرپرور،  
با ذوق و عشرت  
دوست بود و  
حافظ  
در

# تلفیق شیرازی

کرده بود رهایی پیدا کند و پله پله تا به نام عالم  
قدس عروج نماید.

سرانجام مولانا پس از مدت ها بیماری و در پی  
تبی سوزان در غروب یکشنبه ۵ جمادی الاخر  
۶۷۲ هجری قمری، ۴ دی ماه ۶۵۲ هجری  
شمسی، درگذشت و در مقبره خانوادگی که  
جمع بسیاری از افراد خاندانش از جمله پدر او  
در آنجا مدفون بوده اند، به خاک سپرده شد. از  
بزرگترین آثار او می توان به مثنوی و معنوی،  
اشاره کرد که با بیت معروف:

*بشنو از نی چون حکایت می کند  
از جدایی ها شکایت می کند*

آغاز می شود. مثنوی، کتابی است جامع  
عرفان نظری و عملی که شامل بیست و شش  
هزار بیت است. دیوان شمس تبریزی یا  
دیوان کبیر اثر دیگر مولانا است که محبوبیت  
فراوانی کسب کرده و شامل سی و پنج هزار  
بیت فارسی، هزار بیت عربی و کمتر از ۲۰۰  
بیت ترکی یا یونانی است. رباعیات مولانا  
که بخشی از دیوان اوست و شامل ۱۶۵۹  
رباعی یا سه هزار و سیصد و هجده بیت  
است. همچنین، فیه ما فیه، که کتابی  
است از مجموعه تقریرات مولانا که در طول  
سی سال در مجالس او فراهم آمده و توسط  
پسرش یادداشت شده که نثری ساده و روان  
دارد و درون مایه آن غنی از مطالب عرفانی،  
دینی و اخلاقی است. همین طور، مجالس  
سبعه و مکتوبات از دیگر آثار مولانا است.  
آثار مولانا به غیر از مناطق فارسی زبان، تأثیر  
فراوانی در هند و پاکستان و ترکیه و آسیای  
میانه گذاشته است و به همین دلیل است  
که اکثر جانشینان مولوی در طریقه تصوف  
مربوط به او، از ناحیه قونیه بوده اند. یونسکو،  
با پیشنهاد ترکیه سال ۲۰۰۷ را سال جهانی  
مولانا نامیده است.

## حافظ:

شمس الدین محمد، حافظ شیرازی، ملقب به  
لسان الغیب شاعر و غزل سرای بلند آوازه ایران  
است که در سده هشتم هجری، در حدود  
۷۲۶ ه قمری در شیراز متولد شده. ظاهراً  
پدرش بهاء الدین نام داشته و در دوره سلطنت  
اتابکان فارس، از اصفهان به شیراز مهاجرت  
کرده است.

پس از مرگ پدر، برادرانش پرآکنده شده اند  
اما خواجه محمد به همراه مادرش در شیراز  
ماند و به همراه کار برای امرار معاش به تحصیل  
علوم و کمالات نیز پرداخت و در دوران جوانی  
به تمام علوم مذهبی و ادبی روزگار خود تسلط

نزد وی بسیار  
محبوب شد. اما پس از این دوره، امیر  
مبارزالدین محمد مظفر در تخت نشست که  
حکومتی مبتنی بر ظلم و ستم و سخت گیری  
داشت. و به تعبیر حافظ، از شمشیر او خون  
می چکید. تا اینکه به دست تیمور خلع شد.  
پس از فتح پارس توسط تیمور، او خواجه  
حافظ را به حضور طلبید و چون آثار فقر را در  
چهره او نمایان دید گفت: ای حافظ، من به  
ضرب شمشیرم تمام روی زمین را خراب کردم  
تا ثمرقند و بخارا را آباد کنم و تو آن را به یک  
خال هندو میبخشی و می گویی:

*اگر آن ترک شیرازی بدست آورد دل ما را  
به خال هندویش بخشم ثمرقند و بخارا را*

حافظ در جواب او گفت که از این بخشندگی  
هاست که به این روز افتادم. حافظ شاعر  
سیاسی مبارز بود و در هیچ کجا رنگی از بی  
تفاوتی به اوضاع زمانه در اشعار او نمی یابیم.  
او با زبان ایهام و گاهی طنز به مسایل حاد  
اجتماعی دوره خود پرداخته و از این رو شعر  
او پر از اشارت های تاریخی به اوضاع و احوال  
عصرش است.

علاوه بر این، حافظ شاعر عاشقی نیز هست.  
شاعری که یک قرن پس از مولوی به دنیا آمد  
و از ذخائر تصویری و معنوی آثار مولوی در

لفظ و معنا

استفاده بسیاری برد.

حافظ چندین قصیده عالی و چند منظومه  
کوتاه محکم و تعدادی قطعات و رباعیات  
سروده، اما شهرت اصلی اش و رمز پویایی  
جاودانه آثار او، به سبب غزل سرایی های  
زیبای اوست اشعاری که پر از رمز پردازی  
و حضور سمبل ها و نمادهای غنی هستند  
تناسب های هنری در آنها با ظرافت رعایت  
شده، لحن شورانگیز و پراز ایهام و ابهام  
دارند و دنیایی از سادگی و زیبایی را به روی  
هر خواننده ای می گشایند. استادای او در  
سرودن غزل های عارفانه به پایه ای رسیده که  
تا کنون کسی به مقام او نرسیده است.

*درد ما را نیست در مان الغیث  
هجر ما را نیست پایان الغیث*

*دین و دل بربند و قصد جان کنند  
الغیث از حور خوبان الغیث*

خواجه حافظ شیرازی سرانجام در سال ۹۷۱  
ه ق در شیراز درگذشت و در گلگشت مصلی،  
که منطقه ای زیبا و با صفا بود و حافظ علاقه  
زیادی به آن داشت به خاک سپرده شد که  
اکنون به حافظیه شهرت دارد.

## دوباره محرم با آن حال و هوای سحرانگیزش

و مفاهیم بلند فرهنگ عاشورا در هر عصر و زمانی به فراخور حال آن زمان، تأثیر بسیار شگرف و سازنده ای در راه پیشبرد اهداف مقدسی همچون نشر معارف و فرهنگ اسلام ناب، بر جای نهاده است.

تاریخ شیعه گواه صادق و روشنی از این بازسازی‌ها است. این بار نیز آذر خشی دیگر از آسمان کربلا درخشید که نور آن مشعل فروزان راه حق طلبان و حقیقت جویان، و ابهت و صلابت آن، در هم کوبنده الحاد و نفاق است. عاشورا رسالت بزرگی را بر دوش همه دینداران به ویژه آگاهان جامعه نهاده است. همگان پس از شناخت ابعاد آن موظفاند خود و جامعه خود را با آن مقایسه و از آن درس و عبرت بیاموزند، چرا که زنده بودن تاریخ به ترسیم و تصویب آن و سنجش خودمان با آن است.

قیام حسین (ع) مظهر نبرد حق بر علیه باطل بود. قیام الهی بود که هر چه زمان می‌گذرد، تبلور بیشتری پیدا کرده و آموزه‌های آن روشن تر می‌شود.

امام حسین یکی از اهداف قیام خود را اقامه و حفظ ارزشهای راستین دین اسلام بیان می‌کند. زیرا بعد از پیامبر و دوران رهبری ایشان بر جامعه اسلامی، به علت مسائل و مشکلات پیش رو، بدعت‌های جدیدی در دین و سنت پیامبر اکرم به وجود آمده بود. بدعت‌های جدید، خود موجب انحراف در جامعه اسلامی شده بود. از این رو جامعه

استحکام ریشه‌ها، رویش شاخه‌ها و رشد بار و برهای آن ایفا کرده است.

عاشورا هیچ گاه در محدوده زمان و جغرافیای خاصی محصور نمانده است، بلکه همواره الهام بخش تشیع در راستای حرکت‌ها، جنبش‌ها و قیام‌های راستین شیعه - پل بسیاری از نهضت‌های دیگر - در برابر کانون‌های ظلم و کفر و نفاق بوده است. قیام عاشورا از سال ۶۱ هجری تا امروز همچون چشمه‌ای جوشان و خروشان از آب زلال و گوارای خود تشنگان معرفت و حقیقت را سیراب کرده، و الهام‌بخش بسیاری از نهضت‌های حق علیه باطل بوده است. انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی (ره) از عاشورای حسینی الهام گرفت. وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره) نیز این مفاهیم را بیان می‌دارد که هر چه خود را بیشتر برای ظلم محیا کنید، ظالم بیشتر می‌شود و اگر در برابر ظالم ایستادگی کنید ظلم از بین می‌رود.

روحانیت شیعه همواره برای حراست از کبان فرهنگ عاشورا، نه فقط آن را در طول اعصار متمادی بازگو کرده است، بلکه حتی به بازسازی آن و پاسداری از ارزش‌های ناشی از آن پرداخته است. بازسازی مضامین

روزها همچنان از پی هم می‌گذرند و دوباره محرم، با آن حال و هوای سحرانگیزش از راه می‌رسد. دوباره عطر خوش حسینی به مشام می‌رسد و نوای «یا حسین» گوش جان را نوازش می‌دهد. زمزمه‌ای که همواره ورد زبان ملت ایران بوده و با نشأت گرفتن از زمزمه‌ها و نام حسین (ع) بود که توانستند چنان حوادثی را بیافرینند به طوری که با گذشت زمان هنوز فعل حسینی‌شان در اذهان حک شده باقی مانده است.

امام حسین (ع) به همراه ۷۲ تن از یاران صدیقش حماسه‌ای خلق کرد که حتی با یادآوری آن می‌توان به عظمت این نهضت حسینی پی برد و برای حرکتها و مبارزات ظلم‌ستیزانه بعدی، در طول تاریخ پس از امام حسین (ع) و یارانش الگویی گشت. درباره رویداد عاشورا بسیار گفته و نوشته‌اند. باز هم جای گفتن و نوشتن باقی است، چرا که این رویداد از چنان ابعاد بزرگ و گسترده‌ای برخوردار است که هر چه بیش‌تر به تحلیل و بررسی آن پرداخته شود زوایای نوتر و تازه‌تری از آن آشکار خواهد شد. عاشورا نه یک حادثه که یک فرهنگ است، فرهنگی برخاسته از متن اسلام ناب که نقش حیاتی را در





## محرّم خونین اهواز

جمهوری اسلامی ایران یکی از قربانیان تروریسم است. چه از بدو تاسیس جلادان منافق بزرگان انقلاب و مردم بی دفاع را به شهادت رساندند چه جلادان تکفیری مورد حمایت آمریکا و آل سعود و رژیم غاصب صهیونیستی در ماه عزای ابا عبدالله الحسین خون جمعی از مردم شریف و بی دفاع را بر زمین ریختند.

در زمان برگزاری رژه نیروهای مسلح، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی به مناسبت گرامی داشت هفته دفاع مقدس در اهواز، چند تروریست مسلح، مردم حاضر در مراسم رژه را به رگبار گلوله بستند که به دنبال آن شماری شهید و زخمی شدند.

دقیقی پس از این حمله تروریستی «یعقوب حر التستری» سخنگوی جریان تروریستی و تجزیه طلب موسوم به جنبش الاحوازی با تلویزیون «ایران اینترنشنال» که دفتر آن در لندن است گفتگو کرد و مسئولیت این حمله را به عهده گرفت.

حمله به مردم در مراسم رژه در اهواز اولین عملیات تروریستی این گروه نیست و پیش از این نیز چنین حملاتی از سوی گروه تروریستی موسوم به الاحوازی در استان خوزستان انجام شده است. نکته مهم اینجاست که این گروه که اقدامات تروریستی اش محرز شده است آشکارا در لندن فعالیت دارد و با برگزاری نشست ها و جلسات مختلف حملات و فتنه گری های خود را طراحی می کند بدون اینکه با منع قانونی روبرو شود.

آخرین نشست که این گروه تروریستی در لندن برگزار کرد فرودین ماه بود که در آن چند گروه ضد انقلاب دیگر نیز شرکت کردند.

دولت انگلیس که همچون آمریکا مدعی مبارزه با تروریسم است نه تنها جلوی فعالیت این گروه را نگرفته است بلکه با پناه دادن به سران این گروه تروریستی چون، محمود احمد الاحوازی، حسن راضی و علی قاطع الاحوازی اجازه داده است که آنها از بلندگوهای تبلیغاتی چون بی بی سی فارسی، بی بی سی عربی، تلویزیون ایران اینترنشنال و تلویزیون من و تو که دفاتر آنها در لندن است بهره مند شوند و طرح های خود را برای فتنه افکنی در ایران اجرا نمایند.

البته لندن ممکن است که مدعی شود به دلیل آزادی بیان نمی تواند مانع فعالیت این گروه شود اما سوال اینجاست که با توجه به روشن بودن نقش این گروه در حملات تروریستی و کشتار مردم، چه توجیهی در پناه دادن لندن به این گروه وجود دارد؟

روشن است که سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن یکی از اصول اصلی سیاست های دولت انگلیس بوده و تردیدی نیست که گروه های تروریستی چون الاحوازی ابزار و جاده صاف کن سیاست های لندن هستند و اگر لندن بخواهد مانع فعالیت چنین گروههایی باشد باید تعجب کرد.

یکی دیگر از طرف هایی که از چنین گروه تروریستی حمایت می کند جناح کودتاگر سعودی به سرکردگی محمد بن سلمان ولیعهد عربستان است که آشکارا اعلام کرد که با حمایت از چنین گروه هایی آتش را به خاک ایران خواهد کشاند و اکنون این دولت انگلیس است که باید بر اساس چنین مستنداتی پاسخگو باشد چرا اجازه فعالیت این گروه تروریستی را در خاک خود می دهد و بنگاه های تبلیغاتی اش را در اختیار این گروه می گذارد؟

اسلامی از مسیر اصلی خود دچار انحراف شده و نیاز به اصلاحات اساسی داشت. به همین دلیل، امام حسین (ع) با خلفای زمان بیعت نکرد تا این انحراف را آشکار سازد. بنابراین یکی دیگر از اهداف امام حسین، انگیزه اجتماعی و اصلاح فرهنگی اوضاع و شرایط حال جامعه بود. تا بدین طریق به جهل زدایی عامه مردم بپردازند و ایشان را با انحراف های آشکار در جامعه آشنا سازند.

در این راستا امام حسین (ع) با قیام خود پیام هایی به انسان ها در اعصار مختلف ارائه می کند.

### پیام آزادی

آزادگی به معنی رهایی از قید و بند اخلاق نیست. آزادی به معنی زیر بار ظلم نرفتن است. از این رو و با توجه به این اصل، انسان آزاده با توجه به اصول و باورهای خود زندگی کرده و زمانی که اصول، باورها، حقوق فردی و اجتماعی خود و افراد در ارتباط با وی مورد تعرض قرار بگیرد آرام ننشسته و در برابر ظلم ایشان اعتراض می کند. از این رو امام حسین (ع) مرگ با عزت را بهتر از حیات ذلیلانه می داند.

### عزت نفس

یکی از اهداف مهم تربیت این است که انسان اعتلای روحی بیابد و خود را از پستی و فرومایگی رها سازد. حرمت و شرافت برای خود قایل شود و بزرگواری خود را در همه حال حفظ نماید. سختی و راحتی و شکست و پیروزی، او را به سستی و تباهی نخواهد کشاند و هرگز تن به خواری و زبونی ندهد. سیره امام حسین (ع) در جریان واقعه عاشورا نمود بارز عزت محوری است. ایشان پیش از حرکت به سوی کربلا در جواب برادرشان محمد حنفیه که از او می خواست برای حفظ جانش با یزید بیعت کند فرمود که هرگز تن به پستی نداده ام. زیرا مکتب حسین (ع) بر پایه عزت و کرامت انسانی استوار گشته است.

### ایثار و از خودگذشتگی

ایثار و از خودگذشتگی دلالت بر این موضوع دارد که افراد در عین نیاز به آنچه در دست دارند، دیگران را بر خود مقدم می شمارند و یا اینکه اهداف جمعی را بر اهداف فردی و شخصی خود مقدم می دانند. از این رو امام حسین (ع) برای احیای اصول راستین دین، جان خود و صحابه خود را در طبق اخلاص قرار داد، تا انحراف ها آشکار شود.

### وفا و پای بندی به پیمان

وفا و پایبندی به پیمان در یاران امام حسین خود را به خوبی نشان می دهد. که در این راستا امام حسین یاران خود را بهترین اصحاب بر می شمردند. ایشان در بدترین شرایط بر سر پیمان با امام باقی و او را مورد حمایت قرار دادند.

بازخوانی سقوط هواپیمای سی-۱۳۰

## حادثه ای تلخ پس از شکست حصر آبادان

اسلامی ایران در رابطه با سانحه سقوط هواپیما در کهریزک بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده بود: «بسمه‌تعالی - هموطنان عزیز و شهیدپرور ایران، یک فروند هواپیمای سی-۱۳۰ ارتش جمهوری اسلامی ایران که حامل شهدا و مجروحین جنگ بوده، در روز گذشته از اهواز عازم تهران بود در ساعت ۱۹ شب گذشته دچار سانحه شده و در منطقه میدان تیر کهریزک سقوط می‌نماید. در این حادثه تعدادی از سرنشینان هواپیما نیز شهید و تعدادی مجروح و مصدوم می‌شوند، موضوع تحت بررسی و تحقیق می‌باشد که پس از تکمیل نتیجه به آگاهی هموطنان عزیز خواهد رسید.»

ستاد مشترک در بیانیه دیگری که ساعاتی بعد منتشر کرد با اشاره به اسامی برخی از شهدای این واقعه اعلام کرد مراسم تشییع آنان روز پنجشنبه ۹ مهر برگزار می‌شود. در بیانیه دوم ستاد مشترک آمده بود: «امروز ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران با کمال افتخار و سرافرازی گلگون کفنانی دیگر را به انقلاب اسلامی ایران هدیه نمود. گلگون کفنانی که از بدو پیروزی انقلاب همه چیز خود را وقف این انقلاب نموده و در این راه هرگونه تالم و تاثرات روحی و جسمی را به جان خریده بودند. گلگون کفنانی که به انقلاب اسلامی ایران و رهبر عظیم و عزیز آن عشق ورزیده و در این راه سر از پای نشناخته و پروانه‌وار گرد شمع وجود آنان سوختند. اینان به ارزی

بلافاصله با کمک عده‌ای از اهالی منطقه برای کمک به مجروحین بسیج شدیم و عده‌ای را که قدرت و توانایی داشتند و سالم بودند از داخل هواپیما بیرون آوردیم. پس از مدتی ۳ هلی‌کوپتر متعلق به ارتش و نیروی هوایی برای کمک و اعزام مجروحین به محل آمدند و در همین موقع ماموران آتش‌نشانی و اورژانس و پاسداران به منطقه آمدند و با کمک برادران ارتش و سپاه مجروحان را با هلی‌کوپتر به بیمارستان‌ها انتقال دادند. شاهدان عینی به خبرنگار ما گفتند پس از سقوط، هواپیما به مدت چند ساعت می‌سوخت که با کمک ماموران و نیروهای مردمی آتش خاموش گردید در حالی که از هواپیما جز آهن‌پاره چیز دیگری نمانده بود. خبرنگار ما که از هواپیما دیدن کرد گزارش می‌دهد که در اثر سقوط هواپیما جلو و قسمتی از وسط هواپیما از بین رفته و مقداری از دم هواپیما سالم است. شاهدان عینی گفتند ما شنیدیم که هواپیما حامل عده‌ای از رزمندگان مجروح جبهه‌های جنوب و تعدادی از جنازه‌های شهدای جبهه‌های جنوب بوده و از اهواز به تهران می‌آمده است.» همان روز ستاد مشترک ارتش جمهوری

روز ۷ مهر ۱۳۶۰ به دنبال سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ ارتش در منطقه کهریزک تهران پنج تن از فرماندهان نظامی کشور سرلشکر ولی‌الله فلاحتی‌جانشین رئیس ستاد ارتش، یوسف کلاهدوز قائم مقام سپاه، سید موسی نامجو وزیر دفاع، جواد فکوری مشاور جانشین ستاد ارتش و محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه پاسداران خرمشهر به شهادت رسیدند. این حادثه در پی موفقیت عملیات ثامن‌الائمه و شکست حصر آبادان به وقوع پیوست، زمانی که فرماندهان نظامی برای ارائه گزارش این پیروزی به امام، عازم تهران بودند. روزنامه اطلاعات روز هشتم مهر در خبری نوشت: «ساعت ۷:۱۵ دیشب یک هواپیمای باری به علت نامعلومی در منطقه میدان تیر کهریزک سقوط کرد. بر اساس گزارش خبرنگار ما به نقل از شاهدان عینی ساعت ۷:۱۵ دیشب بعد از شنیدن صدایی مهیب در نزدیکی کهریزک، روبروی میدان تیر متوجه آتش‌سوزی وسیعی شدیم. بلافاصله برای آگاهی از چگونگی آن به محل رفتیم و مشاهده کردیم یک هواپیما در حال سوختن است و عده‌ای نالان خودشان را از هواپیما به بیرون می‌اندازند.»



قلبی خود که همانا آرزوی فرد فرد پرسنل مسلمان و متعهد و جان بر کف نیروهای مسلح است نائل گشته و به لقاالله پیوستند. ایشان همچون دیگر شهدای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از سرباز تا سپهبد شهید قرنی با افتخار زیستند، با سرفرازی و سربلندی در راه حفظ دستاوردهای انقلاب مبارزه کرده و جانانه سر در این راه جان به جان آفرین تسلیم نمودند. سرلشکر شهید ولی فلاحی جانشین ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرتیپ نامجو وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع و فرمانده دانشکده افسری، سرتیپ شهید فکوری وزیر دفاع سابق و فرمانده سابق نیروی هوایی و مشاور رئیس ستاد مشترک ارتش و برادر شهید کلاهدوز قائم مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از این خیل بودند که در حادثه جانخراش سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ همراه تعداد دیگری از برادران ارتشی و سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین ندای حق را لبیک گفته و در جوار رحمتش قرار گرفتند.»

شورای موقت ریاست جمهوری همان روز با صدور بیانیه‌ای شهادت جمعی از فرماندهان و سربازان ارتش و سپاه در سانحه سقوط هواپیما را تسلیت گفته و اعلام کرد: «برای بررسی درباره علت و چگونگی این سانحه هوایی دستورات لازم به مسئولان امر داده شده است.»

روزنامه جمهوری اسلامی دو روز بعد از حادثه اسامی ۴۱ تن از افرادی که در این حادثه شهید یا مجروح شده بودند را به چاپ رساند. این روزنامه نوشت: «یک مقام آگاه انتظامی که در محل سقوط هواپیمای نظامی سی-۱۳۰ حضور داشته است در یک گفت‌وگوی اختصاصی با جمهوری اسلامی لیست سرنشینان هواپیمای سقوط کرده را اعلام کرد. این مقام مطلع در همین گفت‌وگو از سرنوشت مسافرینی که اسمشان اعلام شده اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت که نمی‌داند این افراد شهید شده‌اند یا مجروح. وی از توضیح بیشتر در مورد حادثه خودداری کرد و گفت اطلاعات بیشتر را هیات بررسی کننده این موضوع اعلام خواهد کرد ولی تعداد مسافرین که شامل مجروحین - شهدا و سرنشین سالم بوده است، ۱۰۰ تن می‌باشد.»

روزنامه اطلاعات همان روز فهرستی از شهدای احتمالی حادثه سقوط سی-۱۳۰ منتشر کرد که تعداد زیادی از اسامی آن با فهرست روزنامه جمهوری اسلامی مشترک بود اما نکته قابل توجه در هر دوی این فهرست‌ها

این بود که نامی از شهید محمد جهان‌آرا در میان نبود. رادیو تلویزیون نیز همچون مطبوعات که آن زمان بیشتر اخبارشان متأثر از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود، اشاره‌ای به نام فرمانده شهید سپاه خرمشهر نکرد. این سکوت خبری ادامه داشت تا حوالی چهلیم شهدای سقوط که سپاه پاسداران در بیانیه دعوت به مراسم چهلیمین روز شهادت سرنشینان سی-۱۳۰ در مدرسه فیضیه قم در کنار نام ۴ فرمانده شهید ارتش و سپاه به نام شهید محمد جهان‌آرا نیز اشاره کرد. در بیانیه سپاه پاسداران که در روز ۱۸ آبان‌ماه منتشر شد، آمده بود: «به مناسبت چهلیمین روز شهادت سرداران شهید برادران ارتشی فلاحی، نامجو، فکوری و برادران پاسدار کلاهدوز، جهان‌آرا و دیگر شهدای سانحه هوایی مجلس بزرگداشتی در شهر خون و قیام در مدرسه فیضیه قم از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۶:۳۰ امروز (دوشنبه) برپاست. به پاس احترام به خون این شهیدان عزیز و تاکید بر ادامه راه‌شان تا پیروزی نهایی اسلام بر کفر و همگام با روحانیت متعهد و بیدارمان در این مجلس شرکت می‌کنیم.»

پس از این رخداد، معادلات جنگ ایران و عراق تغییر کرد، فتح خرمشهر به ۸ ماه بعد از آن موکول شد و عملاً جنگ بیش از ۷ سال دیگر ادامه یافت. اهمیت سرنشینان پرواز یادشده تا جایی بود که نیروی هوایی ارتش، وزارت دفاع، ستاد مشترک ارتش و قائم‌مقام سپاه پاسداران، در یک روز با خلأ فرماندهان خود مواجه شدند و معادلات جنگ تغییر کرد. دلیل دیگر اهمیت این سقوط، مشکوک بودن سانحه بود؛ کارشناسان معتقدند این سقوط، خرابکاری و در ادامه پروژه نفوذ بود که نمود اصلی آن در تابستان سال ۱۳۶۰ خود را در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، انفجار دفتر نخست‌وزیری و همچنین ترور و شهادت دادستان انقلاب کشور نشان داد؛ نفوذی که تا در بیت رهبر فقید انقلاب اسلامی رخنه کرد و اگر هوشیاری مقام‌های مسئول نبود، امکان داشت بمب ۸ شهریور ۱۳۶۰، زودتر از آن تاریخ، امام(ره) را به جای شهیدان رجایی و باهنر به شهادت برساند!

هرچند ابهام‌ها درباره دلایل سقوط هواپیمای سی-۱۳۰ ارتش در هفتم مهر ۱۳۶۰ همچنان پابرجاست و روایت‌های گوناگونی از واقعه بیان شده است اما روایت کمک خلبان این پرواز از دیگر احتمالات بیشتر مورد توجه واقع شده است. محمود خرم‌دل که از حادثه جان سالم به در برده است، چند سال قبل در

این باره به ماهنامه صنایع هوایی گفت: «پس از ترک اهواز همه چیز مرتب بود تا حدود ساعت ۸ شب به نزدیک کوه‌های حسن‌آباد قم رسیدیم. در این زمان سیستم برق هواپیما به طور کامل از کار افتاد و تاریکی همه جا را فراگرفت و تنها چراغ‌های حرم عبدالعظیم دیده می‌شدند. بر اثر قطع برق موتورهای هواپیما نیز خاموش شدند و سیستم هیدرولیک هدایت از کار افتاد...» ماهنامه صنایع هوایی در شماره ۱۷۶ خود طی گزارشی که درباره سقوط سی-۱۳۰ به همراه این گفت‌وگو منتشر کرد، نوشت: «فکوری ابتدا به کابین خلبان آمد و با چراغ قوه سعی کرد که مشکل را برطرف کند و بعد برای باز کردن دستی چرخ‌ها رفت. چنین احساس می‌شد که فکوری فهمیده است مشکل فراتر از قطع برق است. از آنجا که فرمان هواپیما ترمیم شده بود هواپیما با سرعتی آهسته و به طور افقی به سمت زمین در حرکت بود. به همین دلیل هواپیما در بیابان فرود آمد. از آنجا که یکی از چرخ‌ها قفل نشده بود، هواپیما به یک سمت خم شده و روی زمین کشیده شد. کمک خلبان با باز کردن پنجره از هواپیما خارج شد و لحظاتی بعد هواپیما با ۸۰۰۰ پوند سوخت منفجر گردید. ۴۵ دقیقه بعد یک بالگرد برای کمک به بازماندگان حادثه به محل آمد.»

آنچنان که از سخنان خرم‌دل و گزارش ماهنامه مذکور برمی‌آید کادر پرواز در زمان سقوط می‌دانسته‌اند که موتورها را از دست داده‌اند با این حال توانستند هواپیما را بر زمین بنشانند. این در حالی است که این فرود، ده‌ها کشته بر جای گذاشته است که درباره آمار بالای آن دلیل دیگری مطرح است. به گفته برخی مسئولان به دلیل اینکه تابوت‌های حامل کشته‌شدگان عملیات ثامن‌الائمه که در انتهای هواپیما قرار داشت با سرعت بسیار بالا به سمت جلو پرتاب شده بود آمار شهدا را بالا برده بود. این روایت بعدها منجر به این شد که حمل تابوت به این شکل در هواپیماهای ترابری ممنوع شود. هواپیماهای ترابری سی-۱۳۰ در آن زمان دو گردان بودند که نقش اصلی را در ترابری نیروها، مجروحان و شهدا بین اهواز و تهران برعهده داشتند.

منابع: پایگاه اینترنتی تاریخ ایرانی؛ پایگاه خبری دفاع پرس



### غزل شهریار به مناسبت عزاداری سالار شهیدان (ع)

روی دل با کاروان کربلا دارد حسین  
 مروه پشت سر نهاد، اما صفا دارد حسین  
 بیش از این‌ها حرمت کوی مناد دارد حسین...  
 خون به دل از کوفیان بی‌وفا دارد حسین...  
 عزت و آزادگی بین تا کجا دارد حسین...  
 با دم خنجر نگاهی آشنا دارد حسین  
 جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین

شعبیان! دیگر هوای نینوا دارد حسین  
 از حریم کعبه جدش به اشکی شست دست  
 می‌برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم  
 او وفای عهد را با سر کند سودا ولی  
 آب را با دشمنان تشنه قسمت می‌کند  
 دست آخر کز همه بیگانه شد، دیدم هنوز  
 شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا



### شعر مُقبل کاشانی به مناسبت روز دهم ماه محرم

فتاده از حرکت ذوالجناح وز جولان  
 عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید  
 نه سیدالشهداء بر جدال طاقت داشت  
 به رنگ پرتو خورشید، بر زمین افتاد  
 اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد

روایت است که چون تنگ شد بر او میدان  
 هوا ز باد مخالف چو قیرگون گردید  
 نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت  
 کشید پا ز رکاب آن خلاصه ی ایجاد  
 بلند مرتبه شاهی ز صدر - زمین افتاد



## «پایان عراق»

مؤلف این کتاب پیتر گالبرایت آمریکایی است؛ ترجمه آن توسط فرج الله اردبیزی و محمدزمان راستگو انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی این کتاب را منتشر کرده است. در این کتاب آمده:

ایالات متحده آمریکا با همراهی چند کشور دیگر از جمله دولت انگلستان در سال ۲۰۰۳ با وجود مخالفت جامعه ی بین المللی به بهانه ی وجود تسلیحات کشتار جمعی و در سایه ی شعارهایی همچون مبارزه با تروریسم، برقراری صلح و امنیت و ایجاد دموکراسی در عراق به این کشور حمله کرد و آن را به اشغال خود درآورد.

این جنگ که به «جنگ دوم خلیج فارس» شهرت یافت با اینکه هزینه های بسیار سنگینی را برای دولت و ملت آمریکا به همراه داشت، نتوانست به هیچ یک از اهداف از پیش تعیین شده دست یابد. پس از گذشت چند سال از اشغال نظامی عراق، هیچ گونه شواهدی دال بر وجود سلاح های کشتار جمعی و فعالیت های اتمی در عراق به دست نیامد؛ واقعیتی که خود مقامات دولت آمریکا نیز به آن اعتراف کردند. از طرف دیگر، با وجود آن که یکی از شعارهای اصلی آمریکا در حمله به عراق مبارزه با تروریسم بود نه تنها این هدف نیز تحقق نیافت بلکه اشغال عراق باعث گسترش روزافزون خشونت و ناامنی در این کشور شد؛ به طوری که عراق در دوران اشغال نظامی آمریکا نا امن ترین کشور جهان به شمار می رفت و حملات تروریستی در این کشور که به امری روزمره و عادی تبدیل شده، جان بسیاری از شهروندان عراقی را گرفت.

واقعیت آن است که دولت آمریکا به دنبال تحقق هیچ یک از اهداف و شعارهای اعلام شده نبود. پس از گذشت چند سال از این حادثه، دیگر هیچ تردیدی وجود ندارد که هدف آمریکا نابودی سلاح های کشتار جمعی و مبارزه با تروریسم نبود، بلکه هدف اصلی این کشور سلطه ی هر چه بیشتر بر منطقه ی حساس و استراتژیک خاورمیانه برای دستیابی به اهداف سیاسی و نیز تسلط بر منابع نفتی عراق برای تأمین انرژی مورد نیاز خود بود.

کتاب حاضر که به قلم یکی از دیپلمات های آمریکایی به رشته ی تحریر درآمده است، ضمن بازگویی بخشی از واقعیات جنگ عراق، ناتوانی آمریکا در دستیابی به اهداف خویش را نشان می دهد. به اعتقاد نویسنده، آمریکا که در زمان کوتاهی توانست عراق را به اشغال خود درآورد، برای دوران پس از اشغال هیچ برنامه ای نداشت، این مسئله در کنار بی کفایتی و سوءمدیریت دست اندرکاران این جنگ پیامدهای اسفباری را برای این کشور به ارمغان آورد.

## «خلیج فارس از دیرباز تا کنون»



این کتاب مجموعه ای از مطالب درباره آداب و رسوم، تجارت، کشتیرانی، وضع سیاسی و حکومتی، مسائل جغرافیایی و اوضاع اجتماعی، راه ها و خطوط ارتباطی، مداخلات انگلستان و روسیه در خلیج فارس، اثرات انقلاب مشروطیت در خلیج فارس و... است. مؤلف در این اثر تلاش کرده با تحقیقی جامع این مباحث را مورد بررسی قرار دهد.

در بخشی از کتاب درباره شهرت خلیج فارس می خوانیم: «خلیج فارس دریای پرماجرای ایرانی، پس از پنج هزار سال جنگ و ستیز در این گهواره تمدن، با آغاز قرن بیستم میلادی و در حدود یک صد سال پیش مورد توجه سیاست های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بیشتر ملل پرآوازه جهان واقع شده است.»

نویسنده در بخشی از کتاب درباره تلاش استعمارگران برای تحریف خلیج پارسی آورده است: «ایران یعنی مادر بوم کهن این دریای پرماجرا، از حدود یک صد سال پیش در گیر و دار کشمکش های سیاسی و فرهنگی با دول همسایه عرب خود و استعمارگران اروپایی، روسی و آمریکایی واقع شده است. در سال های اخیر با جنگ ها و درگیری های نظامی، مناقشات نفتی و دروغ پردازی های فرهنگی، ملل همسایه و غیرهمسایه مضرانه کوشش کردند که نام خلیج فارس را به نام خلیج عربی تحریف کنند و منافع ملی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی چند هزار ساله ما را در خلیج فارس مورد تعرض قرار دهند.»

کتاب «خلیج فارس از دیرباز تا کنون» حاوی مجموعه ای از مطالب متفرقه درباره آداب و رسوم، تجارت، کشتیرانی، وضع سیاسی و حکومتی، مسایل جغرافیایی و اوضاع اجتماعی، راه ها و خطوط ارتباطی، مداخلات انگلستان و روسیه در خلیج فارس است. مؤلف این کتاب احمد افتاداری و ناشر آن انتشارات امیرکبیر است.

### تیر

« اکنون که جهت حراست و پاسداری از انقلاب و دفاع از سرزمین عزیز اسلامی به جبهه اعزام شده ام سعی می‌کنم راه امام حسین (ع) را پیمایم تا بتوانم بدینوسیله دین خود را ادا نمایم.  
شهید حسین خیرخواه

### فروردین

« ... خوشحال باشید که اهل کوفه نشدید و حسین (ع) و یار و انصار او را در صحرای کربلای ایران تنها نگذاشتید بلکه توانستید با هدیه کردن خون فرزند و برادر خویش او را یاری کنید...  
شهید حسن خلیل زاده

### مرداد

« با تمام قدرت مقابل فرصت طلبان بایستید مبدا مسئله انقلاب را فراموش کنید که همان خون شهداست...  
شهید علی اکبر کاملی

### شهریور

« ... روی سخنم با کسانی است که هنوز انقلاب را درک نکرده اند و خیال می‌کنند که همه چیز را باید انقلاب برای آنها تأمین کند. نه شما باید که باید همه چیز را برای انقلاب تأمین کنید...  
شهید جلیل مؤذن

### مهر

« ... نگذارید با ایجاد تفرقه در بین شما، خون های پاک و گرانبها به هدر رود...  
شهید عبدا... رضازاده

### آبان

« بیایید هم دیگر را دوست بداریم و برای خدا کار کنیم، پس باید برای خدا زندگی کرد و برای او مرد...  
شهید فریدون کشتگر

### خرداد

« ... یا ابا عبدالله الحسین (ع) که مصداق آیه شریفه «یا ایها النفس المطمئنه... هستی آیا ما نیز لیاقت یاری دین خدا را داریم؟ آیا ما نیز به آن حد رسیدیم که بگوییم خدایا رضای تو رضای ماست.  
شهید حسین بیگری

راستش در این شماره هم به نیت شما متولدین هر ماه تفرقی زدیم به وصیت شهدا که امید در آینه‌ی وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

## آذر

« همیشه بیدار باشید که خدای ناکرده اگر لحظه ای غفلت کنید و اسلام ضربه بخورد، مسئول هستید و همه مسئولند. بی تفاوت نباشید و همیشه به جانب حق بشتابید.

شهید حسن کرابی

## دی

« و در تعقیب دشمن سست نشوید (چه اینکه) اگر شما درد و رنج می بینید آنها نیز همانند شما درد و رنج می بینند ولی شما امیدی از خدا دارید و خداوند دانا و حکیم است.

شهید منوچهر مودنی زواره

## بهمن

« آمریکا از دست شما ناله می کند و همیشه در پی اختلاف انداختن بین شما عزیزان است به کمک خدا این توطئه ها را خنثی کنید. توانستید با هدیه کردن.

شهید عمران محبی

## اسفند

« در سایه خون شهداست که شما راحت پشت میز نشستہ اید... قدر این رزمندگان را بدانید و به دردهای آنان رسیدگی کنید و اگر به شما مراجعه می کنند به کارهای آنها رسیدگی نمایید.

شهید غلامرضا بهفر



لوریس چکناواریان:

# عاشورا، جزئی از فرهنگ ایرانی است

دست‌های خود را از دست بدهد شخصیت عجیب و منحصر به فردی دارد که حتی می‌تواند بدون دست، دست‌های دیگران را تا قرن‌ها بگیرد، که به عنوان نمونه به جهان چهلوان تختی اشاره می‌کنم که در یکی از مسابقات مهم کشتی جهان شکست خورد و از فرط ناراحتی روی آمدن به ایران را نداشت و تصمیم گرفت مستقیم به کربلا و حرم حضرت عباس برود تا از وی طلب کمک کند که در نهایت حضرت عباس (ع) دست‌های این جهان پهلوان را گرفت به طوری که وقتی تختی از کربلا به ایران آمد، مردم چنان استقبالی از وی کردند که انگار وی قهرمان آن مسابقات شده است.

منبع: مجله مهر

با محوریت امام حسین (ع) بودم، خود را در نقش و جایگاه شخصیت ایشان قرار دادم، شخصیتی که خود در واقعه عاشورا حضور دارد و از نزدیک شاهد همه اتفاقات تلخ است و اینجا بود تنها ذره‌ای از عظمت شخصیت امام حسین (ع) را به وضوح لمس کردم و از سوی دیگر از آنجا که همیشه علاقه داشتم بزرگی حماسه عاشورا و فداکاری امام حسین (ع) را به گوش جهانیان برسانم، تصمیم به نوشتن و ساخت این سمفونی گرفتم.

اما می‌خواهم به این مسئله اشاره کنم که از دوران کودکی خود در دهه محرم در محله منوچهری که بزرگ شده‌ام وقتی دسته‌جات عزاداری را که برخی مواقع به هزار نفر هم می‌رسید می‌دیدم، حس و حال عجیبی پیدا می‌کردم و شاهد بودم همه کودکان در ماه محرم دوست داشتند یک جور در دسته‌جات و عزاداری‌ها ایفای نقش کنند که بنده هم مستثنی نبودم و به طور ناخودآگاه در ایام کودکی در دسته‌جات

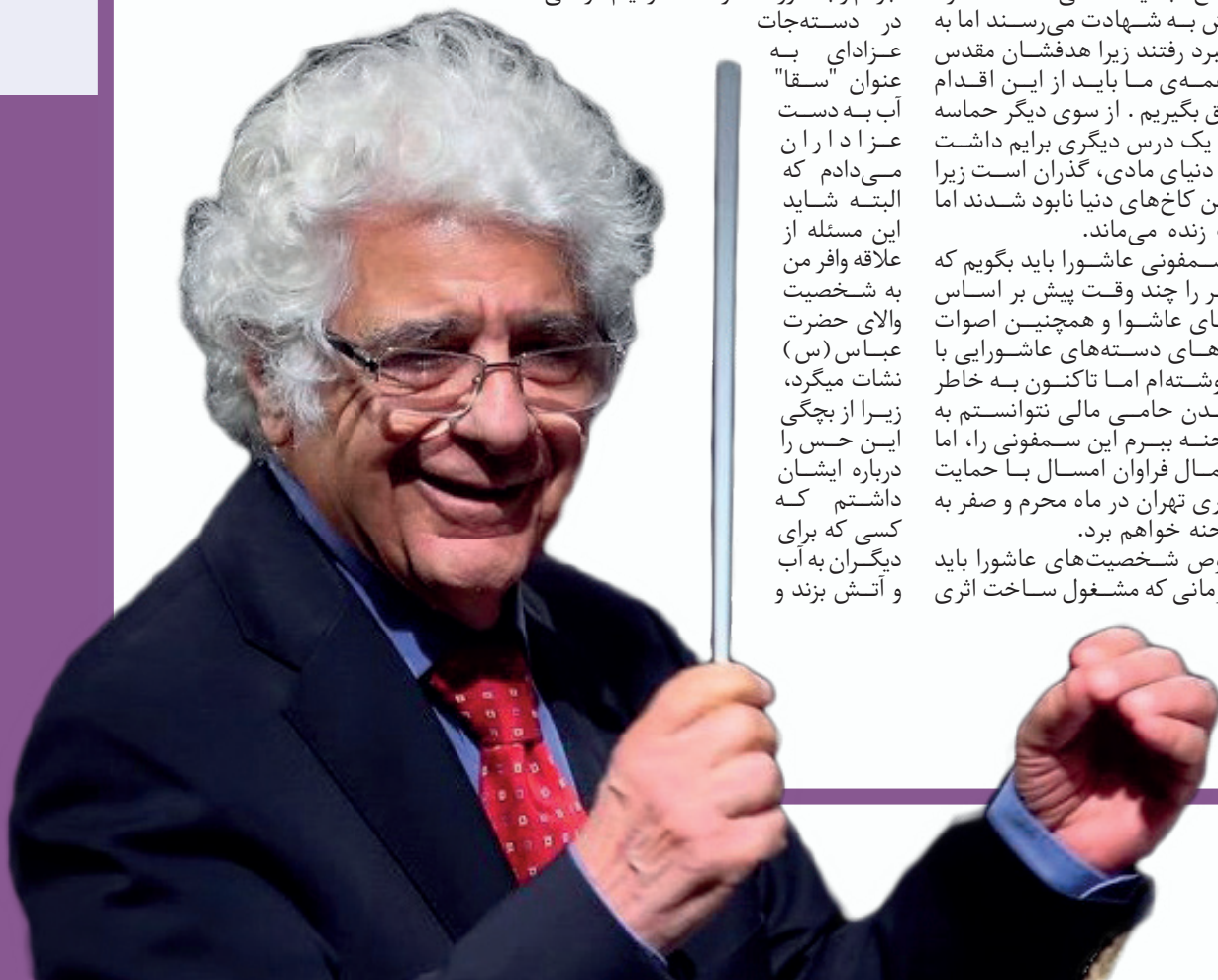
عزادای به عنوان "سقا" آب به دست عزاداران می‌دادم که البته شاید این مسئله از علاقه وافر من به شخصیت والای حضرت عباس (س) نشأت می‌گردد، زیرا از بچگی این حس را درباره ایشان داشتم که کسی که برای دیگران به آب و آتش بزند و

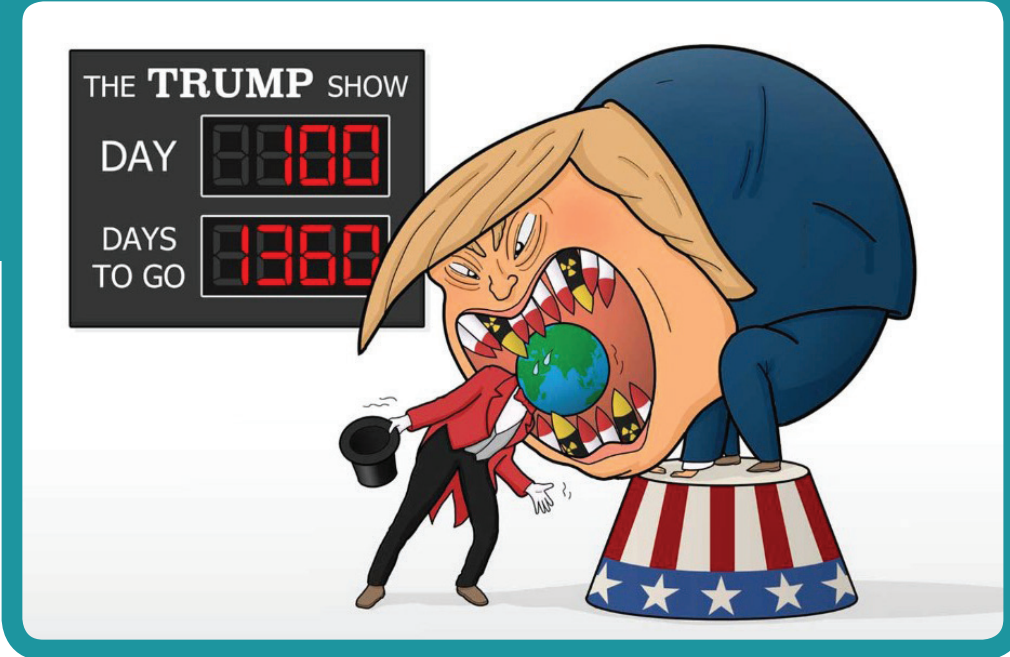
ماه محرم را ماهی می‌دانم که ایرانیان فارغ از فرهنگ، مذهب و قومیت، آن را گرامی می‌دارند و عاشورا جزء اصلی فرهنگ ما ایرانی‌ها است و نمی‌توان ایرانی بود و بی تفاوت به این فرهنگ عظیم عاشورایی بود، در این ایام به عزاداری سرور و سالار شهیدان می‌پردازند و من هم مانند تمامی ایرانی‌ها از دوران کودکی خاطرات نوستالژیکی از ایام عزاداری در ماه محرم دارم و من از همان ایام کودکی به موسیقی به کار رفته در دسته‌های عزادای علاقه فراوانی داشتم و وقتی صدای شیپور و طبل را از دسته‌های عزاداری می‌شنیدم در درجه اول بسیار لذت می‌بردم و در درجه دوم بسیار مرا تحت تأثیر قرار می‌داد.

اول باید بگویم عاشورا یک تراژدی بزرگ است که نه تنها من بلکه تمام مردم دنیا باید از این حماسه عظیم درس و سرمشق بگیرند چرا که امام حسین (ع) با اینکه می‌دانست خود و یارانش به شهادت می‌رسند اما به میدان نبرد رفتند زیرا هدفشان مقدس بود و همه‌ی ما باید از این اقدام سرمشق بگیریم. از سوی دیگر حماسه عاشورا یک درس دیگری برایم داشت که این دنیای مادی، گذران است زیرا بزرگترین کاخ‌های دنیا نابود شدند اما انسانیت زنده می‌ماند.

درباره سمفونی عاشورا باید بگویم که این اثر را چند وقت پیش بر اساس اتفاق‌های عاشوا و همچنین اصوات و آهنگ‌های دسته‌های عاشورایی با دقت نوشته‌ام اما تاکنون به خاطر پیدا نشدن حامی مالی نتوانستم به روی صحنه ببرم این سمفونی را، اما به احتمال فراوان امسال با حمایت شهرداری تهران در ماه محرم و صفر به روی صحنه خواهیم برد.

در خصوص شخصیت‌های عاشورا باید بگویم، زمانی که مشغول ساخت اثری





خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.

## فرم اشتراک مجلات شاهد

شماره حساب سیبا: ۰۱۰۴۴۷۳۰۸۵۰۰۴ نزد بانک ملی  
به نام معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران

اشتراک شش ماهه ۴۸۰,۰۰۰ ریال  
اشتراک یکساله ۹۶۰,۰۰۰ ریال



نام و نام خانوادگی ..... تاریخ تولد .....

اشتراک شش ماهه ۲۱۶,۰۰۰ ریال  
اشتراک یکساله ۴۳۲,۰۰۰ ریال



تلفن ثابت ..... تلفن همراه ..... نشانی الکترونیکی .....

کدپستی ..... آدرس کامل پستی.....

اشتراک شش ماهه ۲۱۶,۰۰۰ ریال  
اشتراک یکساله ۴۳۲,۰۰۰ ریال



مبلغ واریزی ..... ریال - شماره فیش بانکی ..... تاریخ واریز .....

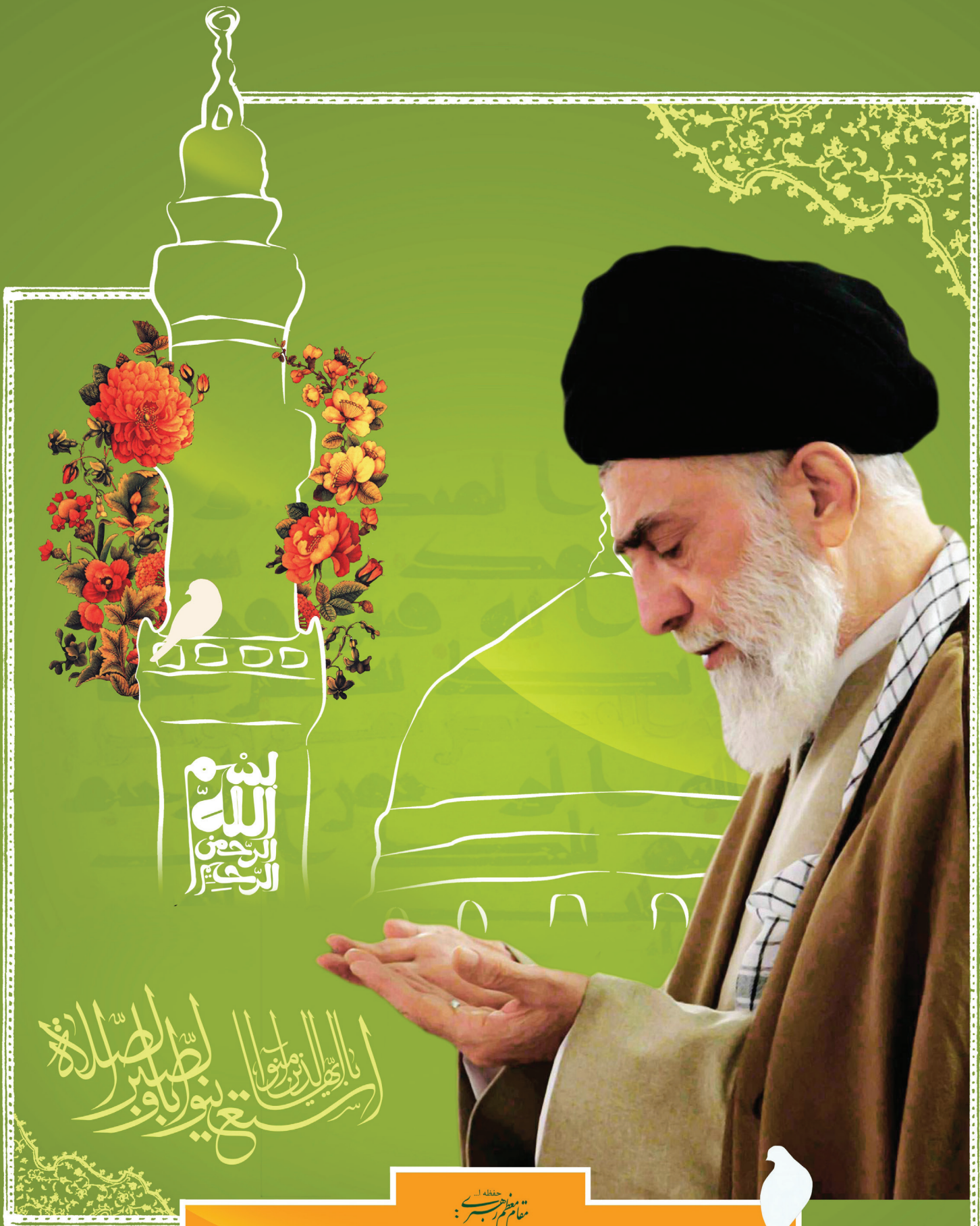
اشتراک شش ماهه ۱۸۰,۰۰۰ ریال  
اشتراک یکساله ۳۶۰,۰۰۰ ریال



امضاء/تاریخ

امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۲۳۵۸۴ دورنگار: ۰۲۱-۸۸۸۲۸۴۳۵

نشانی: تهران-خیابان آیت ا... طالقانی-خیابان ملک الشعراء بهار شمالی-شماره ۵-معاونت فرهنگی و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران-طبقه ۳-اداره مجلات شاهد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّا بِعَيْدِ زَيْنَبِ عَلِيٍّ نَبِيْرِ بَابِ طَهْرٍ وَطَهْرِ صَلَاةِ

مقام محراب جعفر  
حفظه الله

انسان در هنگام توجه به نماز از نماز سیر نمی شود.

